

الكتاب: مناسك حج وعمره (فارسي)

المؤلف: السيد محمد علي الأبطحي

الجزء:

الوفاء: معاصر

المجموعة: فقه الشيعة (فتاوى المراجع)

تحقيق:

الطبعة:

سنة الطبع:

المطبعة:

الناشر:

ردمك:

ملاحظات: نسخه پيش چاپ - رمضان ۱۴۱۸

مناسك
حج و عمره
فتاواى
حضرت آية الله العظمى
آقاى حاج سيد محمد على موحد ابطحي
مد ظله العالى
نسخه پيش چاپ - رمضان ۱۴۱۸

و جوب حج
حج از ارکان دین، و وجوبش از ضروریات اسلام، و منکر آن
مرتد و کافر است. و ترك آن با اعتراف به ثبوتش از گناهان بزرگ
مباشد؛ و هم چنین ترك آن با سهل انگاری (هر سال به سال بعد
موکول کردن).
و بر هر مکلفی که دارای شرایط باشد، حج در تمام عمر يك بار
واجب عینی است. و آن را حجة الاسلام مینامند.
همچنین عمره مفرده نیز بر هر مکلفی که دارای شرایط هست
ولی نمیتواند به حج برود، واجب عینی است. هر چند اگر عمره
حج را بجا آورد از عمره مفرده مستقل کفایت میکند. و این عمره
واجبه در احکامی که مآید مثل حجة الاسلام است.
و در همه زمانها بر تمام مسلمانان حج و عمره واجب کفائی
است، و نباید در هیچ زمان بیت الله الحرام از زائر خالی باشد.
خداوند متعال در قرآن مفرماید: (و لله على الناس حج
البیت من استطاع إليه سبیلا و من كفر فإن الله غني
عن العالمین).

یعنی خدای متعال حج را بر کسانی که مستطیع و متمکن از رفتن به سوی آن هستند واجب فرموده، و هر که کفر ورزد (به خود زیان رسانده، چرا که) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. و از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: هر کس از دنیا برود و حجة الاسلام را بجا نیاورد، بی آن که بر اثر تنگدستی یا بیماری از آن بازمانده یا آن که ظالمی از رفتنش جلوگیری کرده باشد، چنین کسی هنگام مرگ یهودی یا نصرانی مرده است. (مسأله ۱): وجوب حج پس از تحقق شرایط آن فوری است؛ و باید در سال استطاعت انجام شود. و اگر کسی از روی نافرمانی و عصیان، یا به جهت عذری که پس از استطاعت شرعی بوجود آمده، آن را ترك کرد واجب است در سال بعد بجا آورد. و در صورت ترك آن، باید در سال سوم انجام دهد، و همین طور.... و تأخیر آن بدون عذر سهل انگاری و حرام است. (۲): هر گاه استطاعت حاصل شد و به جا آوردن حج متوقف بر مقدمات و تهیه وسایلی بود، باید هر چه زودتر تهیه کرده و خود را آماده سازد. و هر گاه قافله های متعددی باشد که یکی پس از دیگری

حرکت میکنند، چنانچه اطمینان دارد که اگر با اولین قافله نرود
متواند با قافله های بعدی به حج برسد، تأخیر جایز است؛ و اگر
نه باید در اولین فرصت حرکت کند.

(۳): اگر قادر بود با اولین کاروان و قافله برود، ولی نرفت، به
اعتماد بر این که متواند با کاروانهای بعدی به حج برسد؛ و اتفاقاً
نتوانست به مکه برود، یا به علت تأخیر به حج نرسید، حج بر
ذمه اش ثابت و مستقر خواهد بود.

هر چند در این که حجش را به سال بعد انداخته معذور است.
شرایط وجوب حج

شرط اول: بلوغ (پسر پانزده سال، و دختر نه سال تمام)، پس
بر غیر بالغ هر چند نزدیک بلوغ باشد، حج واجب نیست.
و اگر حج کند جای حجة الاسلام را نمگیرد، ولی حجش
صحیح است.

و شرایط وجوب عمره مفرده ای که فریضه ای مستقل و مثل
حجة الاسلام میباشد همان شرایط وجوب حج است.

(۴): هر گاه نا بالغ به حج رود و قبل از احرام بالغ شده و
بداند، و مستطیع هم باشد، واجب است نیت حجة الاسلام نماید.
و چنانچه بعد از احرام بالغ شد، جایز نیست حجش را به

عنوان استحباب تمام کند، بلکه باید نیت حج را بدل به عمره مفرده کرده و با انجام اعمال عمره مفرده از احرام اول در آید. سپس به میقات خود - و گر نه به یکی از میقاتها که میتواند - برگشته، و از آنجا به نیت حجة الاسلام محرم شود. و اگر نمیتواند به هیچ کدام از میقاتها برگردد محل احرامش بیان میشود (م ۱۴۸).

(۵): کسی که عقیده داشته هنوز بالغ نشده و حج را به نیت استحباب بجای آورد، و بعد معلوم شد که بالغ بوده، این حج از حجة الاسلام کفایت میکند.

(۶): طفل ممیز مستحب است حج نماید. و شرط بودن اذن ولی در صحت حجش محل اشکال است، اما در صورت منع کردن ولی جایز نیست به حج برود.

(۷): مستحب است ولی، طفل را چه دختر باشد و چه پسر، محرم نماید.

به این معنی که جامه های احرام را به او پوشانده، و او را وادار به تلبیه گفتن نماید (یعنی به او تلقین کند)، اگر بتواند هر چه را به او بگویند تکرار کند. و گر نه خود ولی به جای طفل تلبیه بگوید، و او را از محرمات احرام باز دارد.

و در صورتی که راهش از طریق فسخ است میتواند بیرون آوردن لباس طفل را تا رسیدن به فسخ تأخیر بیندازد. و او را وا دارد تا آنچه از اعمال را میتواند بجای آورد، و آنچه را نمیتواند به نیابت از او انجام بدهد.

و او را طواف خانه خدا، و سعی بین صفا و مروه دهد. و در عرفات و مشعر وقوفش دهد. و جمرات را خود طفل رمی کند؛ و اگر نتوانست او به جایش رمی کند.

و هم چنین نماز طواف و تراشیدن سر و بقیه اعمال.

(۸): هزینه حج طفل اگر بیشتر از هزینه عادی است، بر عهده ولی او است. و خرج کردن برای طفل از مال خود او محل اشکال است، هر چند حفظ او در به همراه بردنش باشد، یا این که مصلحت او در سفر باشد.

(۹): پول قربانی بر عهده ولی او است، و نیز کفاره شکار و کفاراتی که با بجا آوردن عمدی موجباتشان واجب میشود.

شرط دوم: عقل، و بعید نیست شرط صحت باشد، پس بر دیوانه هر چند ادواری باشد حج واجب نیست. و اگر دیوانه ای در ماههای حج عاقل شد و مستطیع بود و می تواند اعمال حج را بجا آورد حج بر او واجب میشود. و هم چنین است حکم دیوانه ادواری که

در ماه‌های حج عاقل شود هر چند در بقیه سال دیوانه باشد.
شرط سوم: آزاد بودن، یعنی غلام و بنده و مملوك کسی
نبودن، پس بر مملوك هر چند مستطیع و مأذون از طرف مولای
خود باشد حج واجب نیست، و اگر به اذن مولای خود حج نماید،
حجش صحیح ولی کفایت از حجة الاسلام نمکند. و چنانچه بعدا
آزاد شد و دارای شرایط بود باید دوباره حج کند.
شرط چهارم: استطاعت، و در آن چند چیز معتبر است:
اول: داشتن وقت کافی برای رفتن به مکه و بجا آوردن اعمال
واجب آن. پس اگر توان مالی زمانی بدست آید که برای رفتن به
حج و انجام اعمال وقت کافی ندارد، یا مستلزم مشقت زیاد باشد
که عادتاً تحمل نمیشود، حج واجب نیست.
و در این صورت باید مال را تا سال بعد نگهداری کند، بنابر
احتیاط لازم. و اگر استطاعت در سال بعد موجود بود حج واجب
میشود، و گر نه تحصیل آن واجب نیست.
دوم: سلامتی و امنیت. به این معنا که در رفتن و برگشتن و
بودن در آنجا، بر جان و مال و ناموس و آبرویش خطری نباشد.
پس اگر شخص مستطیع به جهت پیری یا بیماری یا عذر دیگری
نمیتواند خودش حج را انجام دهد، واجب نیست به حج برود،

- ولی واجب است نایب بگیرد.
- (۱۰): اگر برای حج دو راه باشد، یکی بی خطر و دیگری با خطر، وجوب حج ساقط نمیشود، بلکه واجب است از راه بی خطر برود هر چند دور تر باشد.
- (۱۱): چنانچه در بلد خود مالی دارد که با رفتن به حج تلف میشود یا رفتن به حج سبب ترك واجب اهم از حج باشد، یا حش متوقف است بر فعل حرامی که اجتناب از آن، اهم از حج میباشد - در تمام این موارد - حج واجب نیست.
- (۱۲): هر گاه با این که حش سبب ترك واجب اهم یا فعل حرام است، به حج برود، کافی بودن حج او از حجة الاسلام محل اشکال است.
- (۱۳): هر گاه در راه حج دشمنی است که دفع او جز به پرداخت مال زیاد ممکن نباشد؛ چنانچه قدرت پرداخت آن را دارد وجوب حج ساقط نمیشود، و گر نه وجوب حج ساقط است.
- (۱۴): اگر راه حج منحصر به دریا است وجوبش ساقط نمیشود مگر این که باعث ترس شدیدی باشد که عادتاً تحمل نمیشود. و هر گاه با این حد ترس حج نماید صحت حش محل اشکال است.

سوم: زاد و راحله. زاد عبارت است از توشه راه یا پولی که بتوان با آن توشه راه را تهیه کرد. و راحله یعنی وسیله سواری یا پولی که بتوان با آن وسیله سفر را تهیه کرد. و لازم است زاد و راحله لایق به حال شخص باشد.

(۱۵): داشتن راحله یا وسیله سواری مختص به صورت احتیاج نیست بلکه مطلقاً شرط است هر چند محتاج به آن نباشد. مانند این که بدون مشقت، قدرت پیاده روی داشته و پیاده روی هم منافی شرف و آبرویش نیست.

(۱۶): معیار در زاد و راحله وجود فعلی آنهاست و بر کسی که میتواند آنها را با کار و کسب، تحصیل کند حج واجب نیست. و در شرط بودن زاد و راحله فرقی نیست بین راه دور یا نزدیکی که عادتاً احتیاج به راحله دارد.

(۱۷): استطاعت از جائی معتبر است که عازم حج است نه از وطنش. مثلاً هر گاه برای تجارت یا غیر آن به مدینه منوره یا جده رفت و آن جا زاد و راحله سفر حج را داشت حج بر او واجب است، هر چند اگر در وطن خود بود مستطیع نمیشد.

(۱۸): اگر ملکی دارد که با فروش آن میتواند مخارج حج را تحصیل کند، واجب است بفروشد. و در صورتی که کمتر از قیمت

آن مخزنند بطوری که سبب ضرر کلی و غیر قابل تحمل بشود، وجوب فروش ملك محل اشکال است. هر چند بدانند مخارج حج در سال بعد زیادتر میشود. و احتیاط ترك نشود.

(۱۹): داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که قصد بازگشت به وطن را دارد، اما اگر نخواسته باشد برگردد دارا بودن هزینه بازگشتن به وطن لازم نیست، و اگر بخواهد در جای دیگری غیر از وطن خود ساکن شود باید دارای هزینه رفتن به آنجا باشد. و لازم نیست هزینه بازگشت به وطن را داشته باشد. و اگر جائی که میخواهد در آنجا بماند دور تر از وطنش باشد به طوری که هزینه رفتن به آنجا بیشتر از هزینه برگشتن به وطن باشد کفایت دارا بودن هزینه بازگشت به وطن در وجوب حج هر چند هزینه رفتن تا آنجا را نداشته باشد محل اشکال است، مگر در صورتی که بازگشت به وطن موجب حرجی برای او نشود، پس دارا بودن هزینه بازگشت به وطن کفایت میکند.

چهارم: رجوع به کفایت. یعنی بایستی طوری باشد که بعد از بازگشت از حج بتواند خود و عائله خود را اداره نماید و مایه اختلال معاش لایق او نگردد، پس اگر مالی دارد که وسیله کسب و سرمایه میباشد، و چنانچه آن را صرف حج نماید بعد از بازگشت

محتاج میشود، و مطمئن نباشد که راه دیگری برای زندگی مناسب خود خواهد داشت، بر چنین شخص حج واجب نیست. بنا بر این فروختن چیزهایی که در زندگی لایق به او نیاز هست هر چند ضروری نباشد، مانند منزل مناسب شأن و لباس زینت و آبرو، و اثاث منزل، و ابزار کار، و کتاب نسبت به اهل علم، واجب نیست. اما اگر اینها بیشتر از حاجتش باشد واجب است زیادی را بفروشد، به شرطی که موجب اختلال زندگی مناسب او نشود. (۲۰): هر گاه از مالی که به آن احتیاج داشته بی نیاز شود واجب است آن را فروخته و حج نماید. مثلاً زنی که دارای زینت و زیوری است که قبلاً محل حاجتش بوده و فعلاً به علت پیری یا به علت دیگر مورد حاجتش نیست واجب است آن را فروخته و با پولش حج کند.

(۲۱): اگر منزل ملکی دارد که قیمتش به اندازه هزینه حج است و یا این که قیمتش به ضمیمه پولی که دارد کفاف هزینه حج را بدهد، و منزل دیگری هم باشد که میتواند بدون ناراحتی و مشقت در آن زندگی کند مانند منزل وقفی که مطابق شأن او است، وجوب فروش منزل ملکی و صرف پول آن برای حج محل اشکال است، زیرا بیرون آمدن از منزل ملکی و رفتن به خانه وقفی از

قبیل تحصیل استطاعت است. و این حکم نسبت به سایر وسایل زندگی نیز جاری است.

(۲۲): اگر مقداری پول دارد که به اندازه هزینه حج است ولی محتاج به ازدواج یا خریدن منزل یا وسایل دیگری است، چنانچه صرف آن پول برای حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود وجوب حج بر او محل اشکال است.

(۲۳): هر گاه انسان طلبی دارد که وقتش رسیده و می تواند بگیرد، با دریافت آن حج بر او واجب میشود. و چنانچه بدهکار از پرداخت طلب خودداری منماید، واجب است برای هزینه حج او را به طریق مشروع مجبور سازد، بنابر احتیاط لازم، مگر این که مستلزم عسر و حرج باشد. همچنین است اگر وقت گرفتن نرسیده ولی در صورت درخواست، بدهکار امتناع نکند.

(۲۴): هر صاحب حرفه ای مانند آهنگر و بناء و نجار و خیاط و غیر اینها که کسبش به اندازه مخارج خود و عائله اش هست در صورتی که از ارث یا غیر آن مالی بدست آورد که به مقدار مخارج حج و زندگی در طول مدت رفت و برگشت باشد، حج بر او واجب میشود.

(۲۵): کسی که در تمام مدت زندگی مخارجش را دیگری

مدهد، چنانچه مالی بدست آورد که جواب گوی مخارج حج باشد حج بر او واجب میشود. و هم چنین است کسی که اگر آنچه دارد در راه حج مصرف کند زندگی بعد از حجش با قبل از آن تفاوتی نکند. اما کسی که از وجوه شرعیه مانند خمس و زکات زندگی میکند و معمولاً مخارجش بدون مشقت نمیشد چنانچه مالی از خمس و مثل آن بدست آورد حصول استطاعت به وسیله آن مال محل نظر است. اما اگر مالی را که به اندازه هزینه حج است از راهی غیر از خمس و مانند آن بدست آورد حج بر او واجب میشود.

(۲۶): ملکیت لازم و ثابت بدون اشکال موجب استطاعت است. اما کفایت ملکیت متزلزل محل اشکال است، مانند این که معامله ای کند که طرف برای خود تا مدت معینی اختیار فسخ گذاشته باشد مخصوصاً در صورت عدم وثوق به فسخ نکردن طرف. و هم چنین است هبه غیر لازم.

(۲۷): بر مستطیع لازم نیست حتماً از مال خود به حج برود، گر چه با گدائی نیز به حج رود کافی است. و چنانچه با مال غصبی به حج رود صحت حجش محل اشکال است. و اگر جامه های احرام یا هر چه همراه او است در حال احرام یا پول قربانی غصبی باشد حجش صحیح نیست.

(۲۸): تحصیل استطاعت به کسب یا غیر آن واجب نیست، پس هر گاه کسی مالی به انسان هبه کند که در صورت قبول آن مستطیع خواهد شد قبولش لازم نیست، هر چند اگر قبول کرد واجب میشود. و هم چنین اگر کسی از او بخواهد که خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد واجب نیست بپذیرد، هر چند آن خدمت لایق حالش باشد.

(۲۹): اگر کسی خود را اجیر کند برای نیابت حج و اجرت آن برای حج خود و حج نیابی کافی باشد، در صورتی که حج نیابی متعین برای همان سال، یا ظاهر در آن است، مبیاست حج نیابی را در همان سال بجا آورد، و چنانچه تا سال بعد مال باقی باشد حج بر او واجب خواهد شد.

ولی در صورتی که حج نیابی متعین در آن سال نبوده یا ظاهر در آن نیست، مستطیع میشود و باید حج خودش را مقدم بدارد. (۳۰): اگر کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به اندازه هزینه حج باشد و توان پرداخت آن را بعدا داشته باشد حج بر او واجب میشود. هر چند قرض کردن واجب نیست.

(۳۱): بدهکاری که هزینه حج را دارد و صرف آن مقدار در راه حج منافی با پرداخت بدهیش نیست حج بر او واجب میشود.

اما در صورتی که با مصرف پول در راه حج نتواند بدهیش را بدهد محل اشکال است، چه وقت پرداخت بدهی رسیده چه نرسیده باشد، و چه بدهی قبل از بدست آوردن آن پول باشد یا بعد از آن. (۳۲): هر گاه مقداری پول به دست آورد که به اندازه هزینه حج است، ولی خمس یا زکات آن را بدهکار است، واجب است اول خمس یا زکات را بپردازد و چنانچه باقی آن کفایت از هزینه حج نکرد حج بر او واجب نیست.

(۳۳): کسی که حج بر او واجب شده و خمس یا زکات یا حقوق واجب دیگر بدهکار است، لازم است اول آنها را بپردازد، و تا نپرداخته جایز نیست به حج برود. و اگر با مالی که خمس یا زکات به آن تعلق گرفته حج کند و پول قربانی یا جامه احرامش از این مال باشد حجش صحیح نیست. و در صورتی که این پول را صرف مخارج دیگر غیر از قربانی و جامه احرام کند صحت حجش محل اشکال است، چنان که گذشت (م ۲۷).

(۳۴): هر گاه مقداری پول دارد و احتمال مدهد که برای هزینه حج کافی است بنابر احتیاط واجب باید در این مورد تحقیق و بررسی کند.

(۳۵): هر گاه مالی دارد که در دسترسش نیست، و به تنهایی یا

با مالی که در دسترس است به اندازه هزینه حج مشهود، در صورتی که نتواند در آن مال هر چند با وکالت دادن در فروشش یا اجاره درازا مدت و مانند آن تصرف کند حج بر او واجب نیست.

(۳۶): جایز نیست در مالی که بواسطه آن مستطیع شده تصرفی کند که به واسطه آن از استطاعت خارج شود و نتواند تدارك کند، چه این تصرف پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن، بلکه تصرف قبل از ماه‌های حج هم جایز نیست.

(۳۷): اگر در سال حج، بطور اتفاقی هزینه سفر اضافه شود، یا زاد و راحله‌ای را که تهیه نموده بود، در وطن یا در راه تلف گردید، یا ضمان غیر عمدی بر عهده اش آمد، بطوری که مال او کافی برای حج نباشد؛ حج بر او واجب نیست.

(۳۸): اگر انسان مالی دارد که به مقدار مصارف حج است، ولی عقیده اش این بوده که کافی نیست، یا غفلت داشته، یا غافل از وجوب حج بوده - غفلتی که معذور است - حج بر او واجب نیست. اما اگر شك داشته یا غافل از وجوب حج بوده - غفلتی که ناشی از تقصیر او بوده - و بعد از آن که مالش تلف شده و تمکن از حج نشده، دانست یا یادش آمد، حج بر ذمه اش مستقر شده، اگر دارای سایر شرایط بوده است.

(۳۹): استطاعت به بذل نیز محقق میشود، یعنی کسی هزینه حج را به انسان بدهد، خواه تمام مخارج را يك نفر بدهد یا چند نفر. همچنین است اگر مقداری را خود شخص داشته باشد و باقی آن را کسی بذل کند. و فرقی نیست بین اباحه و تمليك، و عین مال یا قیمت آن. و رجوع به کفایت در استطاعت بذلی شرط نیست.

(۴۰): اگر وصیت کند مبلغی به فلان شخص بدهند که حج کند در صورتی که آن مال به اندازه هزینه حج و خرج زندگی عائله وی باشد پس از مردن موصی حج بر موصی له واجب است، بنا بر احتیاط لازم. و اگر شخصی مالی را برای حج وقف یا نذر یا وصیت نماید و متولی وقف یا نذر کننده یا وصی، آن مال را به انسان بدهد حج بر او واجب است.

(۴۱): اگر شخصی مالی به انسان هبه کند که با آن به حج برود بنا بر احتیاط لازم، واجب است قبول کند. ولی اگر مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد قبولش واجب نیست. و اگر مالی را ببخشد و بگوید میخواهی با این مال حج برو و می خواهی نرو بنا بر احتیاط لازم، باید قبول کند.

(۴۲): بدهکاری مانع استطاعت بذلی نیست، مگر در صورتی که وقت پرداخت رسیده و طلبکار مطالبه میکند و بدهکار با

نرفتن به حج قدرت پرداخت را - هر چند تدریجا - دارد، که بنابر احتیاط لازم حج واجب است.

(۴۳): هر گاه به چند نفر مالی بذل شده تا یکی از آنها به حج برود اگر یکی مال را برداشت و قبض نمود تکلیف از دیگران ساقط میشود. و چنانچه همه ترك نموده و هر يك از آنها متوانست بردارد و به حج برود معصیت کرده اند، ولی وجوب حج بر همه آنها محل اشکال است.

(۴۴): هر گاه به کسی پولی بذل شد تا با آن حج نماید و آن پول در بین راه تلف شد وجوب حج از او ساقط میشود، مگر آن که بتواند سفر را از مال خودش ادامه دهد. و این حج مجزی از حجة الاسلام خواهد بود. البته در این فرض وجوب حج مشروط است به رجوع کفایت، به این معنا که اگر این شخص پول خود را در راه حج صرف نماید پس از بازگشت در اداره زندگی خود و عائله اش در نماند، پس اگر بداند که در خواهد ماند یا مطمئن نباشد که زندگی او اختلال پیدا نمکند ادامه و انجام سفر حج بر او واجب نیست.

(۴۵): اگر بذل کننده بگوید از طرف من یا از طرف خودت قرض کن و به حج برو و من بعدا قرض را مدهم، واجب نیست

قرض کند و به حج برود ولی اگر قرض کرد حج واجب مشهود.
(۴۶): پول قربانی نیز بر عهده بذل کننده است. پس اگر
مصارف حج را بدون پول قربانی داد حج بر مبذول له واجب
نمیشود مگر در صورتی که بدون عسر و حرج توانائی خرید
قربانی را از مال خود داشته باشد. اما کفارات بر عهده مبذول له
است نه بذل کننده.

(۴۷): حجی که بواسطه بذل دیگری انجام میشود از
حجة الاسلام کفایت میکند. پس اگر بعدا مستطیع شد دیگر حج
بر او واجب نیست.

(۴۸): هر گاه به کسی از سهم سبیل الله زکات داده شود به شرط
آن که به حج رود، در صورت قبول حج بر او واجب میشود، و از
حجة الاسلام هم کفایت میکند، گرچه قبول آن واجب نیست. ولی
اگر از خمس، یا سهم فقرا از زکات، داده شود که به حج رود،
چنین شرطی صحیح نیست و حج واجب نمیشود.

(۴۹): استطاعت بذلی به بذل مال حرام مثل غصبی، حاصل
نمیشود. اما اگر مالی به کسی بذل شد و بعد از انجام حج معلوم شد
غصبی بوده، حج او صحیح ولی از حجة الاسلام کفایت نمیکند.
(۵۰): اگر غیر مستطیع برای خود یا دیگری، با اجرت یا بدون

آن، به حج رود، حجت کفایت از حجة الاسلام نمکند. و اگر بعدا
مستطیع شد، حج بر او واجب میشود.
(۵۱): اگر کسی به اعتقاد این که مستطیع نیست، حج استحبابی
کند و بعدا معلوم شود مستطیع بوده، حجت از حجة الاسلام
کفایت می کند.
(۵۲): زن مستطیع میتواند بدون اذن شوهر حج نماید. و اذن
شوهر شرط نیست، و شوهر نمیتواند زن خود را از حج واجب
منع کند.
ولی در صورت وسعت وقت، و نبودن حرج و مشقت برای،
شوهر میتواند از رفتن او با اولین قافله یا قافله ای که شخص یا
اشخاص مورد اطمینان در آن نیست، جلوگیری کند.
و زنی که در عده طلاق رجعی است مانند زن شوهردار است.
(۵۳): همراه بردن محرم بر زن مستطیع لازم نیست، ولی اگر
ایمنی ندارد باید محرم یا شخصی که همراهی با او موجب امنیت
است، همراه خود ببرد، هر چند به اجرت دادن. و اگر توان پرداخت
اجرت او را ندارد، مستطیع نیست.
(۵۴): کسی که نذر کرده هر سال روز عرفه در کربلا باشد، اگر
مستطیع شد، نذرش منحل و حج بر او واجب میشود. و هم چنین

است هر نذری که مزاحم حج واجب باشد.

(۵۵): مستطیعی که نمیتواند اعمال حج را شخصا انجام دهد، یا موجب مشقت و حرج برای او است، در صورت امید نداشتن به بهبودی، باید نایب بگیرد.

همینطور است کسی که در زمان توانائیش حج بر او واجب شده و نرفته، و فعلا توان انجام اعمال را شخصا ندارد.

(۵۶): مستطیعی که میتواند خود اعمال حج را بجا آورد، باید شخصا حج برود. و چنانچه کسی از طرف او با اجرت یا بدون آن حج کند کافی نیست. و اگر نمی توانست و نایب گرفت، در صورتی که عذر او تا زمان فوت باقی باشد، حج نایب کافی است. اما اگر اتفاقا عذر او بر طرف شد، باید در صورت تمکن، دوباره خود حج نماید. و نیز اگر عذر او بعد از محرم شدن نایب بر طرف شود، واجب است خودش حج کند. و در این فرض نایب بایستی عمل حج را به نیت نیابت تمام کند، بنابر احتیاط لازم، و عمره مفرده ای هم به همان نیت، بجا آورد.

(۵۷): مستطیعی که نمیتواند شخصا به حج برود، یا نایب بگیرد، حج بر او واجب نیست. ولی اگر توانائی نایب گرفتن داشت، واجب است نایب بگیرد. و چنان چه عصیان، نایب نگرفت

تا فوت کرد واجب است برایش قضاء کنند.
و کسی که حج بر ذمه اش مستقر شده (یعنی مستطیع بوده و نرفته)، و فعلا توانائی رفتن به حج یا گرفتن نایب ندارد، اگر فوت کرد باید برایش قضاء کنند.

(۵۸): اگر نایب گرفتن واجب شد و نایب نگرفت، ولی شخصی تبرعا از طرف او حج بجا آورد، کفایت این حج محل اشکال است.

(۵۹): بنابر احتیاط واجب باید از محل خودش نایب بگیرد. و جواز نایب گرفتن از میقات، محل اشکال است.

(۶۰): کسی که حجة الاسلام بر ذمه اش مستقر بوده، اگر بعد از احرام به حج در حرم بمیرد، کفایت از حجة الاسلام میکند. و فرقی در این که حجش تمتع باشد، یا قران یا افراد نیست. و همچنین است اگر بعد از احرام به عمره تمتع و در حرم بمیرد. ولی کسی که همان سال حج بر او واجب شده، چنانچه قبل از حرم بمیرد قضاء واجب نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که ورثه کبار از سهم الارث خودشان قضاء کنند یا نایب بگیرند، و اگر در حرم و بعد از احرام بمیرد حج او را قضا کنند.

این احکام در عمره مفرده حج افراد و قران، و حج یا عمره ای که به نذر یا افساد واجب شده، جاری نیست، و در هیچ يك از

اینها حکم به اجزاء نمی شود.

(۶۱): هر گاه کافر مستطیع، مسلمان شود، حج بر او واجب میشود. و چنانچه بعد از این که استطاعتش از بین رفت، مسلمان شود، بنابر احتیاط لازم، حج بر او واجب است.

(۶۲): حج بر مرتد مستطیع واجب میشود. ولی اگر در حال ارتداد حج نماید، حجش صحیح نیست؛ مگر این که توبه کند، و بعد از توبه حج کند، که در این صورت حجش صحیح است، اگر چه مرتد فطری باشد.

(۶۳): مسلمان غیر شیعه، اگر از غلاة نباشد، چنانچه حج کند و بعد شیعه شود، اعاده حج بر او واجب نیست، در صورتی که حج را بر طبق مذهب خود صحیح انجام داده باشد. و اما کافی بودن حج غلاة محل اشکال است، و چنانچه شیعه شوند باید اعاده کنند، بنابر احتیاط لازم.

(۶۴): کسی که حج بر او واجب شده است، و در انجام آن سهل انگاری کرد تا این که استطاعتش از بین رفت، واجب است حج را به هر ترتیبی شده بجا آورد، هر چند به سختی و گدائی. و چنانچه قبل از این که حج کند بمیرد، واجب است از ترکه وی، حج را قضا کنند. مگر کسی تبرعا بجای او حج نماید.

وصیت به حج
(۶۵): میتی که حجة الاسلام بر ذمه اش باشد، باید از اصل
ترکه برایش حج انجام دهند، هر چند وصیت نکرده باشد.
همچنین است اگر عمره مفرده فریضه بر ذمه اش باشد.
و اگر وصیت کرده، در صورتی که مقید به ثلث نکرده باشد،
باید از اصل ترکه هزینه حج را پردازند.
و در صورتی که مقید بر ثلث کرده، اگر ثلثش به اندازه هزینه
حج باشد، واجب است حج را از ثلث پردازند، و بر بقیه وصیت های
او مقدم است. و اگر به اندازه آن نیست، لازم است کمبود آن را از
اصل ترکه تکمیل نمایند. و کسی که حجة الاسلام بر ذمه اش
مباشد واجب است هنگام نزدیکی مردنش وصیت کند بجا آورند.
و عمره مفرده فریضه نیز همین حکم و سایر احکامی را که
مآید دارد.

(۶۶): میتی که حجة الاسلام بر ذمه اش هست، و مالی نزد
کسی داشته، که کافی برای حج است، در صورتی که این شخص
بداند یا مطمئن باشد که اگر آن مال را به ورثه برگرداند برای میت
حج بجا نمآورند، واجب است با آنچه نزد او است، از طرف میت
حج نماید، یا کسی را اجیر کند تا از طرف میت حج کند. و اگر

مقداری از آن زیاد آمد، اضافه را به ورثه بدهد.

ولی چنانچه احتمال بدهد ورثه برای میت حج بجا نمآورند، باید در مورد صرف مال میت در حج، از حاکم شرع اذن بگیرد.

(۶۷): میتی که حجة الاسلام و خمس و زکات بر ذمه اش باشد، و بدهکار هم هست، و ترکه اش به همه آنها نمرسد، اگر خمس یا زکات به عین مال موجود تعلق گرفته، باید خمس و زکات را پردازند. و اگر خمس و زکات به ذمه او منتقل شده، حج بر خمس و زکات مقدم است. هم چنان که بر بدهی نیز مقدم است.

(۶۸): میتی که حجة الاسلام بر ذمه اش بوده، ورثه قبل از استیجار برای حج یا پرداخت اجرت حج به ولی میت حق تصرف در ترکه او را ندارند، چه هزینه حج به اندازه ترکه باشد یا کمتر از آن. اما اگر زیاد باشد، و ورثه ملتزم به اداء حج شوند، میتوانند تصرف کنند، گرچه احتیاط غیر لازم ترك تصرف بدون اذن ولی است. همان طور که اگر میت بدهکار باشد.

(۶۹): میتی که حجة الاسلام بر ذمه اش میباشد، و ترکه وی به اندازه مخارج حج نیست، و خمس و زکات بر ذمه اش هست، و بدهکار هم میباشد، واجب است در آنها صرف شود. و چنانچه خمس یا زکات بر ذمه اش نباشد و بدهکار هم نیست، اگر احتمال

مدهند در سالهای بعد به سبب کم شدن هزینه حج یا زیاد شدن مال به سود شرعی، کافی خواهد بود، یا کسی کمبود را تبرعا میپردازد، باید ترکه را جهت حج حفظ کنند، بنا بر احتیاط واجب. و در صورتی که این احتمال نباشد، ترکه مال ورثه است. و در همه این صورتهای، واجب نیست ورثه، هزینه حج را از مال خود تکمیل کنند.

(۷۰): میتی که حجة الاسلام بر ذمه اش میباشد، باید در صورت امکان، از بلدش نایب بگیرند، بنا بر احتیاط لازم. و در صورت عدم امکان، باید از میقات میت نایب بگیرند. و اگر نشد از هر میقاتی که ممکن است، نایب بگیرند. و اجرت بیشتر از میقات، بر ورثه صغار میت، واجب نیست. و اگر ممکن باشد باید از ثلث، محسوب شود.

(۷۱): واجب است در همان سال فوت کسی که حجة الاسلام بر ذمه اش هست نایب بگیرند. و تأخیر آن به سال بعد جایز نیست.

(۷۲): چنانچه نایب، برای میت پیدا نشود، مگر به بیشتر از مقدار متعارف، واجب است نایب بگیرند. و هزینه حج از اصل ترکه خارج میشود. و جایز نیست ورثه به خاطر صرفه جوئی، تا سال بعد تأخیر بیندازند. هر چند در ورثه، کودکان نا بالغ باشند.

(۷۳): اگر بعضی از ورثه میت، اقرار کنند که بر ذمه میت، حجة الاسلام هست، و سایر ورثه منکر شوند، اقرار کننده باید سهم الارث خود را صرف حج نماید. و اگر هزینه حج بیشتر از سهم الارث او بود، واجب نیست بقیه هزینه را، از مال شخصی خود پردازد. ولی اگر متبرعی مقدار زائد را پرداخت، یا ثلث مال میت کافی بود، باید حج را بجا آورد.

(۷۴): چنانچه کسی تبرعا از طرف میتی که حجة الاسلام بر ذمه اش میباشد، حج نماید، دیگر بر ورثه واجب نیست برایش نایب بگیرند. بلکه مقدار هزینه حج نیز، به ورثه منتقل میشود. و اگر میت وصیت کرده، از ثلث او حج بجا آورند، و کسی تبرعا انجام داد، مقدار هزینه حج در امور خیریه مصرف شود.

(۷۵): شخصی که حجة الاسلام بر ذمه اش بوده و وصیت کرده از وطنش نایب بگیرند، واجب است از آن نایب گرفته شود، ولی زیادت از اجرت میقات از ثلث خارج میشود، نه از اصل ترکه. و چنانچه در وصیت تصریح نکند به نایب گرفتن از وطن، بنا بر احتیاط واجب باید از وطن نایب بگیرند. مگر این که قرینه ای باشد که مراد میت نایب گرفتن از میقات است، در این صورت نایب گرفتن از میقات کفایت میکند.

(۷۶): هر گاه وصیت کرده به حج از وطن، اما وصی یا وارث، شخصی را از میقات برای حج اجیر کرد، ذمه میت با عمل اجیر فارغ میشود. ولی اگر اجاره به مال میت بوده، اجاره باطل است. (۷۷): اگر وصیت کند، که برای حجة الاسلام نایب بگیرند. و اجرت را تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت، واجب است. و هزینه اش از اصل ترکه، برداشته میشود. ولی اگر هزینه ای را که تعیین کرده، بیشتر از اجرت متعارف است، در صورت موافقت ورثه از اصل ترکه برداشته میشود، و گرنه از ثلث. (۷۸): چنانچه وصیت کند، که از مال معینی برای او حج کنند، و وصی بداند که خمس یا زکات به آن مال تعلق گرفته، واجب است خمس یا زکات مال را بدهد، سپس باقیمانده را صرف حج نماید. و اگر باقیمانده کفایت از اصل هزینه حج نکند، در صورتی که وصیت به حجة الاسلام کرده، لازم است کمبود از اصل ترکه جبران شود. و اگر وصیت به حجی غیر از حجة الاسلام کرده، کمبود از ثلث برداشته میشود، و در صورت عدم امکان از اصل ترکه با موافقت ورثه. و در صورت عدم امکان بنا بر احتیاط واجب، باقیمانده صرف به حج فرستادن و کمک به حاجیان شود. (۷۹): اگر نایب گرفتن برای میت بواسطه وصیت یا غیر آن

واجب شده باشد، و کسی که باید نایب بگیرد سهل انگاری کرد، و مالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شد؛ شخص مذکور ضامن است. و بر او واجب است که از مال خودش نایب بگیرد.

(۸۰): هر گاه مدانند حج بر میت واجب شده و معلوم نیست انجام داده یا نه، واجب است برایش حج بجا آورند. و هزینه اش بنا بر احتیاط واجب، با رضایت ورثه از اصل ترکه برداشته میشود.

(۸۱): به مجرد نایب گرفتن برای حج، ذمه میت برئ نمیشود. بنا بر این اگر بداند که نایب، به سبب عذری یا بدون عذر، حج را بجا نیاورده، واجب است دوباره اجیر بگیرد. و هزینه نیابت دوم، از اصل ترکه برداشته میشود. و هر گاه اجرت اجیر اول از مال میت بوده، و نایب گیرنده مقصر باشد، او ضامن است.

(۸۲): اگر چندین اجیر پیدا شود، و اجرت از مال خود میت باشد، در صورتی که مخالف شأن میت نیست، احتیاط واجب این است که، کسی را اجیر کند که کمتر از دیگران اجرت بگیرد.

(۸۳): اجیر گرفتن از وطن میت یا از میقات، تابع تقلید یا اجتهاد وارث است نه خود میت. پس اگر وظیفه میت حج از وطن بوده، ولی وارث استیجار از میقات را جایز مداند، واجب نیست که وارث از وطن میت اجیر بگیرد. مگر آن که وصیت کرده باشد.

(۸۴): اگر حجة الاسلام بر ذمه میت هست و ترکه ای ندارد، واجب نیست که وارث برای او اجیر بگیرد، هر چند مستحب است.

(۸۵): هر گاه میت وصیت به حج کرده، و دانسته شود حجی که وصیت کرده حجة الاسلام است، باید هزینه آن از اصل ترکه برداشته شود. مگر در صورتی که خود میت تعیین کرده از ثلث بردارند، که باید از ثلث برداشته شود.

و هم چنین اگر بداند که حجة الاسلام نیست. ولی اگر شك کند که حجة الاسلام است یا حج دیگر، بنا بر احتیاط واجب باید از ثلث برداشته شود. و در صورتی که ثلث کافی نباشد از اصل ترکه بردارند.

(۸۶): اگر وصیت به حج کرده، و شخصی را برای نیابت تعیین نموده است، باید به وصیت عمل شده و همان شخص اجیر شود، گرچه بیش از مقدار متعارف طلب کند. و چنانچه ثلث برای مقدار زائد کافی نیست، با موافقت ورثه از اصل ترکه پرداخت شود. و اگر متبرعی مقدار زائد را بدهد، واجب است به وصیت عمل شود. و اگر ممکن نیست باید دیگری را به مقدار متعارف اجیر کنند.

(۸۷): هر گاه با اجرتی که هیچ کس به آن رغبت ندارد، وصیت به حج نماید، پس اگر حجی که وصیت نموده حجة الاسلام باشد،

لازم است کمبود از اصل ترکه برداشته شود. و چنانچه حجة الاسلام نیست، در صورت موافقت ورثه کمبود را از اصل ترکه، جبران کنند. و در صورت عدم موافقت آنها، از هر جا که ممکن باشد، نایب بگیرند. و همین طور اگر شخص دیگری کمبود را بذل نماید. و اگر هیچ کدام نشد بنابر احتیاط واجب، باید اجرت تعیین شده صرف به حج فرستادن و کمک به حجاج شود.

(۸۸): اگر کسی وصیت کند که فلان مقدار در حجی غیر از حجة الاسلام صرف شود. و آن مال بیشتر از ثلث باشد، جایز نیست زائد بر ثلث خرج شود مگر با موافقت ورثه.

(۸۹): هر گاه وصی مرده، و معلوم نیست قبل از مردن برای حج موصی، نایب گرفته یا نه، باید برای او حج بجا آورند.

احکام نیابت

(۹۰): در نیابت چند چیز معتبر است:

اول: بلوغ. نایب گرفتن نا بالغ، اگر چه ممیز باشد، کافی نیست، هر چند نیابت برای حج مستحبی باشد، بنابر احتیاط لازم. ولی عمل نایب نا بالغ صحیح است.

دوم: عقل. نایب گرفتن دیوانه صحیح نیست. هر چند ادواری باشد و عمل را در حال صحت انجام دهد، بنابر احتیاط لازم.

اگر چه عمل او در غیر حال جنون، صحیح است. سوم: ایمان. نایب گرفتن غیر شیعه دوازده امامی، کافی نیست، هر چند عمل را مطابق مذهب شیعه بجا آورد. چهارم: آن که حج دیگری در سال نیابت بر نایب واجب نباشد. (۹۱): لازم است نایب گیرنده، بداند یا اطمینان داشته باشد، که نایب اعمال حج را صحیح انجام مدهد. هر چند نایب عمل را با نظارت و ارشاد دیگری بجا آورد. (۹۲): نیابت از نا بالغ ممیز، و از دیوانه ادواری، و یا آن که قبل از جنون حج بر او مستحب یا واجب بوده، اشکالی ندارد. و در فرض وجوب، باید برایش اجیر بگیرند. (۹۳): نیابت مرد از زن، یا زن از مرد، صحیح است. هر چند نایب شدن مرد افضل است. (۹۴): نایب گرفتن و نیابت ضروری (کسی که هنوز به حج نرفته)، از ضروری یا غیر ضروری جایز است. مگر این که منوب عنه مرد و زنده باشد، و نتواند حجة الاسلام را بجا آورد، که بنا بر احتیاط واجب، نایب باید مرد و ضروری باشد. و عمره مفرده فریضه در همه احکام نیابت از حجة الاسلام، با آن مشترك است.

(۹۵): نیابت از کافر صحیح نیست. بلکه صحت عمل نیز محل اشکال است.

و ناصبی (دشمن اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) مانند کافر است. با این فرق که جایز است فرزند مؤمن اش در حج نایب او شود.

(۹۶): نیابت از زنده در حج مستحبی جایز است، چه به تبرع و چه به اجاره باشد. و همین طور در حج واجب، اگر منوب عنه نمیتواند شخصا حج بجا آورد.

و در غیر این موارد، نیابت از زنده جایز نیست. اما نیابت از مرده در هر حال جایز است.

(۹۷): واجب است در حج نیابتی منوب عنه را تعیین کند، به هر صورت که باشد. ولی لازم نیست نامش را به زبان آورد.

(۹۸): در نیابت، نیت نیابت لازم است. یعنی عمل را بجای منوب عنه انجام دهد. و هدیه کردن ثواب کافی نیست.

(۹۹): نیابت به تبرع، و به اجاره، و جعاله، و شرط ضمن عقد، و مانند اینها صحیح است.

جعاله: فردی به دیگری بگوید، اگر بجای من یا فلان کسی حج بجا آوری، فلان مبلغ به تو مدهم.

شرط ضمن عقد: در ضمن عقدی مثل عقد نکاح یا هبه شرط

کند که از طرف او یا دیگری حج انجام دهد.
(۱۰۰): کسی را که در ترك بعضی از اعمال حج، یا در
بجا آوردن صحیح آن معذور باشد، نمیتوان نایب گرفت. بلکه
اکتفا کردن به عمل معذور هم محل اشکال است.
ولی اگر در بجا آوردن کارهائی که بر محرم حرام است، معذور
باشد نیابت گرفتن چنین شخصی جایز است، مثل این که ناچار
است زیر سایه بان برود.

(۱۰۱): هر گاه نایب در حجة الاسلام، پس از احرام و دخول
حرم بمیرد، از منوب عنه کفایت میکند، و ذمه او بری میشود.
و اگر پس از احرام، در غیر حرم فوت کند، یا در حرم بدون احرام
بمیرد، کافی نیست. و در غیر حجة الاسلام محل اشکال است.
(۱۰۲): اگر اجیر بعد از محرم شدن، در حرم بمیرد، تمام اجرت
را مستحق خواهد شد. چون از حج منوب عنه کفایت میکند.
و چنانچه در غیر حال احرام، و غیر حرم فوت کند، فقط
اجرت متعارف مقدماتی را که انجام داده، مستحق میباشد. اگر چه
بعید نیست مستحق تمام اجرت تعیین شده، باشد.

(۱۰۳): چنان چه برای حج بلدی، اجیر شده، و در اجاره راه
بخصوصی تعیین نشده باشد، اجیر مخیر است از هر راهی که

خواست برود. و اگر راه بخصوصی تعیین شده باشد، عدول از آن به راه دیگر جایز نیست. و اگر از راه دیگری رفت و اعمال را بجا آورد، چنانچه هزینه راه تعیین شده، با راهی که رفته، تفاوت دارد، مستحق اجرت زائد نخواهد بود. و اگر تفاوتی نداشت و تعیین راه به نحو شرطیت بوده، اجیر تمام اجرت را مستحق میشود، ولی مستأجر خیار فسخ دارد (یعنی میتواند معامله را به هم بزند و اجرة المثل را به اجیر بدهد).

و چنانچه راه تعیین شده به نحو قیدیت بوده (یعنی رفتن از آن راه را قید عمل قرار داده اند)، اجیر مستحق اجرة المثل است. (۱۰۴): هر گاه خود را اجیر کند، تا شخصا در سال معینی از طرف کسی، حج نماید، چنانچه بعد بخواهد از طرف شخص دیگری در همان سال اجیر شود، اجاره دوم صحیح نیست. اما اگر از طرف دو نفر در دو سال مختلف، یا از سوی يك نفر به قید مباشرت، و از سوی دیگری بدون قید مباشرت، در يك سال اجیر شود، مانعی ندارد و اجاره صحیح است.

(۱۰۵): اگر خود را برای حج در سال معینی اجیر نمود، نمیتواند آن را زودتر یا دیرتر انجام دهد. ولی در صورت تخلف، ذمه منوب عنه از حج واجب بر او بری میشود. در این صورت

چنانچه زمان معین به صورت قید بوده مستحق اجرت تعیین شده نخواهد بود. و اگر به صورت شرط بوده، مستأجر خیار تخلف شرط دارد. و اگر فسخ کرد مستحق اجرة المثل میباشد.

(۱۰۶): هر گاه اجیر به سبب جلوگیری دشمن یا به علت بیماری نتواند به حج برود، در صورتی که اجاره مقید به همان سال بوده، به هم مسخورد. و چنانچه مقید نبوده، حج بر ذمه اش باقی ممانند.

(۱۰۷): اگر نایب، کاری که موجب کفاره میشود انجام دهد، کفاره را باید از مال خود بدهد. مگر این که در عقد اجاره شرط کرده که از مستأجر بگیرد.

(۱۰۸): چنانچه کسی به مبلغ معینی برای حج اجیر شده، و آن مبلغ کفایت مخارج حج را نمدهد، واجب نیست مستأجر کمبود را جبران کند. مگر این که اجیر مغبون شده باشد. که در این صورت، حق فسخ عقد اجاره را دارد. و اگر مبلغ معین در اجاره از مخارج حج زیاد بیاید، مستأجر نمیتواند زیادی را پس بگیرد.

(۱۰۹): اگر اجیر حج خود را، به جماع قبل از مشعر فاسد نماید (یعنی پس از آن که از احرام عمره تمتع بیرون آمد و برای حج محرم شد، در مکه یا عرفات با همسر خود جماع نماید)، واجب است حج را به آخر برساند و این حج برای منوب عنه

کافی است. ولی بر نایب واجب است در سال بعد حج نماید، و يك شتر نیز کفاره بدهد. و مستحق اجرت است، هر چند در سال بعد با عذر یا بدون عذر حج انجام ندهد.

و در این مسأله فرقی نیست، بین حج واجب و حج مستحب. و هم چنین است حکم کسی که تبرعا از جانب دیگری حج نماید. (۱۱۰): اگر شخصا اجیر شده، تا حج بجا آورد، نمیتواند دیگری را برای این حج اجیر نماید، مگر به اذن مستأجر.

(۱۱۱): اگر شخصی برای حج تمتع اجیر شود و وقت هم زیاد باشد، ولی بطور اتفاقی، وقت برای حج تنگ شد و اجیر از عمره تمتع به حج افراد عدول کرد، باید بعد از بجا آوردن حج افراد، عمره مفرده ای بجا آورد، و ذمه منوب عنه بری میشود. و حکم استحقاق اجرت به تفصیل در مسأله (۱۰۲) گذشت.

(۱۱۲): در حج مستحبی يك نفر میتواند بجای چند نفر حج نماید. اما در حج واجب جایز نیست، يك نفر بجای دو نفر یا بیشتر حج کند.

(۱۱۳): در حج مستحبی جایز است، چند نفر به نیابت از يك نفر، در يك سال حج بجا آورند، چه منوب عنه زنده باشد و چه مرده، و خواه نیابت به صورت تبرع باشد، خواه با اجاره. و

همچنین است حج واجب اگر در يك سال، متعدد باشد. مثل این که دو مرتبه نذر نموده، یا این که یکی حجة الاسلام (و منوب عنه عاجز از مباشرت است) و دیگری حج نذری. که در این صورت میتوان یکی را برای يك حج واجب و دیگری را برای حج واجب دیگر، در يك سال اجیر نمود.

همچنین جایز است دو نفر را برای يك نفر اجیر نمود تا یکی حج واجب بجا آورد و دیگری حج مستحبی؛ بلکه جایز است اجیر نمودن دو نفر برای يك حج واجب، مثل حجة الاسلام که دو نفر را به خاطر احتیاط اجیر منمایند، به جهت احتمال ناقص بودن حج یکی از آن دو.

(۱۱۴): طواف به تنهایی مستحب است. پس نیابت در طواف از مرده و زنده صحیح است، در مکه یا بیرون آن باشد، مگر طواف واجب از کسی که در مکه است و شخصا میتواند طواف کند.

(۱۱۵): نایب میتواند پس از تمام شدن حج یا عمره یا عمل دیگر نیابتی که برای او اجیر شده است، عمره یا طواف یا هر عملی را برای خود یا دیگری به نیابت یا تبرع انجام دهد.

اقسام عمره

عمره دو نوع است: واجب و مستحب.

عمره واجب سه قسم است:

- ۱ - عمره مفرده فریضه، که عملی است مستقل، و مثل حجة الاسلام با وجود شرایط آن بر همه واجب است، و در احکام با حجة الاسلام مشترکند.
- ۲ - عمره مفرده مستقلی که وجوب آن به افساد یا نذر یا وصیت و مانند آن است.
- ۳ - عمره جزء حج واجب که عمره تمتع در حج تمتع و عمره مفرده در حج افراد و قران از این قسم است.

اعمال عمره مفرده

- اول: احرام از یکی از میقاتها.
- دوم: طواف دور خانه خدا.
- سوم: نماز طواف، و خواندن آن پشت مقام ابراهیم (علیه السلام).
- چهارم: سعی بین صفا و مروه.
- پنجم: تقصیر.
- ششم: طواف نساء.
- هفتم: نماز طواف نساء.

و تفصیل احکام و شرایط هر يك از این اعمال در بحث حج مآید.

احکام عمره

- (۱۱۶): عمره در فضیلت و اقسام و بسیاری از احکام مانند حج است. و در احادیث حج اصغر، نامیده شده است.
- (۱۱۷): عمره مانند حج، بر هر مستطیعی که دارای شرایط است، واجب میشود. و وجوبش مانند وجوب حج فوری است. بنابراین کسی که نسبت به عمره استطاعت دارد واجب است عمره را بجا آورد. هر چند برای حج استطاعت نداشته و در صورت استطاعت وظیفه اش حج تمتع باشد.
- و بجا آوردن عمره مفرده کفایت از عمره تمتع نمکند. اما کسی که حج تمتع را بجا آورده دیگر عمره مفرده بر او واجب نیست.
- (۱۱۸): مستحب است، عمره مفرده را مکرراً بجا آورد، حتی در هر ماه میتوان چند عمره انجام داد، چه برای دیگری و چه برای خود. و فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده و بالعکس، هم لازم نیست. اما بجا آوردن عمره مفرده بین عمره تمتع و حج جایز نیست.
- (۱۱۹): همان طوری که عمره مفرده به استطاعت واجب میشود، به نذر و عهد و قسم و مانند اینها نیز واجب میگردد. مثل این که بخواهد داخل مکه شود و نتواند برای حج محرم شود.
- (۱۲۰): عمره مفرده با عمره تمتع، در اعمال شریکند، ولی بین

این دو چند فرق وجود دارد:

- ۱ - در عمره مفرده، طواف نساء واجب است، ولی در عمره تمتع واجب نیست.
- ۲ - عمره تمتع به جز در ماه‌های حج (شوال، ذی القعدة، ذی الحجه) صحیح نیست، ولی عمره مفرده در تمام ماهها صحیح است. و افضل اوقات ماه رجب، سپس ماه مبارك رمضان است.
- ۳ - بیرون آمدن از احرام، در عمره تمتع فقط به تقصیر است، ولی خروج از احرام در عمره مفرده گاهی به تقصیر و گاهی به تراشیدن سر - که افضل است - میباشد.
- ۴ - عمره تمتع و حج باید در يك سال واقع شوند، ولی عمره مفرده چنین نیست. و کسی که حج افراد و عمره مفرده بر او واجب شده، میتواند حج را در يك سال و عمره را در سال بعد - به تفصیلی که مآید - بجا آورد.
- ۵ - عمره مفرده به جماع باطل میشود. و کسی که در عمره مفرده قبل از تمام شدن سعی، دانسته و عمدا جماع کند عمره اش باطل است، و واجب است تا ماه بعد در مکه بماند و عمره مفرده را دوباره بجا آورد (گرچه فاصله بین دو عمره به يك ماه لازم نیست). همچنین پس از سعی و قبل از طواف نساء، بنابر احتیاط لازم.

ولی عمره تمتع بواسطه جماع در اثناء آن باطل نمیشود.
۶ - عمره تمتع باید از میقاتهای معین باشد، ولی عمره مفرده چنین نیست. و تفصیل آن مآید.

(۱۲۱): کسی که در مکه است، و می خواهد عمره مفرده بجا آورد، میتواند یا از میقاتهایی که برای عمره تمتع تعیین شده است محرم شود، و یا از اطراف حرم محرم شود (ادنی الحل). هر چند مستحب و احتیاط غیر لازم رجوع به میقاتهای تعیین شده است. و بهتر است که احرامش از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم باشد. و جعرانه افضل است. اما کسی که در خارج مکه و حرم است باید از میقاتی که به آن مرسد، محرم شود. ولی کسی که خارج مکه و داخل حرم است، میتواند از منزل محرم شود، هر چند مستحب است از میقات محرم شود. و تفصیل آن مآید.

(۱۲۲): جایز نیست کسی بدون احرام وارد مکه، بلکه حرم شود، و بایستی محرم شود، به احرام حج یا عمره تمتع و یا عمره مفرده، مگر کسی که مکررا به مکه، رفت و آمد میکند، مانند راننده. و حکم کسی که بعد از عمره تمتع و قبل از حج از مکه خارج شود، خواهد آمد.

(۱۲۳): کسی که عمره مفرده را در ماههای حج بجا آورده و تا

وقت حج در مکه مانده، می تواند عمره مفرده خود را، عمره تمتع قرار دهد، و حج را بجا آورد. و در این حکم فرقی بین حج واجب و حج مستحبی نیست.

اقسام حج

(۱۲۴): حج بر سه قسم است:

۱ - حج تمتع. ۲ - حج افراد. ۳ - قران.

حج تمتع: وظیفه کسی است که فاصله وطنش تا مکه بیش از شانزده فرسخ شرعی (حدود ۸۸ کیلومتر) باشد.

حج افراد و حج قران: وظیفه کسی است که اهل خود مکه یا اطراف آن باشد. به شرطی که فاصله بین وطنش تا مکه، کمتر از شانزده فرسخ شرعی باشد.

(۱۲۵): کسی که باید حج واجبش را به صورت حج تمتع

بجا آورد، میتواند حج مستحبی خود را به صورت افراد بجا آورد،

هر چند تمتع افضل است. و کسی که وظیفه اش حج افراد یا قران

است، میتواند حج مستحبی را بطور تمتع بجا آورد. اما گاهی

وظیفه کسی که باید حج تمتع کند، عوض شده و به حج افراد بر

مگردد، چنان که بیانش خواهد آمد.

(۱۲۶): کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ شرعی از مکه

دور بوده سپس در مکه اقامت کرده، چنانچه بعد از استطاعت مقیم مکه شده باید حج تمتع بجا آورد. و نیز اگر در دو سال اول اقامتش در مکه (چه به قصد مجاورت خانه خدا باشد و چه به قصد توطن)، مستطیع شود، بنابر احتیاط واجب، حج تمتع کند. و برای احرام عمره تمتع به میقات اهل بلد سابق خود برود. اما اگر در سال سوم اقامتش مستطیع شده، باید حج افراد یا قران انجام دهد.

حج تمتع

(۱۲۷): حج تمتع عبارت است از دو عبادت: که اولی عمره تمتع و دومی حج تمتع نامیده می شود. و واجب است عمره را در حج تمتع قبل از حج بجا آورند.

اعمال عمره تمتع

(۱۲۸): در عمره تمتع پنج عمل واجب است:

اول: احرام از یکی از میقاتها. و بیان میقاتها مآید.

دوم: طواف دور خانه خدا.

سوم: نماز طواف، و خواندن آن پشت مقام ابراهیم (علیه السلام).

چهارم: سعی بین صفا و مروه.

پنجم: تقصیر یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن، بعد از سعی.

هنگامی که شخص این پنج عمل را بجا آورد، از احرام بیرون

آمده، و آنچه به سبب آن بر او حرام شده بود حلال میشود، غیر از تراشیدن سر. و اگر بتراشد بر او کفاره (يك گوسفند) واجب است. (۱۲۹): بر مکلف واجب است با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجه خود را برای اعمال حج آماده نماید.

اعمال حج تمتع

در حج تمتع سیزده عمل واجب است:

اول: احرام از مکه (به تفصیلی که خواهد آمد).

دوم: وقوف در عرفات، از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا مغرب، و شب از عرفات به مشعر حرکت نماید.

سوم: وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) از طلوع فجر روز

عید قربان (دهم ذی الحجه) تا طلوع آفتاب. و ماندن در مشعر، در شب دهم، تا طلوع فجر، بنا بر احتیاط، واجب است.

چهارم: رمی جمره عقبه، در منی روز عید قربان.

پنجم: قربانی کردن در منی روز عید.

ششم: تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی.

به این عمل آنچه به سبب احرام بر او حرام شده حلال میشود، مگر زن و بوی خوش، و نیز شکار کردن بنا بر احتیاط لازم.

هفتم: طواف حج، پس از بازگشت به مکه.

هشتم: نماز طواف حج، و خواندن آن پشت مقام ابراهیم (علیه السلام).
نهم: سعی بین صفا و مروه.
و با این عمل بوی خوش نیز حلال میشود.
دهم: طواف نساء، بر همه حجاج، مرد و زن و نا بالغ.
یازدهم: نماز طواف نساء، و خواندن آن پشت مقام
ابراهیم (علیه السلام).
با این عمل زن نیز حلال میشود.
دوازدهم: بیتوته در منی، شب یازدهم و دوازدهم. بلکه شب
سیزدهم در بعضی از موارد، که بیانش خواهد آمد.
سیزدهم: رمی سه جمره اولی و وسطی و عقبه، روز یازدهم و
دوازدهم. همچنین روز سیزدهم در صورتی که شب سیزدهم را در
منی مانده باشد، بنابر احتیاط لازم.
شرایط حج تمتع
در حج تمتع چند چیز شرط است:
اول: نیت، یعنی قصدش این باشد حج تمتع را بجا مآورم.
و اگر نیت کند حج واجب خود را بجا مآورم، و می داند که تمتع
است، کفایت میکند.
پس اگر نیت حج دیگری نمود یا در نیت تردید داشت، حش

صحیح نیست. اما اگر تردید داشت، که وظیفه او احرام به تمتع است، یا احرام به افراد، و حج واجب بر خود را قصد کرد، و با رسیدن به عالم وظیفه خود را پرسید و عمل کرد، بعید نیست صحیح باشد. دوم: بجا آوردن عمره و حج با هم در ماههای حج (شوال، ذی القعدة، ذی الحجه). و اگر يك جزء عمره را قبل از ماه شوال بجا آورد، حجش صحیح نیست.

سوم: انجام عمره و حج، در يك سال. پس اگر عمره را بجا آورد، و حج را تا سال بعد تأخیر انداخت، حجش صحیح نیست. اگر چه تا سال بعد در مکه بماند. و فرقی نیست که بعد از عمره، از احرام بیرون بیاید، یا تا سال بعد در احرام باقی باشد. چهارم: محرم شدن به احرام حج از خود مکه، در حال اختیار. و مستحب است از مسجد الحرام باشد. و بهترین موضع مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل است. و چنانچه نتواند از خود مکه محرم شود، باید از هر جا که توانست، محرم شود.

پنجم: انجام دادن همه اعمال عمره و حج توسط يك نفر، و برای يك شخص. پس اگر دو نفر برای انجام حج تمتع، از طرف مرده یا زنده ای اجیر شوند، که یکی عمره و دیگری حج را انجام

دهد، عمل آنها صحیح نیست. همچنین است اگر يك نفر حج نماید و عمره را به نیابت کسی و حج را به نیابت دیگری انجام دهد. (۱۳۰): کسی که احرام حج را ترك کند، به فراموشی یا ندانستن حکم، تا این که به منی یا عرفات برسد، لازم است برگردد، و از مسجد الحرام یا هر جای دیگر مکه محرم شود. و اگر تا بعد از اعمال متذکر نشد، حجش صحیح است.

(۱۳۱): بعد از انجام اعمال عمره تمتع و قبل از حج تمتع، جایز نیست برای کاری غیر از اعمال حج از مکه بیرون رود، مگر برای ضرورت، و بیم آن نرود که اعمال حجش فوت گردد، و در این صورت واجب است از مکه احرام ببندد و بیرون رود. و سپس با همان احرام به مکه برگردد، و از مکه رهسپار عرفات شود. و اگر نتواند به مکه برگردد، از همان جائی که هست به عرفات برود.

(۱۳۲): در اثنای عمره تمتع، بیرون رفتن از مکه جایز نیست. و هر گاه قبل از ورود به مکه بدانند، که محتاج به خروج از مکه خواهد شد (مانند مدیر کاروان)، میتوانند به عنوان عمره مفرده محرم شده و به مکه رود. و اعمال عمره مفرده را انجام داده، و بعد برای کاری که دارد از مکه بیرون رود. و سپس برای عمره تمتع احرام بسته و به مکه بیاید. و فاصله نشدن يك ماه بین عمره مفرده

و عمره تمتع ضرری ندارد.

(۱۳۳): رفتن به اطراف و نواحی تابع مکه، بعد از عمره یا در اثناء آن اشکالی ندارد. و کسی که منزلش بیرون مکه است میتواند در اثناء یا بعد از فراغ از اعمال عمره به منزل خود برگردد.
(۱۳۴): اگر بعد از انجام عمره تمتع، بدون احرام از مکه بیرون رود و از میقات بگذرد، چنانچه قبل از گذشت يك ماه از انجام عمره تمتع، به مکه برگردد، میتواند بدون احرام به مکه وارد شده، و از مکه احرام حج بسته، و به عرفات برود. و اگر بعد از گذشت يك ماه از انجام عمره تمتع به مکه بازگردد، لازم است به احرام عمره، محرم شود.

(۱۳۵): کسی که وظیفه اش حج تمتع است، اگر بعد از احرام عمره تمتع وقت به اندازه ای تنگ شود که بیم آن مرود، که با اتمام عمره به وقوف اختیاری عرفات نرسد، بایستی نیت خود را به حج افراد برگرداند، و عمره را ترك کرده، و اعمال حج افراد را انجام دهد، و بعد از حج عمره مفرده بجا آورد.

(۱۳۶): کسی که وظیفه اش حج تمتع است، اگر پیش از احرام عمره تمتع بداند که وقتش گنجایش اعمال عمره و درك حج را ندارد، نمیتواند به حج افراد یا قران عدول کند، بلکه واجب است

حج را تا سال بعد تأخیر بیندازد.
(۱۳۷): کسی که در سعه وقت برای عمره تمتع احرام بست، و طواف و سعی خود را عمدا تا زمانی که نتواند آنها را بجا آورد و حج را درك کند، به تأخیر انداخت، معصیت کرده و عمره وی باطل است. و باید به حج افراد عدول نموده، پس از حج عمره مفرده ای بجا آورد. و بنابر احتیاط واجب، سال بعد حج تمتع انجام دهد.
حج افراد

حج افراد عملی است مستقل از عمره، و بر کسی واجب میشود که فاصله وطنش تا مکه کمتر از شانزده فرسخ باشد. اگر کسی بتواند علاوه بر حج افراد، عمره مفرده را نیز بجا آورد، عمره مفرده هم بر او واجب است. و چنانچه فقط یکی از این دو را میتواند انجام دهد، همان بر او واجب میشود. کسی که میتواند حج را در وقت خود، و عمره را در وقت تمکن از عمره بجا آورد، وظیفه اش همین است. و اگر در يك وقت بتواند هر دو را انجام دهد، واجب است با هم بجا آورد. و باید حج را بر عمره مقدم کند، بنابر احتیاط واجب.
(۱۳۸): حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترکند، مگر در:
۱ - حج افراد لازم نیست متصل به عمره و در يك سال باشد

ولی حج تمتع لازم است متصل و بعد از عمره تمتع و همان سال انجام شود.

۲ - در حج افراد، قربانی لازم نیست، ولی در حج تمتع، قربانی واجب است.

۳ - در حج افراد، جایز است در حال اختیار، طواف و سعی حج را بر وقوف در عرفات و وقوف در مشعر مقدم نمود، ولی در حج تمتع جایز نیست.

۴ - احرام حج افراد باید از میقاتهائی باشد، که گفته میشود، ولی احرام حج تمتع باید از خود مکه باشد.

۵ - عمره حج افراد، را میشود پیش از حج یا بعد از آن بجا آورد، مگر در يك صورت که گذشت، اما در حج تمتع واجبست عمره پیش از حج باشد.

۶ - در حج افراد بعد از احرام میتوان طواف مستحبی نمود. ولی در حج تمتع، بعد از احرام، طواف مستحبی جایز نیست، بنابر احتیاط لازم.

(۱۳۹): کسی که برای حج افراد مستحبی، محرم شده، میتواند به عمره تمتع عدول نماید، مگر در صورتی که بعد از سعی تلبیه بگوید، که دیگر نمیتواند عدول کند.

(۱۴۰): اگر برای حج افراد احرام بست، و وارد مکه شد، جایز است طواف مستحبی انجام دهد؛ ولی باید بعد از خواندن نماز طواف تلبیه بگوید، بنا بر احتیاط واجب.

حج قران

(۱۴۱): حج قران با حج افراد، در تمام اعمال، یکسان است. جز این که، در حج قران هنگام احرام باید مکلف قربانی را همراه داشته باشد. و بدین جهت قربانی بر او واجب است. و احرام در این قسم، همان طور که با تلبیه محقق میشود، با اشعار (که عبارت از شکافتن طرف راست کوهان شتر و آغشته نموده آن با خونش)، یا تقلید (که عبارت است از آویختن نعلینی که در آن نماز خوانده، به گردن قربانی خود) نیز محقق میشود. و اگر قربانی شتر باشد، مخیر است بین اشعار و تقلید، گرچه مستحب است جمع بین هر دو. و اگر گاو یا گوسفند باشد، تقلید متعین است. و هر گاه برای حج قران احرام بست، جایز نیست به حج تمتع عدول کند.

واجبات عمره تمتع

۱ - احرام

اول واجبات عمره و حج احرام است. و باید از میقاتهای تعیین

شده بسته شود.

میقاتهای احرام

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) جاهایی را برای احرام بستن تعیین فرمودند و آنها را مواقیت نامیدند، که واجب است احرام از یکی از آنها بسته شود. و آنها ده مکان میباشد:

۱ - مسجد شجره (ذو الحلیفة): که در نزدیکی مدینه منوره است. و آن میقات اهل مدینه و هر کسی است که بخواهد از راه مدینه به حج برود. و بنا بر احتیاط واجب باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود، و اگر نمیتواند جایز است در بیرون مسجد بطوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود. و نام منطقه ای که مسجد شجره در آن واقع شده آبار علی (علیه السلام) است. یعنی چاههایی که توسط حضرت امیر المؤمنین امام علی (علیه السلام) احداث، و برای حجاج وقف شده است. (۱۴۲): کسی که از راه مدینه به حج سرود و به مسجد شجره یا محاذی آن برسد، گرچه میقات دیگری بنام جحفه و یا غیر آن از مواقیت در میان راه باشد، جایز نیست از مسجد شجره بدون احرام بگذرد و از جحفه احرام ببندد، مگر شخص بیمار یا ضعیف و مانند اینها که نتوانند از مسجد شجره احرام ببندند.

- ۲ - وادی عقیق: میقات اهل عراق و نجد و هر کسی است که از آنجا عبور کند هر چند اهل عراق و نجد نباشد. این میقات دارای سه قسمت میباشد؛ مسلخ که قسمت اول است، غمره که وسط آن است، و ذات عرق که نام آخر آن است. و احتیاط مستحب آنست که در صورت نبودن مانع مانند بیماری یا تقیه، پیش از رسیدن به ذات عرق احرام ببندد.
- (۱۴۳): در حال تقیه واجب است احرام را تا رسیدن به ذات عرق تاخیر اندازد، و اگر جلو انداخت معصیت کرده و صحت احرام او محل اشکال است، و باید در ذات عرق تجدید احرام نماید.
- ۳ - جحفه: میقات اهل شام و مصر و مغرب و هر کسی است که از آنجا عبور نماید هر چند اهل آنجا نباشد، و این در صورتی است که شخص از میقات سابق از جحفه، احرام نبسته باشد.
- ۴ - یلملم: نام کوهی است. و میقات اهل یمن و هر کسی است که از آن راه بگذرد.
- ۵ - قرن المنازل: میقات اهل طائف و هر کسی است که از آن راه برود.
- ۶ - مکه مکرمه: میقات حج تمتع است.
- ۷ - منزل خود شخص: میقات است در صورتی که منزلش به

مکه نزدیکتر از سایر میقاتها باشد و مجاور هم نباشد، چنین شخصی میتواند از منزل خود احرام ببندد و لازم نیست جهت احرام بستن به یکی از میقاتهای دیگر برود. و چنانچه مجاور باشد، و حج تمتع بجا آورد بنابر احتیاط واجب باید به یکی از میقاتها بلکه به میقات اهل خود برود و محرم شود.

۸ - جعرانه: میقات اهل مکه است برای حج قران و افراد. و کسی که دو سال تمام در مکه مجاور بوده در حکم اهل مکه است، هر چند مستحب است در صورتی که بخواهد عمره مفرده یا حج تمتع بجا آورد به میقات برگردد. و اما پیش از دو سال حکمش حکم کسی است که از راه دور به حج مآید.

۹ - محاذات مسجد شجره: کسی که در مدینه منوره به قصد رفتن به حج يك ماه یا حدود آن اقامت کرده، و بخواهد از راهی غیر از طریق مسجد شجره برود، میقاتش محاذی مسجد شجره است (تقریباً هفت کیلومتری مدینه منوره)، و باید از آنجا محرم شود. و نباید احرام را از محاذی مسجد شجره تأخیر بیندازد مطلقاً، هر چند به قصد محرم شدن از میقات دیگر باشد.

۱۰ - ادنی الحل: میقات کسی است که در مکه است، و بخواهد عمره مفرده انجام دهد، چه مجاور باشد و چه غیر مجاور.

و مستحب است مجاور از میقات اهل خود (جعرانه) محرم شود.
احکام میقاتها

(۱۴۴): احرام بستن پیش از میقات جایز نیست، و عبور از میقات با احرام کفایت نمکند، بلکه بایستی از خود میقات احرام بیند. از این حکم دو مورد استثناء شده است:

۱ - آن که نذر نماید پیش از رسیدن به میقات معینی محرم شود که در این صورت بعد از محرم شدن احتیاجی به تجدید احرام در میقات یا گذشتن از میقات نیست، بلکه میتواند از راهی به مکه برود که به هیچ یک از میقاتها بر خورد نکند. هر چند بهتر و احتیاط غیر لازم آنست که در میقات تجدید احرام کند، خصوصا اگر جائی که برای محرم شدن نذر کرده از امکنه مقدسه مانند کوفه نباشد.

و در صورت نذر فرقی نیست بین حج واجب و مستحب و عمره مفرده، ولی اگر احرام برای حج باشد لازم است در ماههای حج باشد (شوال، ذی القعدة و ذی الحجة)، چنان که گذشت.

۲ - کسی که بخوهد در ماه رجب عمره مفرده بجا آورد، و بیم دارد که اگر از میقات محرم شود موفق به درك عمره رجبیه نمشود جایز است قبل از میقات محرم شود. و برای او عمره ماه رجب حساب میشود، هر چند بقیه اعمال را در ماه شعبان

بجا آورد. در این حکم فرقی نیست بین عمره واجب و مستحب. همچنین است کسی که قصد دارد عمره مفرده را در ماه‌های دیگر غیر از رجب بجا آورد. اگر چه احتیاط غیر لازم اقتضای بر عمره ماه رجب است.

(۱۴۵): وقتی می‌تواند محرم شود که یقین کند به میقات رسیده، یا با سؤال از اهل اطلاع اطمینان حاصل نماید، یا حجت شرعی داشته باشد.

(۱۴۶): کسی که نذر کرده قبل از رسیدن به میقات محرم شود، اگر خلاف نذر کرد، کفاره مخالفت نذر بر او واجب می‌شود. و در صورت امکان، احتیاط واجب رجوع به محل مورد نذر و محرم شدن از آن است.

(۱۴۷): تأخیر احرام به بعد از میقات جایز نیست، همان طور که پیش از میقات نمی‌توان محرم شد.

و اگر بدون عذر، از میقات تجاوز نمود، معصیت کرده و صحت احرامش محل اشکال است. و در صورت امکان باید به میقات برگردد.

پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه را دارد نمی‌تواند در حال اختیار، بدون احرام از میقات عبور کند، هر چند میقات

دیگری در پیش داشته باشد.

اما بعید نیست، اگر احرامش را از مسجد شجره به خصوص جحفه، تأخیر انداخت، احرام او از جحفه صحیح باشد، هر چند معصیت کرده است.

(۱۴۸): مکلفی از روی علم و عمد از میقات احرام نیسته، و از آن گذشته، چند صورت دارد:

اول: آن که بتواند به میقاتی که از آن گذشته برگردد، و برگشتنش واجب است. چه برگشت او از داخل حرم یا از خارج آن باشد. و اگر بازگشت و محرم شد، عملش صحیح است. و بعید نیست، اگر به میقات دیگری هم برگشت احرامش صحیح باشد.

دوم: آن که در حرم باشد و نتواند به میقات برگردد، ولی میتواند از حرم بیرون برود؛ در این صورت واجب است از حرم خارج شده و از میقاتهای اطراف حرم محرم شود. و احتیاط واجب آنست که تا حدی که خوف فوت حج نباشد برگردد.

سوم: آن که در حرم است، ولی به جهت خوف فوت حج نتواند به میقات برگردد؛ پس بر او واجب است از همان جائی که هست محرم شود.

چهارم: آن که خارج حرم باشد و نتواند به میقات برگردد؛ در

این صورت بنا بر احتیاط واجب باید به مقداری که متواند برگردد، و سپس از میقات ادنی الحل محرم شود. و بنا بر احتیاط واجب در سه صورت اخیر، علاوه بر وظیفه ای که گفته شد، باید عمره مفرده بجا آورد. و در صورت امکان حج را اعاده کند، خصوصا اگر استطاعت او از سال قبل بوده است. و چنانچه مکلف در سه صورت اخیر به وظیفه ای که گفته شد عمل نکند، و عمره را بجا آورد، بی شك حج او فاسد خواهد بود. (۱۴۹): هر گاه به جهت فراموشی یا بیهوشی و مانند آن، یا ندانستن حکم، یا ندانستن میقات، بدون احرام از میقات بگذرد، مسأله چهار صورت دارد:

اول: آن که بتواند به میقات برگردد، که در این صورت واجبست به میقات برگشته و از همانجا احرام ببندد.
دوم: آن که در حرم باشد، و برگشتن به میقات غیر ممکن، ولی برگشتن به خارج حرم ممکن باشد. در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم، محرم شود. و بهتر و احتیاط غیر لازم این است که هر چه متواند از حرم دور شود و احرام ببندد.
سوم: آن که در حرم باشد، و برگشتن به خارج حرم برایش ممکن نباشد. در این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد،

هر چند وارد مکه شده باشد.

چهارم: آن که در خارج حرم باشد و نتواند به میقات برگردد. در این صورت نیز لازم است از جای خود احرام ببندد. و بنابر احتیاط واجب باید به مقداری که نتواند برگردد. اگر وظائفی را که در این چهار صورت گفته شد، انجام دهد، عملش محکوم به صحت است.

(۱۵۰): هر گاه زن حائض به خاطر ندانستن حکم از میقات محرم نشود و داخل حرم برود، چنانچه نتواند به میقات برگردد، لازم است به خارج حرم رفته و از آنجا محرم شود، بلکه احتیاط واجب این است که تا آنجا که ممکن است از حرم دور شود و احرام ببندد.

(۱۵۱): چنانچه عمره فاسد شود واجب است در صورت امکان از سر گرفته شود. و اگر اعاده آن هر چند به جهت کمی وقت ممکن نباشد، حج وی فاسد خواهد بود. و باید برای خروج از احرام، عمره را به اتمام رساند و در سال بعد حج را اعاده کند.

(۱۵۲): مکلفی که از روی نادانی یا فراموشی عمره را بدون احرام بجا آورد، صحت عمره اش محل اشکال است. و در صورتی که عمره واجب بوده، بنابر احتیاط لازم آن را اعاده نماید.

(۱۵۳): حجاجی که در این زمان با هواپیما، اول وارد جده

میشوند، برای بستن احرام عمره در صورت امکان باید به مسجد
 شجره، و گرنه به جحفه بروند. زیرا جده میقات نمیشد. و
 محاذات آن با یکی از میقاتها هم ثابت نیست.

(۱۵۴): شخصی که میخواهد حج تمتع بجا آورد، اگر از روی
 علم و عمد در غیر مکه احرام ببندد، احرامش صحیح نیست،
 هر چند با احرام وارد مکه شود، و بر او واجب است در مکه تجدید
 احرام کند، و گرنه حجش باطل است.

(۱۵۵): کسی که میخواهد حج تمتع بجا آورد اگر فراموش کند
 از مکه محرم شود، در صورت امکان واجب است به مکه برگردد.
 و اگر نتواند از هر جا که به مکه نزدیکتر است، و گرنه در عرفات
 محرم شود. همینطور است وظیفه کسی که حکم را نمدانسته.

(۱۵۶): کسی که احرام حج را به کلی فراموش کند، یا حکم را
 نداند، و تا پایان اعمال حج متوجه نشود، حجش صحیح است.
 کیفیت احرام
 واجبات احرام سه چیز است: نیت؛ تلبیه؛ پوشیدن لباس احرام.
 اول: نیت احرام، یعنی قصد کند منع امور خاصه ای را بر خود،
 برای زیارت خانه خدا.

(۱۵۷): در نیت احرام سه چیز معتبر است: ۱ - قربه الی الله باشد.

۲ - هم زمان با پوشیدن احرام باشد. ۳ - تعیین زیارت کند، عمره است یا حج، تمتع است یا افراد یا قران، مستحب است یا واجب، حجة الاسلام است یا نذری یا به افساد، برای خود انجام مدهد یا به نیابت از دیگری. و اگر تعیین نکند احرامش باطل است. (۱۵۸): لازم نیست نیت را به زبان آورد یا از ذهن خود بگذارند. بلکه قصد محرم شدن کفایت میکند. ولی مستحب است به زبان گفتن نیت احرام. همچنین مستحب است شرط کند که اگر مانعی از اتمام مناسک پیدا شد محل شود.

(۱۵۹): در صحت احرام، عزم بر ترك استمناء و جماع معتبر است. همچنین است عزم بر ترك دیگر محرمات احرام و ترك عملی که حج یا عمره را فاسد میکند، بنا بر احتیاط لازم. پس اگر از ابتدای احرام قصدش این باشد که پیش از وقوف به مشعر استمناء کند، یا با عیال خود جماع (نزدیکی) نماید، یا مردد باشد در انجام و ترك این دو عمل، احرامش باطل است. و همینطور است محرمات دیگر احرام، بنا بر احتیاط لازم. اما اگر از اول عزم بر ترك این امور داشت، ولی بعد از احرام قصد انجام دادن یکی از آنها را کرد، احرامش باطل نیست. دوم: تلبیه. تلبیه به معنی گفتن این چند جمله است: لبیک

اللهم ليك لبيك لا شريك لك لبيك.
و احتیاط لازم اضافه نمودن این جمله است: إن الحمد و
النعمة لك والملك لا شريك لك لبيك.
و جایز است کلمه لك بعد از کلمه والملك اضافه شود:
... والملك لك....

و بهتر است تلبیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) را که امام صادق (علیه السلام)

روایت کرده اند بگویند، و در آداب گذشت.

(۱۶۰): بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و به طور صحیح اداء کند. هر چند با تلقین دیگری باشد (یعنی کسی که خوب مداند بگوید و مکلف مانند او تکرار کند).
و اگر این الفاظ را یاد نگرفت، و تلقین هم برایش مقدور نبود، واجب است آنچه متواند بگوید. و احتیاط لازم در این صورت جمع بین گفتن به مقدار قدرت، و گفتن ترجمه آنها، و نایب گرفتن دیگری است تا بجای او تلبیه را بگوید.

(۱۶۱): شخص لال باید با انگشتش به تلبیه اشاره کرده و زبان خود را حرکت دهد. و بنابر احتیاط واجب معنای تلبیه را هم در قلب خود بگذارند. و احتیاط مستحب این است که نایب نیز بگیرد.
(۱۶۲): باید بجای بیهوش و بچه غیر ممیز، دیگری تلبیه بگوید.

(۱۶۳): احرام حج تمتع، و عمره تمتع، و حج افراد، و عمره مفرده بدون تلبیه منعقد نمیشود. اما حج قران هم چنان که به تلبیه محقق میشود به اشعار یا تقلید نیز تحقق مییابد، هر چند احتیاط غیر لازم گفتن تلبیه است.

(۱۶۴): در صحت احرام، طهارت از حدث اصغر و اکبر، شرط نیست. پس احرام شخص بی وضو یا جنب یا زن در حال حیض یا نفاس، اشکالی ندارد. اما جنب و حائض و نفساء باید در مسجد و در حال عبور و بدون توقف احرام ببندند. ولی غسل احرام برای همه مستحب است.

(۱۶۵): تلبیه در احرام بمنزله تکبیرة الاحرام در نماز است. پس هر گاه نیت احرام نمود، و لباس احرام را پوشید، و یکی از محرمات احرام را قبل از تحقق احرام (به تلبیه گفتن یا اشعار و تقلید) مرتکب شد، گناهی نکرده و کفاره ای بر او نخواهد بود، زیرا هنوز محرم نشده است.

(۱۶۶): کسی که میخواهد از راه مدینه به حج رود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (بیابانی است خارج مدینه) عقب انداخته، و در آنجا تلبیه بگوید.

و کسی که میخواهد از مکه به حج برود، تلبیه را تا رسیدن به

رقتاء (در ابطح بیرون مکه قدیم) عقب انداخته و در آنجا بگوید. ولی احتیاط مستحب این است که از جایی که محرم میشود فوراً تلبیه را آهسته بگوید و از جاهائی که گفته شد بلند بگوید. (۱۶۷): احتیاط غیر لازم این است، کسی که عمره تمتع بجا مآورد، وقتی چشمش به خانه های قدیم مکه افتاد تلبیه نگوید. و حد آن برای کسی که از راه مدینه مآید، عقبه مدینین است. و کسی که عمره مفرده بجا مآورد، اگر از خارج حرم آمده باشد، هنگام دخول حرم، و چنانچه از مکه بیرون رفته که احرام عمره ببندد، هنگام دیدن کعبه تلبیه را قطع نماید. و کسی که حج بجا مآورد، هر نوع حجی باشد، هنگام ظهر روز عرفه تلبیه را قطع کند.

(۱۶۸): اگر پس از پوشیدن لباس احرام، و قبل از گذشتن از میقات شك کند که تلبیه گفته یا نه، باید بنا را بر نگفتن گذاشته و تلبیه بگوید.

و اگر بعد از تلبیه گفتن شك کند آیا درست گفته یا نه، بنا را بر درست بودن بگذارد. و احرام و عملش صحیح است. سوم: پوشیدن دو جامه احرام (ازار و رداء) پس از بیرون آوردن لباسهائی که پوشیدن آن بر محرم حرام است.

پوشیدن دو جامه احرام به این نحو است که یکی را به دور کمر بسته و آن را ازار گویند، و دیگری را مانند عبا بر دوش بگیرد، و آن را رداء گویند.

و نا بالغ از این حکم مستثنی است. و جایز است بر او بیرون آوردن لباس را تا رسیدن به فح (در حومه مدینه) تأخیر بیندازد. (۱۶۹): بنا بر احتیاط واجب باید در بیرون آوردن لباسهای خود و پوشیدن جامه احرام، قصد قربت نماید.

و احتیاط لازم آنست که ازار را بر گردن نبندد، و نیز اجتناب کند از گذاردن سنگی و یا شبیه آن در دو جامه و بستن آنها به یکدیگر است. و هم چنین دو طرف رداء را روی هم نگذارد. و یا چیزی از آنها را به هم نبندد. و از سوراخ کردن رداء و بیرون آوردن سر از آن باید اجتناب کنند.

(۱۷۰): ازار باید به اندازه ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند.

و رداء باید به اندازه ای باشد که دو شانه را بپوشاند. و احتیاط واجب این است که پوشیدن آنها قبل از نیت و تلبیه باشد. پس اگر پیش از پوشیدن نیت کرد و تلبیه گفت، باید پس از آن اعاده نماید.

(۱۷۱): بنا بر احتیاط لازم نباید دانسته و عمدا در پیراهن یا لباس عادی احرام ببندد. و اگر فراموش کرد یا ندانسته موقعی که

پیراهن یا لباس عادی پوشیده احرام بست، باید فوراً آن را بیرون آورد و احرامش صحیح است. و اگر بعد از احرام پیراهنی پوشید، احرامش صحیح است، ولی باید آن را از طرف پا بیرون آورد، هر چند به این که یقه اش را بشکافد و پاره کند.

(۱۷۲): پوشیدن بیش از دو جامه احرام در اول یا بعد از آن، برای جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن عیبی ندارد. البته باید شرایط لباس احرام را داشته باشد.

(۱۷۳): آنچه در لباس نمازگزار شرط است در جامه احرام نیز شرط است. پس باید پاک باشد، و غصبی نباشد، و از حریر خالص و زربفت و از اجزاء حیوان حرام گوشت نیز نباشد، و مانند اینها. و هم چنین نجس شدن آن به نجاستی که در نماز بخشوده است، اشکال ندارد.

(۱۷۴): ازار باید بدن نما نباشد. و احتیاط لازم این است که رداء نیز بدن نما نباشد.

(۱۷۵): بنابر احتیاط لازم باید جامه احرام بافتنی باشد، و مثل چرم مصنوعی و پوست و نمد و مانند آن نباشد.

(۱۷۶): پوشیدن رداء و ازار فقط بر مردان واجب است. و زنان میتوانند در لباسهای عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر

شده باشد، احرام ببندند.

(۱۷۷): پوشیدن حریر گرچه فقط بر مردان حرام است، اما زنان نیز نباید در جامه حریر محرم شوند. و احتیاط لازم این است که زنان تا محرم هستند چیزی که از حریر خالص باشد نپوشند.

(۱۷۸): چنانچه یکی از جامه های احرام یا هر دو بعد از احرام بستن نجس شود، احتیاط واجب این است که هر چه زودتر عوض کرده یا تطهیر کند.

(۱۷۹): واجب نیست جامه های احرام را بطور دائم بپوشد. و برداشتن رداء برای ضرورت یا غیر آن مانعی ندارد. هم چنان که عوض کردن آن در صورتی که رداء دیگر دارای شرایط ذکر شده باشد، جایز است.

ولی بهتر و احتیاط غیر لازم آن است که در موقع طواف همان جامه هائی را بپوشد که در آنها محرم شده.

تروك احرام
هر گاه مکلف احرام بست، ۲۵ چیز بر او حرام میشود، که آنها را تروك احرام منامند:

- ۱ - شکار حیوان صحرائی. ۲ - جماع (نزدیکی) با زن.
- ۳ - بوسیدن زن. ۴ - دست زدن به زن.

- ۵ - نگاه کردن به زن. ۶ - استمناء.
- ۷ - عقد نکاح. ۸ - استعمال بوی خوش.
- ۹ - پوشیدن لباس دوخته بر مردان. ۱۰ - سر مه کشیدن.
- ۱۱ - پوشیدن آن چه روی پا را بپوشاند مانند جوراب بر مردان.
- ۱۲ - نگاه کردن در آینه. ۱۳ - دروغ گفتن.
- ۱۴ - مجادله کردن. ۱۵ - کشتن شپش و مانند آن.
- ۱۶ - زینت کردن. ۱۷ - روغن مالی.
- ۱۸ - کندن موی بدن. ۱۹ - پوشاندن سر بر مردان.
- ۲۰ - پوشاندن صورت بر زنان. ۲۱ - زیر سایه رفتن بر مردان.
- ۲۲ - خارج نمودن خون از بدن. ۲۳ - دندان کشیدن
- ۲۴ - ناخن گرفتن. ۲۵ - همراه داشتن سلاح.
- و تفصیل این امور در چند مسأله ذکر میشود.
- ۱ - شکار حیوان صحرائی
- (۱۸۰): محرم خواه در حرم باشد، خواه در خارج آن (حل)،
 نباید حیوان صحرائی را شکار نموده یا بکشد یا مجروح کند و یا
 اذیت نماید. و شکار در حرم مطلقاً جایز نیست. هر چند شکارچی
 محرم نباشد.
- (۱۸۱): کمک نمودن به دیگری در شکار حیوان صحرائی بر

محرم، حرام است، گرچه به اشاره باشد.

همچنین است هر عملی که سبب سلطه بر حیوان و سلب آزادی و حلال شدن او بشود. و در حرمت کما فرق نیست بین این که شکارچی محرم باشد یا محل (غیر محرم).

(۱۸۲): محرم نباید شکار را بدست گرفته یا از او نگهداری کند، گرچه شکار آن پیش از احرام باشد. همچنین محرم نباید از گوشت یا چربی شکار بخورد، یا استفاده دیگری ببرد.

(۱۸۳): حرمت شکار مختص به حیوان صحرائی است. و شکار حیوان دریائی مانند ماهی، و نیز کشتن حیوان اهلی مانند مرغ خانگی و حبشی (مرغی که نمیتواند در هوا پرواز کند) و گوسفند و گاو و شتر، مانعی ندارد، در صورتی که به سبب عارضه ای وحشی نشده باشد. و ملخ ملحق است به حیوان صحرائی که شکار و گرفتن و خوردن آن حرام است.

(۱۸۴): جوجه و تخم حیوان در حکم مذکور، تابع خود حیوان است. بنابر این شکار جوجه یا برداشتن تخم حیوان صحرائی حرام است، و کشتن جوجه و شکستن تخم حیوانات اهلی و دریائی جایز است.

(۱۸۵): کشتن درندگان، و نیز غیر درندگان متعارف، برای محرم

جایز نیست. مگر در صورتی که از آنها بر خود بترسد. و چنانچه درندگان کیوتران حرام را اذیت کنند، جواز کشتن آنها محل اشکال است. و کشتن درندگان - در صورت ترس - کفاره ندارد، حتی شیر. غیر از روباه که يك گوسفند، و خارپشت که يك بزغاله کفاره کشتن آنهاست.

(۱۸۶): کشتن افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای موزی و عقرب و موش جایز است، و کفاره هم ندارد.

(۱۸۷): چنانچه محرم از کلاغ و باز شکاری بر خود بترسد، میتواند به آنها تیراندازی کند. و در این فرض اگر تیر به آنها برسد و کشته شوند کفاره ندارد.

کفارات شکار

در شریعت مقدسه اسلام برای کشتن و شکار بعضی از حیوانات صحرائی، کفاره ای تعیین شده که در مسأله های زیر بیان میشود:

(۱۸۸): کفاره کشتن شتر مرغ و یا بچه شتر مرغ، يك شتر

است. و افضل جزور (نوعی شتر) است.

و کفاره کشتن گاو وحشی، يك گاو. و کفاره کشتن خر

وحشی، يك شتر (بدنه) یا يك گاو است، گرچه احتیاط لازم دادن

شتر (بدنه) است.

و كفاره كشتن آهو و خرگوش، يك گوسفند است.
و كفاره كشتن روباه، يك گوسفند است. و كفاره كشتن موش
صحرائى و خارپشت و سوسمار، يك بزغاله است.
(۱۸۹): چنانچه كفاره، شتر باشد و يافت نشود بايد شصت
مسكين را اطعام نمايد، براى هر مسكين دو مد، و اگر نتوانست
يك مد (كه تقريباً ده سير است)، و اگر نتوانست بايد شصت روز
روزه بگيرد، و اگر نتوانست هيچده روز روزه بگيرد.
و اگر كفاره، گاو باشد و يافت نشود بايد قيمت گاو را به سى
مسكين اطعام نمايد، و چنانچه نتوانست نه روز روزه بگيرد.
و چنانچه كفاره، گوسفند باشد و يافت نشود يا نتواند تهيه كند
بايد ده مسكين را اطعام نمايد، و اگر نتوانست بايد سه روز روزه
بگيرد. و مستحب است سه روز متوالى روزه بگيرد.
(۱۹۰): اگر محرم در خارج حرم كبوتر يا مانند آن را شكار
نمايد و بكشد بايد يك گوسفند كفاره بدهد، و كفاره جوجه آن
يك ميش كوچك و يا يك بزغاله است. و در شكستن تخم آن
بايد يك درهم كفاره بدهد، بنابر احتياط لازم.
و هر گاه غير محرم كبوتر يا مانند آن را در حرم بكشد يك درهم
و در جوجه آن نيم درهم، و در تخم آن ربع درهم بايد كفاره بدهد.

و هر گاه محرم در حرم کبوتر یا مانند آن و یا جوجه آن را بکشد، یا تخم آن را بشکند هر دو کفاره بر او واجب میشود، يك کفاره برای شکار و يك کفاره برای این که محرم بوده و شکار کرده. مثلا اگر محرم در حرم کبوتری را بکشد باید يك گوسفند به اضافه يك درهم کفاره بدهد. و تخم پرنده اگر جوجه در آن به حرکت آمده حکم جوجه را دارد.

(۱۹۱): کفاره شکار قطاة (سنگخوار) و كبك و دراج و مانند آن يك بره است که از شیر گرفته شده و علف خوار باشد. و کفاره شکار گنجشك و قبرة (چکاوک) و صعوة (سنگانه) و مانند آن يك مد (تقریبا سه ربع کیلو) گندم یا جو یا نان و مانند اینها است، و به احتیاط لازم يك بره از شیر گرفته شده میباشد. و کفاره کشتن ملخ يك دانه خرما. و کفاره کشتن بیشتر از يك ملخ يك مشت گندم و مانند آن. و کفاره کشتن ملخ زیاد يك گوسفند است.

(۱۹۲): کفاره کشتن موش صحرائی و خارپشت و سوسمار و مانند اینها يك بزغاله است. و کفاره کشتن عظایة (نوعی مارمولک) يك مشت طعام است.

(۱۹۳): کفاره کشتن عمدی زنبور مقداری طعام است. و در

صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفاره ندارد.
(۱۹۴): در راهی که ملخ زیاد است، بایستی محرم راه خود را کج کند که آن را نکشد. و اگر نتواند این کار را بکند که خواه ناخواه ملخ پایمال شود در صورتی که متعمد نباشد، مانعی ندارد.
(۱۹۵): اگر جماعتی در کشتن شکاری شرکت کردند بر هر يك کفاره مستقلى هست.

(۱۹۶): محرمی که شکاری کرده و آن را بخورد بنا بر احتیاط واجب باید دو کفاره دهد، بلکه دو کفاره و قیمت آن را بدهد.
(۱۹۷): کسی که شکاری همراه دارد و داخل حرم شود باید آن را رها کند و اگر رها نکرد تا این که شکار مرد باید کفاره بدهد. بلکه بنا بر احتیاط لازم چنانچه قبل از احرام شکار کرده به مجرد محرم شدن باید شکار را رها کند، هر چند داخل حرم نشده باشد.
(۱۹۸): در وجوب کفاره برای کشتن شکار و خوردنش، فرقی نیست بین این که عمدا باشد یا سهوا، بلکه اگر حکم را هم نمدانسته باید کفاره بدهد. ولی اگر چند نفر شريك باشند در شکار بدون تعمد، يك کفاره کفایت میکند، ولی در صورت عمد بر هر کدام يك کفاره واجب است.
(۱۹۹): به تکرار شکار کفاره نیز مکرر می شود، خواه شکار از

روی عمد یا فراموشی یا اشتباه یا ندانستن حکم باشد. و هم چنین کفاره متعدد میشود اگر شکار کننده محرم باشد به احرامهای متعدد.

و نیز کفاره متعدد میشود اگر شکار در حرم باشد و شکار کننده محل باشد و عمدا شکار کند. ولی در صورتی که شکار کننده محرم باشد به يك احرام و از روی عمد مکررا شکار کند، کفاره مکرر نمیشود.

۲ - نزدیکی با زن

(۲۰۰): نزدیکی با زنان (جماع) پس از احرام و قبل از شروع به اعمال عمره، و نیز در اثناء عمره تمتع و عمره مفرده و حج تمتع، و پس از آن و پیش از خواندن نماز طواف نساء؛ بر محرم حرام است. (۲۰۱): هر گاه پس از احرام عمره تمتع و قبل از تقصیر از روی علم و عمد، با عیال خود از جلو یا عقب نزدیکی نماید؛ چنانچه پس از فراغت از سعی باشد، عمره اش فاسد نمیشود، و باید يك جزور (شتر بزرگ)، و گر نه يك شتر معمولی، و اگر نتوانست يك گاو، و اگر نتوانست يك گوسفند، کفاره بدهد. و هم چنین اگر قبل از سعی باشد عمره اش فاسد نمیشود، و کفاره اش مانند صورت قبل است، ولی احتیاط لازم این است که عمره را قبل از حج - در

صورت امکان - اعاده نماید، و در صورت عدم امکان در سال بعد حج را اعاده کند.

(۲۰۲): هر گاه کسی که احرام حج بسته قبل از وقوف در مشعر از روی علم و عمد، با عیال خود از جلو یا عقب نزدیکی نماید؛ حج او و حج آن زن در صورتی که محرم و عالم و راضی به این عمل بوده باطل میشود. و بر هر يك واجب است حج را تمام کرده و كفاره داده، و حج را در سال بعد اعاده کند، چه حجشان واجب باشد چه مستحب. اما اگر زن مجبور بر این عمل بوده حجش فاسد نمیشود و كفاره نیز بر او واجب نیست، و بر مرد دو كفاره واجب میشود.

و كفاره این عمل در صورت تمکن يك شتر، و چنانچه نتواند يك گاو، و گر نه يك گوسفند است. و واجب است بین آن زن و مرد از جای وقوع این عمل در این حج و حجی که بعدا اعاده میکنند جدائی باشد تا آن که پس از وقوفین به آن محل برسند. و هر گاه هنگام رفتن به عرفات از منی عبور کند و جماع نماید لازم است از هم جدا باشند تا وقت نحر در منی، و احتیاط واجب این که جدائی تا پایان اعمال حج باشد.

(۲۰۳): هر گاه محرم بعد از وقوف در مشعر دانسته و عمدا با

عیال خود نزدیکی کند چنانچه پیش از اتمام طواف نساء باشد، هر چند بعد از دور چهارم و پیش از دور پنجم، کفاره بر او واجب میشود ولی حجش باطل نیست، و اما اگر بعد از طواف نساء باشد کفاره ندارد.

(۲۰۴): کسی که دانسته و عمدا در عمره مفرده بعد از سعی با زن خود نزدیکی کند کفاره بر او واجب میشود، ولی عمره اش باطل نیست. و اگر قبل از سعی با زن خود نزدیکی کند علاوه بر وجوب کفاره عمره اش نیز باطل میشود، و باید همان عمره را تمام کند، و واجب است تا يك ماه در مکه توقف نماید سپس به یکی از میقاتها رفته و از آنجا برای عمره دوم محرم شود.

(۲۰۵): کسی که از احرام در آمده اگر با زن خود که محرم است نزدیکی نماید کفاره بر زن واجب میشود، ولی مرد باید غرامت آن را بدهد و کفاره اش يك شتر است.

(۲۰۶): محرمی که از روی جهل به حکم یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید عمره و حجش صحیح است، و کفاره ای بر او واجب نمیشود. و این حکم نسبت به سایر محرماتی که موجب کفاره است و بیان میشود نیز جاری است، مگر در موارد زیر:

۱ - آن که طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی

نماید، یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش کند و با عیال خود نزدیکی نماید، یا ناخنهای خود را بگیرد به خیال این که احرامش تمام شده، و یا آن که بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

۲ - کسی که دست خود را بی خود بر سر و ریش خود بکشد و يك مو یا بیشتر از آن بیفتد.

۳ - آن که بدن خود را روغن مالی کند از روی نادانی. و حکم اینها در جای خود مآید.

۳ - بوسیدن زن

(۲۰۷): جایز نیست محرم زن خود را از روی شهوت ببوسد. و چنانچه دانسته و عمدا بوسید و منی از او خارج شد لازم است يك شتر كفاره بدهد. و نیز اگر ندانسته یا سهوا ببوسد، یا منی از او خارج نشود، بنابر احتیاط لازم. و اگر بوسیدن از روی شهوت نباشد يك گوسفند كفاره دارد.

(۲۰۸): هر گاه شخص بعد از طواف نساء، زن خود را که محرم است ببوسد باید يك گوسفند بکشد، بنابر احتیاط واجب.

۴ - لمس زن

(۲۰۹): شخص محرم نباید دست یا بدن خود را از روی شهوت

به بدن زن خود بمالد. و چنانچه دانسته و عمدا این کار را کرد باید يك گوسفند كفاره بدهد.

و اگر لمس از روی شهوت نباشد اشكال ندارد، و كفاره ای بر او نخواهد بود.

۵ - نگاه کردن به زن و ملاعبه با او

(۲۱۰): هر گاه محرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند یا با او ملاعبه و شوخی نماید و منی از او بیرون بیاید باید يك شتر كفاره بدهد، ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی خارج شود كفاره ندارد. و چنانچه به زن اجنبی نگاه کند و منی از او خارج شود باید در صورت تمکن يك شتر و اگر نتواند يك گاو، و گر نه يك گوسفند كفاره بدهد، چه از روی شهوت نگاه کرده باشد چه بدون شهوت. و اگر منی از او بیرون نیاید كفاره ندارد، هر چند از روی شهوت نگاه کرده باشد، گرچه کار حرامی مرتکب شده است.

(۲۱۱): محرم میتواند به غیر از آنچه گفته شد از زن خود لذت ببرد، مانند سخن گفتن، اگر چه از روی شهوت باشد، ولی از دست زدن، یا افتادن بر او، یا برداشتن او، و مانند اینها خودداری کند. و احتیاط غیر لازم ترك استمتاع است مطلقا.

۶ - استمناء

(۲۱۲): هر گاه محرم با آلت خود بازی نمود و منی از او بیرون آمد معصیت کرده، و عرق او عرق جنب از حرام است. و اگر استمناء در احرام حج پیش از وقوف در مشعر باشد حجش باطل میشود، و باید این حج را تا آخر بجا آورد و در سال بعد اعاده کند. و اگر این عمل را در عمره مفرده قبل از فارغ شدن از سعی انجام دهد عمره اش باطل میشود، و باید این عمره را به پایان برساند و يك ماه در مکه توقف نموده سپس به یکی از میقاتها رفته و از آنجا برای عمره مفرده احرام ببندد. و کفاره استمناء مانند کفاره جماع است.

و چنانچه محرم بدون بازی با آلت خود، استمناء کند (مثل این که نگاه به زن بکند یا در نظر بیاورد) حج و عمره اش فاسد نمیشود، هر چند کفاره بر او واجب میشود. و احتیاط واجب اعاده حج و عمره است.

۷ - عقد نکاح

(۲۱۳): خواندن عقد ازدواج در حال احرام برای خود یا دیگری حرام است، به ولایت یا وکالت و نحو آن. و فرقی نیست بین این که عقد دائمی باشد یا منقطع. و در تمام این صورتهای عقد

باطل است. و اگر بداند که عقد خواندن حرام است و عقد بخواند آن زن حرام ابدی میشود.

(۲۱۴): هر گاه محرم یا غیر محرم زنی را برای محرم عقد نماید، و شوهر با آن زن نزدیکی کند، و عقد کننده و شوهر بدانند که چنین عقدی (در حال احرام) حرام است، بر هر يك كفاره (يك شتر) واجب میشود، و مهر ثابت است. و آن زن بر شوهر حرام ابدی خواهد بود. و اگر زن نیز مدانسته که ازدواج در حال احرام حرام است كفاره بر او هم واجب است.

(۲۱۵): حضور در مجلس عقد برای محرم و گواهی دادن بر آن حرام است.

(۲۱۶): بنابر احتیاط لازم محرم نباید خواستگاری کند. ولی اگر زنش را قبلاً طلاق داده رجوع به او جایز است.

۸ - استعمال بوی خوش

(۲۱۷): استعمال بوی خوش حتی زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، به بوئیدن یا خوردن یا مالیدن بر بدن، بر محرم حرام است، و كفاره آن يك گوسفند است. و با تکرار آن كفاره مکرر خواهد شد، بنابر احتیاط لازم. و هم چنین پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در آن باشد حرام است، هر چند مثل جوراب

و عرقچین باشد.

(۲۱۸): خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و به جایز است، ولی نباید هنگام خوردن آنها را بو کند. و باید از خوردن دارچین و زنجبیل و مثل آن اجتناب کند، بنا بر احتیاط واجب.

(۲۱۹): بر محرم واجب نیست هنگام سعی بین صفا و مروه اگر در محل سعی بوی خوش باشد بینی خود را ببندد. ولی احتیاط واجب است که در غیر حال سعی بینی خود را از هر بوی خوشی ببندد. و نیز اگر ناچار به استفاده از بوی خوش یا پوشیدن لباسی که بوی خوش میدهد شد، اشکال ندارد. ولی بنا بر احتیاط لازم از بوئیدن آن خودداری نماید.

(۲۲۰): بر محرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد. و اگر چنین کرد باید به اندازه سیر کردن گرسنه صدقه بدهد، ولی تند رفتن به خاطر خلاصی از بوی بد حرام نیست.

۹ - پوشیدن لباس دوخته بر مردان

(۲۲۱): پوشیدن پیراهن و عبا و عمامه و کلاه و عرقچین و شلوار و زیر شلواری و جامه دکمه دار و هر جامه ای که آستین دار باشد بر مرد محرم حرام است. همچنین مرد محرم باید از هر جامه دوخته، بلکه شبیه دوخته مانند نمدی که چوپان ها میپوشند، و از

هر دوخته گرچه جامه نباشد اجتناب کند، بنابر احتیاط لازم. و پوشیدن کمربندی که پول در آن گذاشته میشود جایز است. و هم چنین بستن فتق بند اشکالی ندارد. و جایز است محرم هنگام خوابیدن با لحاف و دیگر چیزهای دوخته شده تن خود را بپوشاند به شرط آن که آن را به خود نیچد، ولی پوشاندن سر جایز نیست. (۲۲۲): بنابر احتیاط لازم محرم نباید ازار را به گردن خود - بلکه مطلقاً - گره بزند، هر چند بعضی آن را به بعضی دیگر با فرو بردن سنجاق و شبیه آن در ازار متصل کند، و رداء را نیز نباید گره بزند.

(۲۲۳): پوشیدن لباس دوخته هر طور که باشد برای زنان مانعی ندارد، مگر دستکش که نباید آن را بپوشند.

(۲۲۴): اگر محرم لباسی را که پوشیدن آن حرام است عمداً بپوشد باید يك گوسفند كفاره بدهد؛ بلکه در صورت ناچاری هم باید كفاره بدهد، بنابر احتیاط لازم.

۱۰ - سرمه کشیدن (کحل)

سرمه سیاه به چشم کشیدن به قصد زینت، بر محرم جایز نیست، و كفاره اش يك گوسفند است، بنابر احتیاط لازم. و از سرمه سیاه بدون قصد زینت، یا سرمه غیر سیاه با قصد زینت، باید

اجتناب کند، و کفاره اش يك گوسفند است، بنا بر احتیاط لازم. اما
سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانعی ندارد.

۱۱ - پوشیدن کفش و جوراب

(۲۲۵): پوشیدن چکمه یا کفش یا جوراب و یا هر چیزی که
روی پا یا قسمت بیشتری از آن را بپوشاند بر مرد محرم حرام
است، و کفاره اش يك گوسفند است، بنا بر احتیاط لازم. ولی زن
متواند آن را بپوشد. و اگر ضرورت داشت که مرد محرم کفش یا
جوراب بپوشد باید روی آن را بشکافد، بنا بر احتیاط واجب.

۱۲ - نگاه کردن در آینه

(۲۲۶): نگاه کردن در آینه جهت زینت بر محرم حرام است، و
کفاره اش بنا بر احتیاط لازم يك گوسفند است. ولی اگر نگاه کردن
برای زینت نباشد، مانند نگاه کردن راننده در آینه که پهلو و پشت
سر خود را ببیند مانعی ندارد، هر چند اجتناب کند بهتر است، بنا بر
احتیاط غیر لازم. و کسی که به قصد زینت در آینه نگاه کرد باید
تلبیه را تجدید نماید، بنا بر احتیاط واجب.

به چشم زدن عینک و نیز نگاه کردن در اجسام صاف و شفاف
مانند آب صاف و شیشه اشکال ندارد، هر چند اجتناب کند بهتر
است، بنا بر احتیاط غیر لازم.

۱۳ - دروغ و دشنام

(۲۲۷): دروغ و دشنام در هر حال حرام است، ولی حرمتشان در حال احرام شدیدتر است، بلکه نبود آن در تحقق حج اعتبار شده، و مراد از فسوق در آیه مبارکه (فلا رفث ولا فسوق ولا جدال في الحج) دروغ و دشنام است. اما مفاخرت یعنی فخر فروشی چنانچه مستلزم توهین به دیگری باشد حرام است، و چنانچه مستلزم نباشد احتیاط لازم ترك آن است.

۱۴ - جدال نمودن

(۲۲۸): جدال نمودن بر محرم حرام است. و کمترین مرتبه آن قسم خوردن به کلمه (لا والله) و (بلی والله) است. و احتیاط لازم این است که به غیر از این دو کلمه نیز قسم نخورد.

(۲۲۹): دو مورد از حرمت جدال استثناء شده:

اول: آن که ضرورتی مانند اثبات حق یا از بین بردن باطلی اقتضاء قسم خوردن کند.

دوم: آن که مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل این که بگوید: تو را به خدا این کار را نکن. (۲۳۰): در صورتی که جدال کننده در سخن خود راستگو باشد کفاره ندارد، و فقط باید استغفار کند به شرطی که از دو مرتبه تجاوز

نمایید، و گر نه باید يك گوسفند كفاره بدهد. و چنانچه جدال و قسم خوردن بر دروغ باشد در همان مرتبه اول يك گوسفند، و در مرتبه دوم دو گوسفند، و در مرتبه سوم يك گاو باید كفاره بدهد.

۱۵ - کشتن جانوران بدن

(۲۳۱): کشتن عمدی شپش و انداختن آن از بدن برای محرم جایز نیست، ولی جا به جا کردن آن مانعی ندارد. و در صورت کشتن باید يك مشتم طعام یا خرما به فقیر كفاره بدهد، بنابر احتیاط واجب. و به احتیاط لازم پشه و كك را در صورتی که ضرری متوجه او نشود نکشد، و به احتیاط مستحب از راندن و انداختن آنها نیز خودداری کند.

۱۶ - زینت نمودن

(۲۳۲): انگشتر بدست کردن برای زینت بر محرم حرام است، ولی به نیت استحباب مانعی ندارد. بلکه زینت کردن به چیزهای دیگر نیز بر محرم حرام است و كفاره اش يك گوسفند است، بنابر احتیاط لازم.

(۲۳۳): حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود، بر محرم حرام است هر چند خودش قصد زینت کردن نداشته باشد، ولی برای درمان و مانند آن مانعی ندارد.

(۲۳۴): پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است. ولی زیوری که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته مستثنی است و می تواند آن را بپوشد، ولی نباید آن را به شوهر خود و دیگر مردان نشان دهد.

۱۷ - روغن مالی بدن

(۲۳۵): محرم نباید تن خود را روغن مالی کند هر چند خوشبو هم نباشد، مگر برای درمان و ضرورت.

(۲۳۶): کفاره روغن مالی در صورتی که دانسته و عمدا باشد يك گوسفند است، و اگر از روی نادانی باشد اطعام يك فقير است، بنابر احتیاط لازم.

۱۸ - جدا نمودن مو از بدن

(۲۳۷): محرم نباید موی خود یا دیگری را از بدن جدا کند، چه دیگری محرم باشد چه محل. از این حکم چهار مورد استثناء شده: ۱ - آن که شپش بدن محرم زیاد باشد.

۲ - آن که ضرورت ایجاب کند که مو از بدن جدا شود، مثل

این که بلندی مو و زیادیش باعث سر درد یا ناراحتی دیگر شود.

۳ - آن که مو در پلك چشم روئیده و محرم را ناراحت کند.

۴ - آن که مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

(۲۳۸): اگر محرم بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفاره اش يك گوسفند است. و چنانچه ضرورت ایجاب کند که سر خود را بتراشد کفاره اش يك گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش مسکین، به هر کدام دو مد (يك کیلو و نیم) میباشد. و اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفاره اش يك گوسفند است. و همچنین است اگر موی يك طرف را بکند، بنابر احتیاط لازم. و اگر موی ریش خود یا غیر آن را بکند باید يك مشت طعام به فقیر کفاره بدهد، ولی چنانچه محرمی یا غیر محرمی را سر بتراشد گرچه حرام است کفاره ندارد.

(۲۳۹): چنانچه محرم سر یا بدن خود را بطوری که موئی از او نیفتد و خونی نشود بخاراند مانعی ندارد. و چنانچه دست به سر و یا ریش خود بکشد، و يك یا دو مو از آن بیفتد، باید يك مشت طعام صدقه بدهد.

۱۹ - پوشاندن سر بر مردان

(۲۴۰): مرد محرم نباید تمامی یا قسمتی از سر خود را بپوشاند به هر چیزی باشد، حتی با گل، بلکه بنابر احتیاط لازم نمبایست چیزی روی سر خود حمل کند. ولی انداختن بند مشک بر سر یا بستن دستمال و مانند آن، به جهت سر درد، اشکال ندارد. و

پوشاندن گوشها نیز جایز نیست.

(۲۴۱): پوشاندن سر به قسمتی از بدن مثل دست جایز است، و ترك آن بهتر است.

(۲۴۲): محرم نباید در آب و مانند آن فرو رود یا سر را زیر آب کند، بنا بر احتیاط لازم. و در این حکم زن و مرد فرقی ندارند.

(۲۴۳): كفاره پوشاندن سر يك گوسفند است، بنا بر احتیاط لازم. و در موارد اضطرار و ناچارى كفاره واجب نیست.

۲۰ - پوشاندن رو بر زنان

(۲۴۴): بانوان در حال احرام نمبایست تمام صورت خود یا بعض آن را بپوشانند، به هر چیزی که باشد مثل نقاب یا پوشیه، بنا بر احتیاط لازم. اما پوشاندن صورت در حال خواب و پوشاندن قسمتی از رو مقدمه برای پوشاندن سر در حال نماز اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

(۲۴۵): بانوان محرم میتوانند از مرد اجنبی رو بگیرند، به این نحو که گوشه چادر یا عبا و مانند آن را که بر سر دارند تا مقابل بینی یا چانه پائین بکشند. و احتیاط واجب این است که قسمت پائین آمده را بوسیله دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگه دارند.

(۲۴۶): كفاره پوشاندن صورت يك گوسفند است، بنابر احتیاط لازم.

۲۱ - زیر سایه رفتن مردان

(۲۴۷): مردان محرم هنگام سیر نباید زیر سایه رفته یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرند، هر چند سایه سقف محمل یا ماشین یا هواپیما و مثل آن باشد، پیاده باشند یا سواره، بنابر احتیاط لازم. و رفتن زیر سایه چیزی که روی سر نباشد، مانند این که بغل شتر یا ماشین حرکت کند که سایه از طرف چپ یا راستش بر او بیفتد، محل اشکال است. ولی میتواند با دست جلو آفتاب را بگیرد. اما رفتن زیر سایه محمل هنگام سیر، و نیز احرام زیر سقف مسجد شجره و نیز زیر سقف بازار و پل و نظایر آن، و هر سایه اندازی که با محرم سیر نمکند حرام نیست.

(۲۴۸): محرمی که در بین راه توقف نموده تا وقتی که در آن جا هست، یا هنگامی که به مکه مرسد هر چند منزلی تهیه نکرده باشد، زیر سایه رفتنش مانعی ندارد. و جواز گرفتن چتر بر سر در این موارد محل اشکال است.

(۲۴۹): زیر سایه رفتن زنان و کودکان، و هم چنین مردان در حال ضرورت یا ترس از ضرر به سبب گرما و سرما، جایز است.

(۲۵۰): كفاره زير سايه رفتن يك گوسفند است. و فرقى بين حال اختيار و اضطرار نيست. و چنانچه اين عمل تكرر شود در هر احرام يك كفاره لازم است. گرچه احتياط مستحب اين است كه براى هر روز يك كفاره بدهد.

۲۲ و ۲۳ - بيرون آوردن خون از بدن و دندان كشيدن

(۲۵۱): محرم نبايد از بدن خود خون بيرون آورد، به دندان كشيدن يا آمپول يا ختنه يا حجامت يا رگ زدن و مانند آن، حتى به مسواك كردن و خلال دندان و خاراندن، بنابر احتياط لازم. ولى براى رفع ضرورت يا اذيت مانعى ندارد. و كفاره اش چه در حال اختيار و چه ضرورت يك گوسفند است، بنابر احتياط لازم. ولى دندان كشيدن بدون خونريزى كفاره ندارد.

۲۳ - ناخن گرفتن

(۲۵۲): محرم نبايد ناخن يا قسمتى از آن را بگيرد، مگر در صورتى كه باقى گذاردن ناخن ضرر داشته باشد، مانند اين كه ناخن كنده شده و باقى گذاردنش سبب اذيت شود.

و كفاره گرفتن هر ناخنى يك مد طعام است. و كفاره گرفتن همه ناخنهاى دست يا پا در يك مجلس يك گوسفند است. و همچنين اگر در يك مجلس ناخن دست و پايش را با هم گرفت

کفاره اش يك گوسفند است. ولی اگر همه ناخنهای دست را در يك مجلس و همه ناخنهای پا را در مجلس دیگر، کفاره اش دو گوسفند است.

۲۴ - برداشتن اسلحه

(۲۵۳): حمل کردن اسلحه (چه سلاح گرم و چه سلاح سرد) بر محرم حرام است. و کفاره اش يك گوسفند است، بنابر احتیاط لازم. و محرم باید از همراه داشتن آلات دفاع شخصی نیز بنابر احتیاط واجب خودداری کند. اما حمل سلاح در حال اضطرار و همراه بردن سلاح بدون این که محرم آن را حمل کند حرام نیست، هر چند احتیاط مستحب ترك آن است.

تا اینجا آنچه فقط بر محرم حرام است بیان شد.

چیزهایی که بر محرم و غیر محرم حرام است

دو چیز هست که بر محرم و محل هر دو حرام است.

۱ - شکار در حرم

(۲۵۴): شکار در حرم بر محرم و غیر محرم، چه زن باشد چه

مرد، حرام است.

۲ - کندن درختان و گیاهان حرم

(۲۵۵): کندن و بریدن هر چیزی که در حرم روئیده از درخت و

گیاه بر محرم و غیر محرم حرام است، اما اگر چیزی به واسطه راه رفتن عادی، کنده شود، و نیز رها کردن حیوانات برای چریدن از علف حرم، حرام نیست.

و از حرمت کندن و بریدن چهار مورد استثناء شده:

۱ - اذخر که گیاه معروفی است.

۲ - نخل خرما و درخت میوه دار.

۳ - علف هائی که خوراك شتر است.

۴ - علف و درختی که در ملك یا خانه شخصی مروید یا خود شخص آن را کاشته باشد، مگر درختی که قبل از تملك خانه در منزل وجود داشته است.

(۲۵۶): درختی که ریشه و ساقه اش در حرم، و شاخ و برگش در خارج حرم است یا بالعکس، حکمش حکم درختی است که تمامش در حرم باشد.

(۲۵۷): کفاره کندن درخت قیمت همان درخت است. و کندن علف کفاره ندارد هر چند حرام است.

جای کشتن کفارات

(۲۵۸): جای کشتن کفاره شکار در احرام عمره، مکه مکرمه است. و جای کشتن کفاره شکار در احرام حج، منی است.

(۲۵۹): كفاره اى كه بر محرم براى غير شكار واجب شده
متواند كشتنش را تا بازگشت به وطن تاخير اندازد، هر چند بهتر
است كه در حج اين كار را انجام دهد.

۲ - طواف

واجب دوم عمره تمتع، طواف است كه به ترك عمدى طواف يا
بعض شرايط آن عمره و حج فاسد ميشود، چه حكم يا موضوع
را بداند چه نداند، حتى اگر جاهل قاصر هم باشد اين حكم جارى
است. و ترك طواف محقق ميشود به تاخير انداختن طواف تا
زمانى كه نتواند خود را به وقوف در عرفات برساند. و در فرض
مذكور با بطلان عمره، احرام باطل نميشود. ووظيفه لازم بر
شخص تارك طواف در اين صورت، عدول دادن نيت حج تمتع به
حج افراد است، و بايد پس از حج عمره مفرده بجا آورده، و در
سال بعد هم حج را اعاده كند در صورتى كه حج اين سال او حج
واجب بوده. و در صورتى كه حج مستحب بوده وجوب اعاده حج
در سال بعد محل اشكال است.

شرايط طواف

در طواف چند چيز شرط است:

۱ و ۲ - نيت و قصد قربت: و طواف بدون نيت و قصد قربت

باطل است، به تفصیلی که در نیت احرام گفته شد.
۳ - طهارت از حدث اکبر و اصغر: و اگر از روی عمد یا فراموشی یا ندانستن حکم بدون طهارت طواف نماید طوافش باطل است.

(۲۶۰): کسی که در میان طواف محدث شود چنانچه پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، طوافش باطل است و باید پس از طهارت آن را اعاده کند.

و اگر بعد از تمام شدن دور چهارم و بدون اختیار باشد باید طواف را قطع کند، و بعد از طهارت طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه دهد.

و اگر بعد از نصف طواف و قبل از تمام شدن دور چهارم، یا بعد از اتمام دور چهارم و اختیاری باشد، در این دو صورت باید بنابر احتیاط واجب طواف را قطع نموده و بعد از طهارت، طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و تمام کند و نماز طواف را بخواند و سپس طواف کامل و نماز طواف را اعاده نماید.

(۲۶۱): اگر پیش از شروع به طواف یا در میان آن در طهارت شك نماید، چنانچه بداند قبلا با طهارت بوده و نمی داند بعدا حدثی از او خارج شده یا نه، در این صورت به شك خود اعتناء

نکند. و در غیر این صورت واجب است طهارت گرفته و طواف کند، و اگر در میان طواف است به دستور مسأله قبل عمل کند. (۲۶۲): هر گاه پس از فراغت از طواف شك در طهارت نماید به شك خود اعتنا نکند، هر چند احتیاط مستحب اعاده آن است. ولی برای نماز طواف حتما باید وضو بگیرد.

(۲۶۳): چنانچه مکلف نتواند وضو بگیرد، اگر مبداند بدون گذشتن وقت اتمام عمره و رفتن به عرفات متواند وضو بگیرد، باید صبر کند و با وضو طواف نماید. و اگر نمیداند که متواند - به این که وقت ضیق است، یا مانع از وضوء تا زمانی که عمره را تمام کرده و خود را به عرفات برساند زایل نمیشود - باید تیمم نموده و طواف کند، و اگر تیمم هم نمیتواند بکند در صورتی که نا امید از توانائی بر تیمم شد لازم است برای طواف نایب بگیرد و بنابر احتیاط واجب خود نیز بدون طهارت طواف نماید.

(۲۶۴): بر زن حائض و نفساء بعد از ایام حیض و نفاس، و بر جنب واجب است که برای طواف غسل کنند، و حائض و نفساء وضوء هم بگیرند. و با وجود مانع از غسل و نا امید شدن از توانائی بر آن، واجب است تیمم کنند. و بنابر احتیاط لازم باید نایب هم بگیرند تا از طرف آنها طواف نماید. و اگر از تیمم معذور

باشند نایب گرفتن متعین است.

(۲۶۵): هر گاه زن هنگام بستن احرام برای عمره تمتع یا پس از احرام، حائض شود چنانچه وقت گنجایش بجا آوردن اعمال عمره را داشته باشد، مبیاست صبر کند تا پاك شود سپس غسل نموده و اعمال عمره را بجا آورد. و اگر وقت وسعت نداشته باشد مسأله دارای دو صورت است:

- ۱ - آن که حائض شدنش پیش از بستن احرام باشد، که در این صورت اگر بداند تا موقع رفتن به عرفات پاك خواهد شد نیت احرام عمره کند، و چنانچه مداند تا آن هنگام پاك نخواهد شد نیت حج افراد نماید. و در صورت شك بنا بر احتیاط واجب هنگام احرام باید احرام واجب را نیت کند - بدون تعیین عمره تمتع یا حج افراد - و بعد اگر قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاك شد اعمال عمره را انجام دهد و محل شود، و سپس برای حج محرم شود و به عرفات برود. و اگر پاك نشد به همان حال احرام، اول اعمال حج افراد را بجا آورد و سپس عمره مفرده بجا آورد.
- ۲ - آن که حیضش بعد از بستن احرام باشد، که در این صورت مخیر است بین این که عدول کند به حج افراد، و حج افراد بجا آورد و بعد از فراغت عمره مفرده انجام دهد؛ و بین این که اعمال عمره

تمتع را بدون طواف و نماز طواف بجا آورد (به این که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه قضاء طواف عمره را پیش از طواف حج بجا آورد). ولی احتیاط مستحب صبر کردن است تا وقت تنگ شود و به صورت دوم عمل نماید.

و چنانچه یقین دارد که حیضش ادامه خواهد داشت و نمیتواند حتی پس از بازگشت به مکه طواف نماید، برای طواف خود نایب بگیرد و سعی را خودش بجا آورد. و روزی که باید خود را واریسی کند در حکم ایام حیض است و حکم ایام حیض بر آن روز جاری است.

(۲۶۶): اگر زن در میان طواف حائض شود چنانچه قبل از تمام شدن نصف طواف باشد طوافش باطل میشود، و واجب است بعد از پاك شدن و غسل نمودن يك طواف کامل بجا آورد، و اگر پاك نمیشود تا گذشتن وقت عمره حکم او مانند حکم حائض قبل از احرام است که باید به حج افراد عدول کند.

و چنانچه حیض شدنش بعد از تمام شدن نصف طواف باشد آنچه از طواف بجا آورده صحیح است و واجب است بعد از پاك شدن و غسل نمودن باقیمانده و نماز آن را بجا آورده و طواف را

اعاده کند، و چنانچه وقت گنجایش نداشته باشد سعی و تقصیر را بجا آورد و برای حج محرم شود. و باید پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، باقیمانده از آن طواف و نمازش را بجا آورده، و قضاء طواف عمره را هم انجام دهد. و به احتیاط لازم بعد از قضاء طواف عمره سعی را اعاده نماید. و همین طور است حکم مواردی که قضاء طواف عمره به بعد از عرفات و منی موکول بشود.

(۲۶۷): هر گاه زن پس از طواف و قبل از نماز طواف حیض شود طوافش صحیح است، و نماز طواف را بعد از پاك شدن و غسل نمودن بجا آورد. و چنانچه وقت نداشت سعی و تقصیر را بجا آورد، و نماز طواف را بعد از برگشتن از عرفات و منی پیش از طواف حج قضاء نماید.

(۲۶۸): هر گاه زن بعد از طواف و نماز طواف فهمید که حیض شده، و نداند که پیش از طواف یا پیش از نماز طواف یا در اثناء یا بعد از آن دو بوده، بنا را بر صحت طواف و نماز طواف بگذارد. و چنانچه بداند قبل از نماز حیض شده و وقتش هم تنگ باشد سعی و تقصیر را بجا آورد، و نماز طواف را تا پس از پاك شدن و غسل تأخیر اندازد، و عمره اش صحیح است.

(۲۶۹): هر گاه زنی به مکه رسید و می توانست اعمال عمره را

بجا آورد ولی دانسته و عمدا بجا نیاورد تا حیض شد و وقت تنگ شد، عمره اش فاسد است. و احتیاط واجب این است که عدول به حج افراد نموده و پس از اعمال حج، عمره مفرده بجا آورد. و حج خود را در سال بعد اعاده نماید.

(۲۷۰): طواف مستحبی را میتوان بدون طهارت از حدث اصغر بجا آورد، ولی نماز طواف مستحبی را باید با طهارت بخواند.

(۲۷۱): کسی که معذور از وضوء یا غسل تمام است، مانند کسی که در دست و پایش شکستگی و زخمی است که پانسمان شده یا مانند زنی که در حال استحاضه است یا کسی که مرض سلس البول دارد (که بول قطره قطره از او خارج میشود) به همان دستوری که برای نماز طهارت مگیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است. اما مبطون (کسی که نمیتواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند) بنا بر احتیاط واجب در صورت توان شخصا طواف کند و نایب هم بگیرد.

۴ - طهارت از خبث، شرط سوم از شرایط طواف طهارت از خبث است (یعنی پاکی بدن و لباس). طواف با بدن یا لباس نجس صحیح نیست. و نجاستی که در نماز بخشیده شده (مانند خون کمتر از درهم) در طواف بخشوده نیست، بنا بر احتیاط لازم.

(۲۷۲): طواف کردن با بدن یا لباسی که در آن خون و خونابه زخم یا دمل هست اگر اجتناب از آن دشوار باشد، مانعی ندارد. و بر طرف کردنش لازم نیست و بنا بر احتیاط واجب برای طواف نایب نیز بگیرد. همچنین از به همراه داشتن چیز نجس در هنگام طواف باید خودداری کند، بنا بر احتیاط لازم.

(۲۷۳): چنانچه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمدانسته و پس از انجام طواف فهمیده، طوافش صحیح است و نیازی به اعاده نیست. و هم چنین است نماز طواف.

(۲۷۴): هر گاه نجاست بدن یا لباس خود را فراموش نموده و طواف کرد و بعد از طواف یادش آمد، بنا بر احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند. و چنانچه بعد از نماز طواف یادش بیاید که بدن یا لباسش نجس بوده باید نماز طواف را اعاده کند.

(۲۷۵): هر گاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمدانست و در میان طواف فهمید نجس است، یا این که بدن و لباسش پاك بود ولی قبل از پایان طواف نجس شد، اگر جامه پاکی دارد همانجا لباس نجس را کنده و با جامه پاك طواف را تمام کند، و گرنه در صورت امکان بدون رها کردن طواف بدن و لباسش را تطهیر کند و طواف را ادامه دهد. و چنانچه لباس پاك همراه ندارد و

نمیتواند لباس و بدنش را بدون رها کردن طواف تطهیر نماید اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم بود طواف را قطع کند و نجاست را بر طرف نماید و بعد از تطهیر باقیمانده طواف را بجا آورد، و اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم بود طواف را قطع کند و نجاست را بر طرف نماید و بعد از تطهیر باقیمانده طواف را بجا آورد و نماز طواف را بخواند و بعد دوباره يك طواف کامل و نماز طواف بجا آورد.

۵ - مختون بودن: طواف کننده مرد یا پسر نا بالغ ممیز باید مختون باشد. اما اگر ممیز نباشد یا احرامش را ولیش ببندد مختون بودنش معتبر نیست، هر چند احتیاط مستحب است.

(۲۷۶): چنانچه محرم، ختنه نشده طواف نماید طوافش کافی نیست، خواه بالغ باشد خواه نا بالغ ممیز، و چنانچه طواف را ختنه شده اعاده نکند مانند کسی است که طواف را ترك کرده باشد.

(۲۷۷): هر گاه مکلف ختنه نشده مستطیع شود باید در همان سال خود را ختنه کرده و به حج برود. و چنانچه ممکن نباشد حج را تا سال بعد تأخیر بیندازد. و اگر به خاطر ضرر یا مشقت یا اذیت، اصلاً متمکن از ختنه نباشد لازم است حج را بجا بیاورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید علاوه بر این که شخصاً طواف میکند

نایب نیز بگیرد، و نماز طواف را خودش هم بجا آورد.
۶ - ستر عورت: باید طواف کننده عورت خود را بپوشاند. و ساتر باید مباح، و بنابر احتیاط لازم دارای همه شرایط لباس نمازگزار باشد.

۷ - مباح بودن لباس: هر چه طواف کننده در حال احرام پوشیده - لباس یا کفش و مثل آنها - باید مباح باشد. و پوشیدن هر چیز غیر مباح و غصبی سبب بطلان طواف است.
کیفیت طواف

هفت چیز در طواف واجب است:

اول: آن که از حجر الاسود شروع شود. و برای این کار باید قبل از حجر الاسود نیت نماید، که طواف را از جایی که محاذات واقعی است بجا ماورم و زیادتر از آن برای یقین به محاذات باشد.

دوم: آن که هر شوط به حجر الاسود ختم شود، و در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد تا یقین حاصل کند که هفت شوط را کامل بجای آورده است.

سوم: آن که کعبه را در همه حالات طواف، طرف چپ خود قرار دهد. و اگر کعبه به جهت بوسیدن ارکان یا به خاطر ازدحام،

روبرو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار، از طواف
شمرده نمیشود، و باید برگردد و از همان جایی که از محاذات
کعبه منحرف شده اعاده نماید بطوری که کعبه در طرف چپش
قرار گیرد. و چنانچه نتوانست برگردد، آن مکان را نشان کند و
شوط را بدون نیت تمام نماید تا این که به همانجا برسد، و با نیت
طواف را بطوری که کعبه در طرف چپش قرار گیرد تمام کند.
و معیار آنست که عرفاً صدق کند کعبه طرف چپ او است، ولی
در طرف حجر اسماعیل و گوشه های کعبه باید مواظب باشد که
طرف چپ او از کعبه منحرف نشود.
چهارم: آن که حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این
معنی که دور حجر اسماعیل بگردد و داخل حجر نشود.
پنجم: آن که تمام بدن طواف کننده بیرون از کعبه باشد. و
شاذروان - دیوار کوتاهی دور تا دور کعبه بطور شیب - نیز جزء
کعبه است، و نباید بدن طواف کننده روی آن قرار گیرد.
ششم: آن که هفت بار دور کعبه طواف کند. و کمتر از آن
هر چند اندک باشد کافی نیست. و بیشتر از هفت دور هم اگر
عمدی باشد طواف را باطل میکند، چنان که خواهد آمد.
هفتم: آن که آن هفت دور متوالی و پی در پی باشد.

هشتم: آن که دو طواف واجب را پشت سر هم انجام ندهد. و باید پس از اتمام هر هفت شوط، نماز طواف را بخواند، سپس اگر بخواهد طواف دیگر کند.

(۲۷۸): طواف باید بین محل مقام ابراهیم (علیه السلام) و خانه خدا باشد، و از هر طرف در این مسافت طواف کند. و فاصله آن تا کعبه بیست و شش ذراع و نیم است، و ذراع حدود نیم متر است. اما چون حجر اسماعیل داخل مطاف است در طرف حجر فاصله مطاف از حجر محاسبه میگردد نه از کعبه، هر چند بهتر است در طرف حجر هم بیش از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود.

(۲۷۹): هر گاه طواف کننده از مطاف بیرون رود یا وارد کعبه شود طوافش باطل و اعاده آن لازم است، و بهتر این است در صورتی که بیرون رفتنش بعد از گذشتن از نصف طواف بوده طواف خود را تمام نموده و نماز طواف را بخواند سپس طواف خود را بطور کامل اعاده کند.

(۲۸۰): چنانچه هنگام طواف روی شاذروان برود، آن مقدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است. و احتیاط واجب این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام کند و نماز طواف را بخواند، و سپس از اول، طواف و نمازش را اعاده

نماید. و نیز احتیاط لازم این است که هنگام طواف، دست خود را از طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن درازا نکند.

(۲۸۱): هر گاه طواف کننده، داخل حجر اسماعیل شود شوطی که رفتن در حجر در آن بوده باطل است، و لازم است اعاده شود. و بهتر این است که طواف را تمام کرده و نماز طواف را بخواند، و طواف و نمازش را اعاده کند. و در حکم رفتن در حجر است بالا رفتن بر دیوار حجر، بنابر احتیاط لازم، بلکه احتیاط مستحب این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد.

(۲۸۲): اگر طواف کننده پیش از گذشتن از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، در صورتی که موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است. و در صورتی که موالات فوت نشود یا خروجش بعد از گذشتن از نصف طواف باشد، احتیاط واجب این است که طواف را تمام نموده و نماز بخواند سپس طواف و نمازش را اعاده کند.

(۲۸۳): اگر در میان طواف محدث شود جایز است بیرون رفته، تطهیر نموده، و برگشته و طواف خود را تمام نماید. و هم چنین است بیرون رفتن برای ازاله نجاست از بدن یا لباس. و اگر زنی در میان طواف حائض شود واجب است طواف را

قطع نموده و فوراً از مسجد بیرون برود، و وظیفه چنین افرادی در مسائل شرایط طواف بیان شد.

(۲۸۴): هر گاه طواف کننده به علت سردی یا دل‌درد و مانند اینها به ناچار طواف خود را قطع کرد و از مطاف بیرون رفت، اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و چنانچه بعد از آن بوده احتیاط واجب این است که برای باقیمانده نایب گرفته و نیز شخصاً بعد از رفع عذر باقیمانده طوافش را بجا آورد و نماز طواف بخواند سپس طواف و نمازش را اعاده کند.

(۲۸۵): طواف کننده میتواند برای عیادت مریض یا رفع حاجت خود یا برادر دینی خود از مطاف بیرون برود، ولی لازم است در صورتی که طواف واجب بجا مآورد و يك یا دو شوط بجا آورده، طواف را اعاده کند. و در صورتی که بیرون رفتنش بعد از شوط سوم بوده احتیاط واجب این است که طواف را تمام کرده و نماز آن را بخواند سپس طواف و نماز آن را اعاده کند.

(۲۸۶): نشستن در میان طواف، جهت استراحت و رفع خستگی جایز است. اما نباید به اندازه ای باشد که موالات عرفیه از بین برود، و در این صورت طوافش باطل، و لازم است از سر بگیرد.

حکم نقص در طواف

(۲۸۷): هر گاه عمدا مقداری از طواف را کم کند، طوافش باطل است، ولی تا از مطاف بیرون نرفته متواند کمبود را جبران کند، به شرطی که موالات عرفیه فوت نشود، و چنانچه از مطاف بیرون رفته باشد حکمش سابقا بیان شد.

(۲۸۸): هر گاه مقداری از طواف را سهوا کم کرد، چنانچه قبل از فوت موالات یادش بیاید و از مطاف خارج نشده باشد، کمبود را بجا آورد و طوافش صحیح است. و چنانچه بعد از فوت موالات یا خارج شدن از مطاف یادش بیاید و مقدار فراموش شده يك شوط باشد، همان را بجا آورد، و طوافش صحیح است. و اگر شخصا نتواند کمبود را انجام دهد، هر چند به خاطر آن که بعد از برگشتن به وطن یادش آمده باید دیگری را نایب کند که از جانب او بجا آورد. و اگر مقدار فراموش شده بیش از يك و کمتر از چهار شوط باشد مبیاست برگشته و کمبود را شخصا بجا آورد، و بهتر است که پس از بجا آوردن کمبود طواف و خواندن نماز آن، طواف و نمازش را بار دیگر اعاده کند. و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را تمام نموده سپس نماز آن را بخواند، و دوباره طواف و نمازش را بجا آورد.

زیادی در طواف

(۲۸۹): زیادی در طواف پنج صورت دارد:

- ۱ - آن که طواف کننده، مقدار زیاد شده را، به قصد طوافی که مشغول است یا طواف دیگری بجا نیاورده باشد، در این صورت طوافش بواسطه این زیادی باطل نخواهد شد.
- ۲ - آن که هنگام شروع به طواف یا در میان چنین قصد کند که زیادی، جزء طوافش بوده باشد (یعنی بنا داشته که طواف را هشت شوط یا بیشتر نماید)، در این صورت طوافش باطل است و لازم است اعاده نماید.
- ۳ - آن که زیادی را پس از پایان طواف به قصد جزئیت همین طواف انجام دهد، در این صورت نیز طوافش باطل است.
- ۴ - آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگر بجا آورده و طواف دوم را تمام کرده باشد، در این صورت هر دو طواف باطل است، زیرا دو طواف واجب را پشت سر هم آورده، که جایز نیست.
- ۵ - آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگر انجام دهد، و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه در طواف اول زیادی هست و نه جمع بین دو طواف واجب، ولی گاهی طواف به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل میشود، و آن

در صورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در میان آن، با آن که مداند جمع بین دو طواف حرام و باطل کننده طواف است، آن را قصد نماید، که قصد تقرب با قصد حرام جمع نمیشود، هر چند اتفاقاً حرام (جمع بین دو طواف) انجام ندهد. (۲۹۰): هر گاه سهواً بیش از هفت شوط طواف نماید، چنانچه زیادی کمتر از يك شوط است، آن را قطع کند و طوافش صحیح است، هر چند طواف واجب باشد؛ گرچه احتیاط غیر لازم اعاده طواف است. و چنانچه زیادی يك شوط یا بیشتر باشد باقی آن را تا يك طواف کامل تمام نماید و نماز طواف را بجا آورد. و احتیاط آن است که پس از طواف و نماز طواف، اول سعی نماید و نماز طواف دوم را بعد از سعی بجا آورد، و بهتر و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از فراغ از همه اینها بار دیگر طواف نماید. شك در عدد اشواط

(۲۹۱): هر گاه بعد از تمام شدن طواف و تجاوز از محل، شك نماید که آیا طواف هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده به شك خود اعتناء نکند، مثل کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند. و هم چنین است اگر قبل از نماز شك کند ولی از مطاف بیرون رفته، یا عملی انجام داده باشد که تجاوز از محل صدق کند.

(۲۹۲): هر گاه یقین داشته باشد که هفت شوط بجا آورده و شك کند زیادت‌تر بوده یا نه - مثلا احتمال بدهد که شوط آخری شوط هشتم بوده - چنانچه شكش بعد از تمام شدن شوط آخر باشد یعنی به حجر الاسود رسیده، بنابر احتیاط واجب باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نمازش را اعاده کند، و چنانچه شكش قبل از تمام کردن شوط آخر باشد طوافش باطل است. و احتیاط مستحب این است که به قصد رجاء تمامش کند و نماز طواف بخواند، سپس طواف و نمازش را اعاده نماید.

(۲۹۳): هر گاه بین شش و هفت، یا پنج و شش، و هم چنین عددهای کمتر، شك کند طوافش باطل است. و احتیاط غیر لازم آنست که بنا را بر اقل بگذارد، و طواف را تمام کرده نماز طواف بجا آورد سپس دوباره طواف و نمازش را اعاده نماید. و هم چنین است اگر شك کند که شش شوط بجا آورده یا هشت شوط.

(۲۹۴): اگر بین شش و هفت شك نمود و به خاطر ندانستن حکم بنا را بر شش گذاشت و طواف را تمام کرد، لازم است نماز طواف را بجا آورد و طواف را اعاده کند. و چنانچه بر نادانی خود باقی ماند تا وقتی که تدارکش ممکن نباشد، طوافش بدون اشکال صحیح است، به جهت حدیث صحیح در این موضوع.

(۲۹۵): طواف کننده متواند به رفیق و همراه خود در حفظ شماره شوطها اعتماد کند، در صورتی که رفیق و همراهش یقین داشته باشد، مثلا در صورت شك اگر رفیق انسان بگوید این شوط پنجم است میشود بر گفته او اعتماد کرد و دو شوط دیگر بجا آورد. (۲۹۶): هر گاه در طواف مستحبی شك نماید مختار است بین این که بنا را بر اقل بگذارد یا اکثر، و طوافش صحیح است. هر چند مستحب و احتیاط غیر لازم این است که بنا را بر کمتر بگذارد. (۲۹۷): اگر دانسته و از روی عمد یا ندانستن حکم، طواف عمره تمتع را ترك نماید و نتواند پیش از وقوف به عرفات تدارك کند عمره اش باطل است، و واجب است حج را در سال بعد اعاده نماید، و بنا بر احتیاط واجب باید عدول به حج افراد نماید. و هر گاه از روی عمد یا ندانستن حکم طواف حج را ترك نماید و تداركش ممکن نباشد حجتش باطل است، و باید در سال بعد اعاده کند، و در همان سال ترك طواف يك شتر كفاره بدهد. و برای بیرون آمدن از احرام در همه این موارد عمره مفرده بجا آورد.

(۲۹۸): هر گاه طواف را فراموش کرد، بعد از این که یادش آمد تداركش واجب است. و چنانچه بعد از گذشت وقتش یادش آمد

باید قضای آن را بجا آورد و حج او صحیح است. و احتیاط واجب این است که بعد از قضای طواف و نماز آن، سعی را هم انجام دهد. و اگر زمانی یادش بیاید که قضاء نمودن آن ممکن نباشد (مثل این که بعد از بازگشت به وطن یادش آمد) واجب است نایب بگیرد. و احتیاط لازم این است که نایب پس از طواف و نماز آن، سعی را نیز بجا آورد.

(۲۹۹): اگر طواف را فراموش نمود و به وطن خود بازگشت، و با عیال خود نزدیکی کرد، سپس یادش آمد، چنانچه طواف فراموش شده طواف حج باشد لازم است يك قربانی به منی بفرستد، و چنانچه طواف عمره باشد لازم است يك قربانی به مکه بفرستد و در این قربانی گوسفند کافی است.

(۳۰۰): اگر طواف را فراموش کرده و در مکه و محرم است، باید با همان احرام قضای طواف را بجا آورد و حاجتی به تجدید احرام نیست، مگر این که در مکه باشد و از احرام بیرون آمده که به احتیاط غیر لازم دوباره احرام ببندد. و در صورتی که از مکه خارج شده و يك ماه یا بیشتر گذشته باشد لازم است برای ورود به مکه احرام تازه ببندد چنان که گذشت.

(۳۰۱): آنچه از محرمات احرام که بر طواف کننده حلال

میشود، بر فراموش کننده طواف حلال نمیشود تا آن را شخصا یا نایش قضاء کند.

(۳۰۲): چنانچه به جهت بیماری یا شکستگی و مانند آن شخصا نتواند طواف نماید لازم است به کمک دیگری طواف کند، هر چند به سوار شدن بر دوش او باشد. و چنانچه با کمک دیگری هم نتواند طواف کند واجب است نایب بگیرد که بجای او طواف کند. و همین طور نماز طواف را باید خودش بجا آورد و در صورت نتوانستن، دیگری را نایب بگیرد. و حکم زن حائض و نفساء در بحث شرایط طواف بیان شد.

۳ - نماز طواف

واجب سوم از واجبات عمره تمتع دو رکعت نماز طواف است، که مانند نماز صبح است. و اولی و بهتر آن است که در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بخواند. و مخیر است در بلند یا آهسته خواندن. و واجب است نماز را پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) بخواند. و در صورت عدم تمکن با مراعات نزدیکی به مقام از طرف پشت آن در هر جای مسجد میتواند بجا آورد. و نماز طواف مستحب را میتواند هر جای مسجد که بخواهد

بجا آورد، مگر جلوتر از مقام ابراهیم (علیه السلام).
(۳۰۳): کسی که دانسته و عمدا نماز طواف را بجا نیاورد حجتش باطل است.

(۳۰۴): نماز طواف باید هر چه زودتر بعد از طواف خوانده شود به گونه ای که در عرف نگویند بین طواف و نماز فاصله شده است.

(۳۰۵): هر گاه فراموش کرد نماز طواف بخواند و بعد از بجا آوردن سعی یادش آمد، باید فوراً نماز طواف را بخواند و اعاده سعی واجب نیست، هر چند احتیاط غیر لازم است. و چنانچه در میان سعی یادش آمد، باید سعی را قطع کرده و نماز طواف را در جائی که گفته شد بخواند، سپس از جائی که سعی را قطع کرده تمام نماید.

و اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش آمد، باید به مکه برگردد و نماز طواف را در جائی که گفته شد بخواند، و اگر نتواند به مکه برگردد همانجا بخواند، و به احتیاط غیر لازم نایب هم بگیرد که پشت مقام بخواند. و چنانچه مستواند به حرم برگردد بهتر و احتیاط غیر لازم این است که برگشته و نماز را در حرم بخواند. و حکم کسی که نماز طواف را به جهت ندانستن حکم نخوانده مانند حکم کسی است که فراموش کرده. و فرقی بین جاهل قاصر

و مقصر نیست.

(۳۰۶): هر گاه نماز طواف را فراموش کرد و تا دم مردن یادش نیامد و مرد، بر ولیش واجب است آن را قضاء نماید.
(۳۰۷): اگر قرائت نماز گزار غلط دارد باید آن را تصحیح کند. و اگر نتواند آن را درست کند به هر گونه که میتواند خودش بخواند. و بنا بر احتیاط واجب به جماعت بخواند و نایب هم بگیرد.
(۳۰۸): کسی که نمدانست قرائت نمازش درست نبوده، و در نادانی خود هم معذور باشد، نمازش صحیح است و نیازی به اعاده ندارد، حتی اگر بعد از نماز فهمید که قرائتش اشکال داشته. ولی اگر معذور نبوده لازم است طبق وظیفه ای که در مسأله قبل گفته شد نماز را اعاده کند.

۴ - سعی بین صفا و مروه

واجب چهارم از واجبات عمره تمتع سعی بین صفا و مروه است. و سعی عبارت است از رفت و آمد خاص بین صفا و مروه - که نام دو کوه کنار مسجد الحرام است - و آن از ارکان حج و عمره است، و ترك آن موجب بطلان آنها میشود.
(۳۰۹): سعی باید بعد از طواف و نماز آن بجا آورده شود. و اگر پیش از طواف یا نماز آن انجام گردد لازم است بعد از آنها اعاده

شود. و حکم کسی که طواف را فراموش کند و بعد از سعی یادش بیاید قبلاً گفته شد.

(۳۱۰): جایز نیست تأخیر سعی از طواف و نماز آن به فردای آن روز، مگر برای ضرورت. ولی اگر طواف را در روز انجام دهد میتواند سعی را در شب بجا آورد. هر چند احتیاط غیر لازم این است که سعی را از طواف و نماز آن به مقدار قابل توجه هم تأخیر نیاندازد، چه طواف و نماز را در روز بجا آورد چه در شب. (۳۱۱): نیت در سعی معتبر است به این معنی که اگر در عمره است به نیت عمره و اگر در حج است به نیت حج، و قربة الی الله بجا آورده شود. و نیز اگر به نیابت از دیگری بجا مآورد باید تعیین کند، ولی ستر عورت و طهارت از حدث یا خبث در آن شرط نیست، هر چند مستحب است که با طهارت باشد. شرایط سعی

(۳۱۲): سعی واجب هفت شوط است. و شوط يك بار رفتن از صفا به مروه یا بالعکس را گویند. و سعی از صفا شروع و در شوط هفتم به مروه ختم میشود. و سعی مستقلاً عمل مستحبی است، و در سعی مستحبی لازم نیست هفت شوط باشد، گرچه مستحب است. (۳۱۳): لازم نیست سعی بین صفا و مروه با پای پیاده باشد بلکه

سعی سواره بر حیوان یا دوش انسان یا چیزهای متداول در آنجا نیز جایز است، ولی در هر حال باید شروع از صفا و ختم به مروه باشد. (۳۱۴): لازم است سعی بین صفا و مروه از راه متعارف باشد. و رفتن از داخل مسجد یا راه دیگر، به صفا یا مروه کافی نیست. اما واجب نیست رفت و آمد در يك خط مستقیم باشد، گرچه بهتر و احتیاط غیر لازم این است که در خط مستقیم و وسط سعی برود.

(۳۱۵): در سعی واجب است هنگام رفتن به سوی مروه، روبروی خود قرار دهد، و نیز در بازگشت از مروه به صفا باید رو به صفا باشد، پس اگر هنگام سعی بطور عقب گرد برود کفایت نمکند. ولی گرداندن صورت به طرف راست و چپ و پشت سر هنگام سعی مانعی ندارد.

(۳۱۶): نشستن روی صفا یا مروه یا در بین آنها هنگام سعی به جهت استراحت مانعی ندارد، هر چند احتیاط مستحب این است که بین آن دو ننشیند.

احکام سعی

سابقاً گفته شد که سعی از ارکان حج است، و ترك آن عمداً، چه عالم باشد و چه جاهل مقصر - چنانچه تا قبل از وقوف به عرفات تدارك نشود - موجب بطلان حج میشود. ولی احرامش

باطل نمیشود و باید عدول به حج افراد نموده و عمره مفرده بجا آورد، و واجب است در سال بعد حج را اعاده نماید. (۳۱۷): اگر سعی را فراموش کند باید هر وقت یادش آمد انجام دهد، گرچه پس از اتمام اعمال حج یا بعد از ماه ذی الحججه باشد. و در صورتی که شخصا نتواند یا برایش مشقت داشته باشد باید نایب بگیرد. و حجش صحیح است.

(۳۱۸): کسی که شخصا پیاده یا سواره، نتواند سعی را انجام دهد باید نایب بگیرد که از طرف او سعی بجا آورد و حجش صحیح است. (۳۱۹): زیادی در سعی مانند زیادی در طواف چنانچه دانسته و عمدا باشد سعی را باطل میکند، ولی اگر حکم را نمدانسته سعی اش به سبب زیادی باطل نمیشود، هر چند احتیاط غیر لازم در اعاده آن است.

(۳۲۰): هر گاه اشتباهی در سعی زیاد نمود سعی اش درست است. و چنانچه زیادی کمتر از يك شوط است آن را رها کند، و اگر زیادی يك شوط کامل باشد منخیر است بین رها کردن و تمام کردن، که شش شوط دیگر به آن اضافه نماید تا يك سعی کامل غیر از سعی اول شود، و ختم سعی دوم به صفا است. و چنانچه زیادی بیش از يك شوط باشد تمام نمودن آن به قصد

رجاء مانعی ندارد.

(۳۲۱): هر گاه عمدا از سعی خود کم کرد، چه حکم را بداند یا نداند، و تا قبل از وقوف به عرفات انجام نداد، حجش باطل میشود، و باید عدول به حج افراد نموده و عمره مفرده بجا آورد، و سال آینده حج را اعاده کند.

و چنانچه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده باشد واجب است بقیه را هر وقت یادش آمد انجام دهد، هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد. و در صورتی که شخصا نتواند انجام دهد یا سخت باشد واجب است نایب بگیرد، مثل این که بعد از بازگشت به وطن یادش بیاید.

و اگر نقصان سعی قبل از شوط چهارم بوده و فراموش کرده، احتیاط واجب این است که آن را تمام نموده و سپس سعی را بطور کامل اعاده کند، و در صورت دشواری نایب بگیرد.

(۳۲۲): اگر در عمره تمتع فراموش کرد مقداری از سعی را انجام دهد از احرام خارج نمیشود. و اگر به اعتقاد این که از سعی فراغت یافته با عیال خود نزدیکی نماید، یا ناخن خود را بگیرد، یا موی خود را بچیند، باید يك گاو کفاره بدهد. و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.

(۳۲۳): حکم شك در عدد شوطهای سعی مانند حکم شك در عدد شوطهای طواف است، پس هر گاه شك کند در عدد شوطهای سعی، سعی اش باطل است و باید از سر بگیرد.

(۳۲۴): شك در عدد شوطهای سعی بعد از تقصیر اعتبار ندارد. و اگر قبل از تقصیر باشد سعی را باطل میکند، و لازم است سعی را از سر بگیرد.

(۳۲۵): اگر هنگامی که در مروه است شك کند شوطی را که انجام داده هفتم بود یا نهم، به شك خود اعتناء نکند و سعی اش صحیح است. ولی اگر این شك در میان شوط پیدا شد (یعنی هنوز به مروه نرسیده) سعی اش باطل، و لازم است از سر بگیرد.

۵ - تقصیر

پنجم از واجبات عمره تمتع، تقصیر است، یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل. در تقصیر قصد تقصیر از احرام عمره یا حج قربه الی الله، معتبر است. و کندن مو جای چیدن را نمگیرد.

(۳۲۶): بیرون آمدن از احرام عمره تمتع فقط به تقصیر است، پس اگر بجای تقصیر، سر خود را بتراشد کافی نیست، بلکه سر تراشیدن بر تمتع حرام است. و چنانچه دانسته و عمدا بتراشد

باید يك گوسفند كفاره بدهد، و بنابر احتیاط لازم این حکم حتی در صورت ندانستن حکم نیز جاری است.

(۳۲۷): اگر از روی ندانستن حکم، بعد از سعی و قبل از تقصیر با عیال خود نزدیکی کند باید يك شتر كفاره بدهد.

(۳۲۸): قبل از تمام شدن سعی، تقصیر حرام است. و چنانچه کسی قبل از فراغت از سعی تقصیر نماید باید كفاره بدهد.

(۳۲۹): لازم نیست بعد از سعی بدون فاصله تقصیر کند هر چند احتیاط غیر لازم است. و شخص میتواند هر جا دلش خواست تقصیر نماید، خواه در مروه خواه در منزل خود و خواه در جاهای دیگر مکه، ولی مستحب است در مروه تقصیر کند.

(۳۳۰): اگر تقصیر را عمدا ترك نموده و برای حج احرام بست، عمره اش باطل است. و حج تمتعش بدل به حج افراد میشود و لازم است بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد. و احتیاط لازم این است که حج را در سال بعد اعاده کند.

(۳۳۱): کسی که از روی فراموشی تقصیر را ترك نمود، و برای حج احرام بست، عمره اش صحیح است، و باید يك گوسفند كفاره بدهد، بنابر احتیاط لازم.

(۳۳۲): همین که محرم در عمره تمتع تقصیر نمود، آنچه به

جهت احرام بر او حرام شده بود حلال مشود به جز سر تراشیدن، پس اگر عمره تمتع در ماه شوال بجا آورده شود سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است، ولی بعد از آن احتیاط لازم این است که سر تراشیده نشود، و چنانچه دانسته و عمدا تراشد باید يك گوسفند كفاره بدهد، بنابر احتیاط لازم. (۳۳۳): طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست، اما بجا آوردن آن به قصد رجاء اشکالی ندارد.

واجبات حج تمتع

واجبات حج تمتع سیزده عمل است:

۱ - احرام حج

اولین واجب از واجبات حج تمتع احرام است. و زمان آن از وقتی است که از عمره فارغ مشود تا وقتی که بتواند خود را به وقوف در عرفات برساند. و مستحب و احتیاط غیر لازم این است که روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) محرم شود، و بهترین زمان در روز ترویبه بعد از زوال و بجا آوردن نماز ظهر و عصر است. و سه روز قبل از روز ترویبه نیز جایز است. خصوصا برای پیر مردان و بیماران در صورتی که از ازدحام بترسند، که این دو دسته محرم میشوند و قبل از بیرون رفتن مردم از مکه بیرون مروند. و گفته

شد که بیرون رفتن از مکه با احرام حج به خاطر ضرورت، بعد از فراغ از عمره هر وقت باشد جایز است.

(۳۳۴): شخصی که عمره بجا آورد جایز نیست قبل از تقصیر، برای حج احرام ببندد. و کسی که برای حج محرم شد جایز نیست قبل از تمام شدن اعمال حج، برای عمره مفرده احرام ببندد. ولی احرام بستن برای عمره مفرده پس از اعمال حج و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.

(۳۳۵): زمان احرام حج وقتی تنگ میشود که تأخیرش باعث نرسیدن به وقوف در عرفات در روز عرفه (نهم ذی الحجه) شود.

(۳۳۶): احرام حج در کیفیت و واجبات و محرمات مانند احرام عمره است، و اختلاف بین آنها فقط در نیت است.

(۳۳۷): واجب است احرام حج تمتع در مکه باشد. و مستحب و احتیاط غیر لازم این است که از مسجد الحرام، در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل محرم شود.

(۳۳۸): کسی که احرام حج را از روی فراموشی یا ندانستن حکم ترك نموده و از مکه بیرون رفته، سپس یادش بیاید یا حکم را بداند، واجب است به مکه برگردد (هر چند از عرفات باشد) و از مکه محرم شود. و چنانچه به جهت تنگی وقت یا عذر دیگری

نتواند به مکه برگردد از همان جائی که هست محرم شود، و احتیاط لازم آن است به مقداری که فوت وقوف در عرفات نشود به سوی مکه برگردد، چنان که در احرام عمره گذشت. و اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد باید از جائی که هست احرام بیند هر چند متمکن از بازگشت به مکه و احرام از مکه باشد. و چنانچه اصلاً یادش نیاید و حکم را ندانست تا از اعمال فارغ شد حش صحیح است.

(۳۳۹): کسی که احرام حج را دانسته و عمداً ترك کند لازم است تدارك نماید. و اگر پیش از وقوف به عرفات نتواند محرم بشود حش باطل و لازم است سال بعد اعاده نماید.

(۳۴۰): محرم به احرام حج تمتع نباید قبل از رفتن به عرفات طواف مستحبی بجا آورد، بنابر احتیاط لازم. و اگر طواف مستحبی نمود بعد از طواف بنابر احتیاط واجب باید تلبیه را تجدید کند.

۲ - وقوف در عرفات

دومین واجب حج تمتع وقوف در عرفات در روز نهم ذی الحجه (روز عرفه) است.

برای وقوف باید نیت کند. یعنی وقوف قربة الی الله و برای حج تمتع - و دیگر چیزهایی که در نیت معتبر است - میباشد.

و مراد از وقوف حاضر بودن در عرفات است بدون مرور، چه این حضور سواره باشد یا پیاده، چه در حال حرکت و چه آرام، هر چند مستحب است که با حال سکینه و وقار و خضوع برای خداوند متعال باشد.

(۳۴۱): برای صحرای عرفات حدودی معین شده که نام آنها ثویة (بطن عرفه) و ذی المجاز و مأزمین (اقصى الموقف) است، و خارج از موقف میباشند.

(۳۴۲): کوه (جبل) الرحمه در صحرای عرفات از موقف است، ولی مکروه است وقوف بر آن، و مستحب است وقوف در دامنه آن باشد. و مکروه است وقوف نزد اراک و نزد الهبضات.

(۳۴۳): وقوف در عرفات باید با نیت و اختیار باشد، پس اگر در عرفات در مجموع وقت، خواب یا بیهوش باشد وقوف را بجا نیاورده. ولی اگر نیت وقوف به عرفات نموده و با این نیت خواب رفته و خواب بماند تا وقت خارج شود بعید نیست وقوف حاصل شده و کافی باشد، حتی اگر قبل از ظهر بخوابد.

(۳۴۴): رکن حج وقوف مختصر در عرفات، بعد از ظهر روز عرفه است، و به ترك آن حج باطل میشود. و وقوف در عرفات از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب واجب است. و کسی که

تمام این وقت را در عرفات نباشد معصیت کرده است، ولی حجش باطل نخواهد شد، اما اگر از روی عمد اصلاً وقوف نکند حجش باطل میشود. پس رکن وقوف مختصر است هر چند لحظه ای باشد، نه وقوف در تمام وقت، گرچه وقوف در تمام وقت واجب است. (۳۴۵): کسی که به جهت فراموشی یا ندانستن حکم یا عذر موجه دیگری وقوف اختیاری (از ظهر تا غروب) را درک نکرد وقوف اضطراری (مقداری از شب عید) بر او لازم است. و حد آن تا طلوع فجر روز عید است. و با این وقوف حجش صحیح خواهد بود. و اگر این وقوف را عمداً ترك کند حجش باطل میشود. (۳۴۶): کوچ کردن از عرفات، قبل از غروب آفتاب دانسته و عمداً حرام است، ولی حج را باطل نمیکند. و کسی که کوچ کرد و پشیمان شد و برگشت چیزی بر او نیست، ولی اگر برگشت باید يك شتر كفاره بدهد، و در منی آن را بکشد. و چنانچه نتواند يك شتر كفاره بدهد باید هیجده روز پی در پی روزه بگیرد، بدون فرق بین این که در سفر روزه بگیرد یا در حضر، و نیز در مکه بگیرد یا در محل خودش. و این حکم نسبت به کسی که از فراموش کرده یا حکم را نمدانست و قبل از غروب کوچ کند نیز جاری است. یعنی اگر یادش آمد یا حکم را یاد گرفت باید برگردد، و اگر

بر نگشت بنا بر احتیاط واجب باید يك شتر كفاره بدهد، و اگر نتوانست هیچده روز روزه بگیرد.
(۳۴۷): واجب است راجع به هلال ماه ذی الحجّه تحقیق شود، و در صورت عدم ثبوت شرعی همراه با مردم به عرفات رود، و در صورتی که بر جان و مال خود نترسد بنا بر احتیاط واجب عمل به وظیفه واقعی هم بنماید.

۳ - وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)

از اعمال حج تمتع و واجب سوم آن وقوف در مشعر الحرام است از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم ذی الحجّه. حدود مشعر از مازمین تا حیاض و وادی محسر است، که در آنها نباید وقوف نمود، مگر در صورت ازدحام جمعیت و تنگی وقت که باید از مازمین بالا رفت.

وقوف در مشعر الحرام هم باید با نیت وقربة الی الله باشد.

(۳۴۸): غیر از وقوف بین الطلوعین، بیتوته (شب ماندن) هم، در مشعر در شب عید قربان واجب است، بنا بر احتیاط لازم. و نباید عمداً کوچ از عرفات به مشعر را تا طلوع فجر تأخیر بیندازد.

(۳۴۹): بایستی بیتوته و وقوف در مشعر با نیت باشد وقربة الی الله، و هنگام طلوع فجر روز عید قربان باید جهت وقوف بین

الطلوعین در مشعر تجدید نیت کند، مگر این که از شب قصد کند که شب را در مشعر ممانم و بین الطلوعین را نیز خواهم ماند، و همین نیت کفایت میکند.

(۳۵۰): رکن حج وقوف مختصر مشعر در بین الطلوعین روز عید قربان است، یعنی مقداری از بین الطلوعین را در مشعر بماند، و در این مدت سالم باشد از جنون و بیهوشی و سستی و خواب حش صحیح است؛ و چنانچه تمام زمان بین الطلوعین را نماند و زودتر از طلوع آفتاب کوچ کند معصیت کرده، و باید يك گوسفند کفاره بدهد، ولی حش صحیح است.

(۳۵۱): وقوف در مشعر دو قسم است: اختیاری و اضطراری. اختیاری وقوف در بین الطلوعین روز عید قربان است. و اضطراری وقوف مشعر دو وقت است: اول شب عید قربان، و دوم بعد از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید قربان.

(۳۵۲): کسی که اختیاراً وقوف بین الطلوعین را اصلاً بجا نیاورد حش باطل میشود، ولی زنان و کودکان و اشخاص ضعیف مانند پیر مردان و بیماران و نیز کسی که از دشمن مترسد، میتوانند شب عید مقداری وقوف نموده و قبل از طلوع فجر به منی کوچ کنند، به شرط آن که نیت وقوف شب را داشته باشند. و

بنابر احتیاط غیر لازم قبل از نیمه شب از مشعر بیرون نروند. و همچنین حمله دار و کارمند کاروان متوانند از مشعر خارج شوند به شرط آن که در بیرون رفتن، بر مقدار ضرورت اقتصار کنند، و قبل از طلوع فجر به مشعر باز گردند.

(۳۵۳): کسی که شب عید را در مشعر وقوف نموده، و حکم را نمدانسته قبل از طلوع فجر کوچ نماید، حجش صحیح است، ولی باید يك گوسفند كفاره بدهد.

(۳۵۴): کسی که فراموش کند یا به عذر دیگری نتواند بین الطلوعین وقوف اختیاری مشعر کند، وقوف اضطراری بعد از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید کافی است، به شرط آن که از شب نیت وقوف داشته باشد، و اگر آن را عمدًا ترك کند حجش فاسد خواهد شد.

احکام وقوف به عرفات و مشعر یا یکی از آنها هر گاه مکلف وقوف اختیاری عرفات و مشعر را درك نماید حجش صحیح است. و اگر درك نکند چند صورت دارد:

اول: آن که هیچ يك از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درك نکند؛ در این صورت حجش باطل است و اگر گوسفند همراه او باشد باید قربانی کند، و مستحب است با حاجیان در منی بماند. و هنگامی که به مکه برگشت باید با همان احرام حج، عمره

مفردہ بجا آورد و از احرام بیرون آید. و چنانچه از سالهای قبل
مستطیع بوده یا استطاعتش باقی ماند باید در سال بعد حج نماید.
دوم: آن که وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را درك
نماید؛ در این صورت حجش صحیح است.
سوم: آن که وقوف اضطراری عرفات و اختیاری مشعر را درك
کند؛ در این صورت نیز حجش صحیح است.
چهارم: آن که وقوف اضطراری هر يك از عرفات و مشعر را
درك نماید؛ در این صورت حجش صحیح است، و اگر از سالهای
قبل مستطیع بوده یا استطاعت تا سال بعد باقی بماند بنا بر احتیاط
واجب اعاده نماید.
پنجم: آن که فقط وقوف اختیاری مشعر را درك کند؛ در این
صورت نیز حجش صحیح است.
ششم: آن که فقط وقوف اضطراری مشعر را درك کند؛ چنانچه
وقوف اضطراری شب عید یا وقوف اضطراری پیش از ظهر روز
عید را درك کند حجش صحیح است.
گرچه بنا بر احتیاط غیر لازم در هر دو صورت حج را در سال
بعد اعاده کند.
هفتم: آن که فقط وقوف اختیاری عرفات را درك کند؛ چنانچه از

مشعر عبور کرده و عدم وقوفش در مشعر به خاطر ندانستن حکم یا موضوع باشد، بعید نیست حجش صحیح باشد، به خصوص اگر در مشعر ذکر خدا نموده است، گرچه احتیاط غیر لازم اعاده حج است. و اگر بتواند وقوف اضطراری قبل از ظهر عید را درك کند باید برگردد و قدری توقف کند، در این صورت حجش بی اشکال صحیح است. ولی اگر از مشعر عبور نکرده یا عبور کرده و عمداً وقوف ننموده، حجش باطل است و باید عدول به عمره مفرده نماید. هشتم: آن که فقط وقوف اضطراری عرفات را درك نماید؛ در این صورت حجش باطل است و بدل به عمره مفرده میشود. واجبات حج در منی مکلف باید از مشعر به منی رود و اعمالی را که در آنجا واجب است انجام دهد. و اعمال آن سه چیز است:

۴ - رمی جمره عقبه
واجب چهارم حج رمی جمره عقبه در منی است، در روز عید. و در صحت رمی چند چیز معتبر است:

۱ - نیت و قصد قربت، که تعیین کند رمی برای حج تمتع است یا افراد، برای خودش است یا برای منوب عنه، وقربة الی الله رمی را انجام دهد.

- ۲ - زدن هفت سنگ ریزه، که کمتر از آن کافی نیست.
- ۳ - زدن سنگ ریزه ها یکی پس از دیگری باشد. و زدن دو تا یا بیشتر در يك دفعه کافی نیست. و همچنین است بنا بر احتیاط لازم اگر جدا جدا زد ولی با هم به جمره خوردند.
- ۴ - رسیدن سنگ ریزه ها به جمره.
- ۵ - آن که سنگ ریزه ها را به جمره پرتاب کند، و گذاشتن آنها بر جمره کافی نیست. و اگر سنگ ریزه به چیزی بر خورد کرد سپس به جمره رسید بنا بر احتیاط لازم کافی نیست.
- ۶ - آن که رمی بین طلوع و غروب آفتاب (در روز) باشد. و زنان و کسانی که کوچ از مشعر برایشان جایز است میتوانند شب عید رمی جمره کنند، ولی بنا بر احتیاط مستحب اگر میتوانند در روز رمی کنند یا نایب بگیرند.
- (۳۵۵): هر گاه شك کند که سنگ ریزه به جمره رسید یا نه، یا شك کند دارای شرایط بود یا نه، باید بنا بگذارد بر این که نرسیده و یا دارای شرایط نبوده و باید سنگ دیگری بزند، اما اگر بعد از برگشتن از محل رمی یا مشغول شدن به واجب دیگری یا پس از فرا رسیدن شب شك کند به شك خود اعتناء نکند.
- (۳۵۶): زدن چیز دیگر غیر از سنگ ریزه کفایت نمکند، و در

سنگ ریزه دو چیز معتبر است:

۱ - از سنگهای حرم باشد، و مستحب است که از مشعر بردارد.

۲ - آن که قبلا برای رمی استعمال نشده باشد.

(۳۵۷): مستحب است سنگها رنگین و خال دار و سست و به مقدار يك بند انگشت باشند.

(۳۵۸): مستحب است انسان در حین رمی پیاده و با طهارت باشد، و در محل رمی آل محمد (علیهم السلام) و بنی هاشم باشد.

(۳۵۹): اگر کسی از روی ندانستن حکم یا فراموشی، در روز

عید رمی جمره نکرد، لازم است تا روز سیزدهم هر وقت یادش آمد یا حکم را فهمید، تدارك نماید. و چنانچه شب یادش باید فردا رمی کند، و این در صورتی است که از کسانی نباشد که رمی

در شب برایشان جایز است که حکمش مآید. و اگر پس از روز

سیزدهم حکم را دانست یا یادش آمد که رمی نکرده احتیاط لازم

این است که به منی رفته و رمی کند، و در سال بعد نیز رمی را

خودش یا نایش بجا آورد. و چنانچه بعد از بیرون رفتن از مکه

دانست یا یادش آمد برگشتن بر او واجب نیست، بلکه بنابر احتیاط

واجب باید در سال بعد خودش یا نایش رمی را بجا آورد.

(۳۶۰): چنانچه از روی فراموشی یا ندانستن حکم روز عید

رمی جمره نکرد، و پس از طواف حج حکم را فهمید یا یادش آمد و تدارك نمود، اعاده طواف حج بر او واجب نیست، هر چند احتیاط غیر لازم اعاده طواف حج است. ولی اگر ترك رمی از روی علم و عمد باشد طوافش باطل است، و واجب است بعد از تدارك نمودن رمی، طواف را اعاده کند.

۵ - قربانی کردن در منی

واجب پنجم حج و دوم واجب منی قربانی کردن در منی است. یعنی شتری را نحر، یا گاو یا گوسفند یا بز را ذبح کنند (نحر کشتن شرعی شتر و ذبح کشتن شرعی غیر شتر است). و باید با قصد قربت و در روز واقع شود مگر کسی که بترسد، پس میتواند شب قربانی کند.

واجب است قربانی بعد از رمی باشد. اما اگر فراموش کرد یا نمدانست و قبل از رمی قربانی کرد صحیح است و اعاده لازم نیست. و باید قربانی در زمین منی باشد، و در غیر آن مثل وادی محسر کفایت نمکند اختیارا.

(۳۶۱): بنابر احتیاط لازم باید در روز عید قربان، قربانی کند. اما اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم یا عذر دیگری ترك نمود باید تا آخر ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی

الحجه) تدارك نمايد. و چنانچه عذر او مستمر بود ميتواند تا آخر ماه ذى الحجه تأخير اندازد. و اگر بعد از طواف دانست يا يادش آمد و تدارك نمود واجب نيست طواف را اعاده كند، هر چند اعاده اش احتياط غير لازم است.

و اگر عمدا و دانسته قربانى نكرد و طواف نمود طوافش باطل است، و واجب است بعد از قربانى طواف را اعاده نمايد.

(۳۶۲): هر نفر بايد يك قربانى بکند و نمى شود يك قربانى براى دو نفر يا بيشتري باشد.

(۳۶۳): قربانى بايد شتر، يا گاو، يا گوسفند باشد. و چنانچه شتر باشد بايد سال پنجم را تمام کرده و در سال ششم داخل شده باشد، و اگر اين مقدار سن نداشته باشد كافي نيست. و چنانچه گاو و يا بز باشد بايد سه ساله باشد، بنا بر احتياط لازم، و کمتر از آن كافي نيست. و چنانچه گوسفند باشد بايد هشت ماهه باشد و کمتر از آن كافي نيست، و بنا بر احتياط لازم بايد يك سالش تمام و داخل در سال دوم شده باشد.

چنانچه پس از قربانى كردن معلوم شد كه سن لازم را نداشته، لازم است قربانى ديگرى بکند كه داراى سن معتبر بوده باشد. قربانى بايد همه اعضايش سالم باشد، پس كور، شل، اخته شده،

شاخ شکسته، و مانند اینها کفایت نمکنند، و لاغر نیز نباید باشد. و بهتر و احتیاط غیر لازم این است که بیمار و موجوء (رگ مالیده) و مرضوض (تخم کوبیده) و پیری که استخوانش آب شده نباشد. قربانی که گوشش بریده یا سوراخ باشد مانعی ندارد، گرچه احتیاط غیر لازم این است که از اینها نیز سالم باشد. و احتیاط غیر لازم و بهتر آنست که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت شاخ و دم نداشته باشد.

(۳۶۴): هر گاه قربانی را به عقیده این که سالم است ذبح نمود و بعد معلوم شد عیبی دارد، لازم نیست قربانی دیگری نماید.

(۳۶۵): اگر کسی نتواند قربانی واجد شرایط ذکر شده را فراهم نماید، باید هر قدر از شرایط را که قدرت دارد تحصیل کند.

(۳۶۶): چنانچه در چاقی حیوان شك دارد، ولی به قصد فرمانبرداری و به امید این که به درگاه خداوند قبول افتد آن را کشت، و بعد معلوم شد چاق بوده کفایت میکند.

(۳۶۷): هر گاه قربانی سالم و بی عیبی خرید، و پس از خرید مریض شد یا عیبی پیدا کرد، کشتن همان کافی است و لازم نیست تعویض نماید.

(۳۶۸): هر گاه قربانی را خرید و گم شد باید قربانی دیگری

بجای آن بخرد، بعد اگر قربانی اولی پیدا شد باید اولی را بکشد، و نسبت به دومی مختار است که بکشد یا نه و در حکم سایر اموالش خواهد بود، هر چند احتیاط غیر لازم و بهتر این است که آن را نیز بکشد. و چنانچه قربانی اول بعد از کشته شدن قربانی دوم پیدا شد بنا بر احتیاط واجب باید اولی را نیز بکشد. (۳۶۹): اگر قربانی گمشده ای را پیدا کرد باید تا روز دوازدهم اعلان و تعریف کند، و چنانچه صاحبش پیدا نشد، عصر روز دوازدهم آن را از طرف صاحبش بکشد.

(۳۷۰): کسی که پول قربانی را دارد و قربانی نیابد باید پول نزد شخص امینی امانت بگذارد که تا آخر ماه ذی الحجّه با آن پول قربانی بخرد و ذبح کند. و چنانچه ماه ذی الحجّه گذشت نباید بکشد مگر در سال بعد.

(۳۷۱): کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را، باید بجای قربانی کردن ده روز روزه بگیرد، سه روز را در حج (روز هفتم، هشتم و نهم ذی الحجّه) و هفت روز دیگر را در وطن خود. و بنا بر احتیاط لازم باید هفت روز پی در پی باشد. و سه روز اول را میتواند پس از شروع به اعمال عمره تمتع از اول ماه ذی الحجّه بگیرد و باید پی در پی باشد. و چنانچه به وطن خود برگشت و

در مکه اقامت نمود باید تا يك ماه صبر نموده و بعد از آن هفت روز روزه بگیرد.

(۳۷۲): کسی که بجای قربانی روزه بگیرد چنانچه نتواند روز هفتم ذی الحجه را روزه بگیرد باید روز هشتم و نهم را روزه گرفته و روز دیگر را پس از بازگشت از منی روزه بگیرد، و اگر روز هشتم ذی الحجه را نیز نتواند روزه بگیرد، باید هر سه روز را تا برگشتن از منی تأخیر اندازد. و احتیاط غیر لازم این است که پس از بازگشت هر چه زودتر روزه ها را بگیرد و بدون عذر تأخیر ننماید. و اگر پس از بازگشت از منی نتوانست روزه بگیرد، این سه روز را در راه بازگشت به وطن یا در وطن خود روزه بگیرد، ولی نباید بین این سه روز و هفت روز بقیه جمع نماید. و چنانچه تا اول محرم این سه روز روزه را نگرفت روزه از او ساقط است و باید در سال بعد قربانی نماید.

(۳۷۳): کسی که نه قربانی داشت و نه پول آن را، و در حج سه روز روزه گرفت و سپس قربانی برای او ممکن شد، بنا بر احتیاط واجب باید قربانی نماید.

(۳۷۴): کسی که نمیتواند به تنهایی قربانی تهیه کند و می تواند با دیگری شرکت نماید، بنا بر احتیاط واجب باید بین شرکت در

قربانی و ده روز روزه گرفتن جمع کند.
(۳۷۵): هر گاه قربانی یا پول آن را به کسی داد و او را در کشتن
قربانی و کیل کرد، و بعد شك کرد در این که آیا و کیل قربانی را
انجام داده یا نه، باید بنا بگذارد که انجام نداده، ولی اگر و کیل
راستگو و مورد وثوق باشد و بگوید قربانی کردم کفایت میکند.
(۳۷۶): در کفاره، شرایط ذکر شده در قربانی شرط نیست،
هر چند احتیاط غیر لازم رعایت آن شرایط است.
(۳۷۷): لازم نیست کسی شخصا در کشتن قربانی و یا کفاره
مباشرت کند، بلکه جایز است هر چند در حال تمکن و اختیار،
دیگری را نایب قرار دهد، ولی باید نیت قربانی از صاحب قربانی
تا هنگام کشتن مستمر باشد، و کشنده لازم نیست نیت کند،
گرچه احتیاط غیر لازم و بهتر آنست که او نیت کند.
مصرف قربانی

(۳۷۸): بنابر احتیاط واجب باید قربانی سه قسمت شود: يك
قسمت را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و قسمتی را به مؤمنین هدیه
نماید، و قسمت باقی مانده را خود بخورد. واجب نیست ثلث فقیر
را به خود فقیر بدهد، بلکه جایز است به و کیل فقیر داده شود،
گرچه و کیل صاحب قربانی باشد، و و کیل در آن قسمت بر حسب

اجازه موکل خود تصرف منماید هر تصرفی را که گفته، چه بخشیدن به دیگری چه فروش چه اعراض و رها کردن و غیر اینها. (۳۷۹): جدا کردن هر قسمتی از قسمت دیگر لازم نیست و همین که يك سوم مشاع را به عنوان صدقه، و يك سوم مشاع را به عنوان هدیه داده، و از باقی مانده مقدار بخورد کافی است. (۳۸۰): کسی که صدقه یا هدیه را بگیرد، هر طور بخواهد میتواند در آن تصرف کند، و چنانچه آن را به غیر مؤمن یا غیر مسلمان ببخشد عیبی ندارد.

(۳۸۱): چنانچه قربانی را ذبح کرد و قبل از صدقه دادن و هدیه نمودن، دزدی آن را دزدید یا ظالمی به زور آن را گرفت، صاحب قربانی ضامن نیست، ولی اگر به اختیار خود آن را تلف نمود یا به نا اهل بخشید، دو سوم هدیه و صدقه را ضامن است.

۶ - حلق یا تقصیر

ششمین واجب حج تمتع و سوم واجب منی، حلق (تراشیدن سر) یا تقصیر (گرفتن مقداری از مو یا ناخن) میباشد. و باید با نیت وقربة الی الله باشد. و باید در روز انجام شود، بنابر احتیاط واجب. و نیز باید بعد از رمی جمره و قربانی باشد. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هر دو

آنها مقدم کرد، چنانچه ممکن است باید بعد از رمی و قربانی اعاده کند، بنا بر احتیاط واجب. و احتیاط غیر لازم این است که در صورت عدم امکان هم، اعاده کند.

(۳۸۲): تراشیدن سر برای زنان جایز نیست و در حق آنان تقصیر متعین است.

(۳۸۳): مردان بین حلق و تقصیر مخیرند، و هر کدام را خواسته باشند میتوانند اختیار کنند. و سر تراشیدن (حلق) بهتر است. و کسی که موی سر خود را جمع کرده و درهم پیچیده و گره زده یا بافته، باید حلق را اختیار کند. و ضرورتاً (کسی که برای اولین بار حج منماید) باید - بنا بر احتیاط لازم - حلق را اختیار کند.

(۳۸۴): کسی که بخواهد سر بترشد و بداند سلمانی سر او را زخمی خواهد کرد باید اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را بچیند، سپس سلمانی سرش را بترشد.

(۳۸۵): خنثای مشکل اگر موی سر خود را نبافته است باید تقصیر نماید، و گر نه باید هم تقصیر نماید و هم حلق، و بنا بر احتیاط لازم تقصیر را بر حلق مقدم بدارد.

(۳۸۶): بعد از حلق یا تقصیر آنچه بر محرم بواسطه احرام حرام شده بود حلال میشود، جز نزدیکی با زن و استعمال بوی خوش،

بلکه شکار کردن بنابر احتیاط لازم.
(۳۸۷): هر گاه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق یا تقصیر نکرد تا از منی بیرون رفت باید به منی برگشته و در آنجا حلق یا تقصیر نماید. و چنانچه بازگشت به منی غیر ممکن یا دشوار باشد همان جا که هست حلق یا تقصیر کند، و اگر نتواند موی سر خود را به منی بفرستد تا در آنجا دفن شود.
(۳۸۸): اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق و یا تقصیر ننمود، و پس از فراغت از اعمال حج یادش آمد و تدارك کرد، بنابر احتیاط واجب طواف و سعی را اعاده کند، خصوصا اگر از مکه بیرون نرفته باشد.
اعمال بعد از منی

۷ و ۸ و ۹ - طواف حج و نماز طواف و سعی هفتم، هشتم و نهم از واجبات حج تمتع طواف و نماز طواف و سعی صفا و مروه است. و کیفیت و شرایط این سه همان کیفیت و شرایطی است که در طواف و نماز و سعی عمره تمتع بیان شد.
(۳۸۹): در حج تمتع واجب است طواف حج پس از حلق یا تقصیر باشد. و چنانچه دانسته و عمدا طواف را جلو بیندازد واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نماید، و يك

گوسفند کفاره بدهد.

(۳۹۰): مستحب و احتیاط غیر لازم آنست که بعد از بجا آوردن اعمال منی در روز عید قربان، اعمال مکه را هر چه زودتر انجام دهد. و مکروه است تأخیر آن از روز یازدهم و انجام آن در روزهای دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه. و احتیاط لازم آنست که بعد از سیزدهم تا آخر ماه ذی الحجه بجا نیورد. و انجام اعمال مکه بعد از ذی الحجه جایز نیست.

(۳۹۱): در حج تمتع جلو انداختن طواف حج و نماز آن و سعی، بر وقفین جایز نیست، مگر برای پیر مرد یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقفین بجا آورده و سعی را در وقت خودش انجام دهند. و احتیاط لازم این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نماید. و اگر میتواند بهتر است طواف و نماز آن را اعاده کند، در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) یا بعد از آن تا آخر ماه.

(۳۹۲): کسی که از رفتن به مکه بر جان خود مترسد میتواند طواف حج و نماز آن و سعی - بلکه طواف نساء - را بر وقفین مقدم بدارد. و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از برگشتن اگر بتواند طواف حج و طواف نساء و سعی را دوباره بجا آورد.

(۳۹۳): کسی که عارضه ای برایش رخ داده که نمیتواند طواف کند، مانند زنی که حیض یا نفساء شود و نتواند تا پاك شدن در مکه بماند که طواف کند، لازم است برای طواف و نماز نایب بگیرد. و پس از طواف نایب، شخصا سعی کند.

(۳۹۴): وقتی متمتع، طواف حج و نماز آن را بجا آورد و سعی را انجام داد، محرمات احرام بر او حلال میشود، مگر زن و استعمال بوی خوش (که این دو بعد از طواف نساء و نماز آن حلال میشود)، و بنا بر احتیاط لازم شکار. اما میتواند بعد از طواف و سعی عقد نماید. ولی جماع جایز نیست، بلکه مطلق لذت بردن بنا بر احتیاط لازم.

(۳۹۵): کسی که تقدیم طواف و سعی بر وقوفین برایش جایز است، هر گاه طواف و سعی را بجا آورد، بوی خوش بر او حلال نمیشود تا مناسك منی (رمی، قربانی، حلق یا تقصیر) را بجا آورد.

۱۰ و ۱۱ - طواف نساء و نماز طواف نساء

دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع طواف نساء و نماز آن است. این دو اگر چه واجبت ولی جزء اعمال و مناسك حج نیستند و ترك آنها حتی عمدا موجب بطلان حج نمیشود.

(۳۹۶): طواف نساء همان طوری که بر مردان واجب است بر

زنان نیز واجب است، چه بالغ یا ممیز و عاقل باشند و چه غیر بالغ یا دیوانه ای که ولی آنان را محرم کرده است. پس اگر مرد بجا نیاورد زن بر او حرام میشود، و چنانچه زن ترك نماید مرد بر او حرام میشود. و کسی که به نیابت دیگری حج منماید طواف نساء را برای او بجا بیاورد نه برای خود.

(۳۹۷): طواف نساء و نماز آن در کیفیت و شرایط، مانند طواف حج و نماز آن است.

(۳۹۸): کسی که به خاطر بیماری و مثل آن به تنهایی نمیتواند طواف نساء را بجا بیاورد، باید از دیگری کمک بگیرد و طواف نماید، هر چند بر دوش انسان یا پشت حیوانی سوار شود. و چنانچه قدرت بر این را هم ندارد لازم است نایب بگیرد. و این حکم در نماز طواف نیز هست.

(۳۹۹): کسی که عمدا طواف نساء را بجا نیاورد هر چند از روی ندانستن حکم باشد، تا وقتی که شخصا تدارك نکرده زن بر او حرام میباشد. و کسی که از روی فراموشی بجا نیاورده چنانچه مباشرتش برای انجام طواف نساء غیر ممکن یا دشوار باشد می تواند نایب بگیرد. و هر وقت نایب طواف نساء را بجا آورد زن بر او حلال می شود. و تارك طواف نساء اگر قبل از تدارك فوت

نماید واجب است قضاء نمایند، چه تبرعی و چه از ترکه اش.
(۴۰۰): تقدیم طواف نساء بر سعی جایز نیست. و کسی که دانسته و عمدا طواف نساء را جلو اندازد لازم است بعد از سعی اعاده کند. و هم چنین است اگر از روی ندانستن حکم یا فراموشی جلو بیندازد، بنا بر احتیاط لازم.

(۴۰۱): کسی که از روی عذر طواف نساء را قبل از وقوفین انجام دهد تا وقتی مناسک منی (رمی و قربانی و حلق یا تقصیر) را بجا نیاورده، زن و یا شوهر بر او حلال نمیشود.

(۴۰۲): زن حیضی که قافله تا وقت پاك شدن او منتظرش نماند، میتواند طواف نساء را ترك نموده و با قافله همراه شود. و باید برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد. و چنانچه مشغول طواف بوده و پس از بجا آوردن نصف آن حیض شود میتواند باقی را ترك و با قافله برود. و باید برای باقیمانده طواف و نماز طواف نایب بگیرد.

(۴۰۳): حکم فراموش نمودن نماز طواف نساء مانند حکم فراموش کردن نماز طواف حج است، که گذشت.

(۴۰۴): هر گاه متمتع طواف نساء و نمازش را بجا آورد، اگر مرد است زن بر او حلال میشود. و اگر زن است مرد بر او حلال

مشود، و فقط چیزی که از محرّمات احرام باقی مماند شکار است که تا ظهر روز سیزدهم حرام است، بنا بر احتیاط لازم. و اما حرمت کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم اختصاص به محرم ندارد و بر غیر محرم نیز حرام است.

۱۲ - بیتوته در منی

دوازدهم از واجبات حج تمتع، بودن شب یازدهم و دوازدهم است در منی. و قصد بیتوته و تقرب به خدا در آن معتبر است. و چنانچه کسی روز عید را جهت بجا آوردن طواف و سعی به مکه برود واجب است به منی برگشته و شب را در آنجا بماند. و کسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده واجب است شب سیزدهم را نیز در منی بماند. و هم چنین است کسی که با زن خود نزدیکی کرده یا از محرّمات دیگر اجتناب نکرده، بنا بر احتیاط لازم. و برای غیر این دو کوچ کردن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم جایز است، ولی چنانچه تا شب در منی ماند واجب است شب سیزدهم را نیز بماند. و بهتر برای همه ماندن شب سیزدهم است.

(۴۰۵): هر گاه آماده حرکت و کوچ از منی شده و از جای خود حرکت نمود، ولی به جهت ازدحام جمعیت و مانند آن نتوانست

قبل از غروب روز دوازدهم از منی خارج شود، چنانچه بودن در منی برایش ممکن باشد واجب است شب سیزدهم را نیز تا بعد از نصف شب بماند. و اگر ممکن نباشد یا دشوار باشد جایز است شبانه از منی خارج شود و باید يك گوسفند بکشد، بنابر احتیاط لازم.

(۴۰۶): کسی که بودن در منی بر او واجب است، بودن روز در منی بیش از مقداری که بتواند رمی جمرات کند بر او واجب نیست. و واجب نیست تمام شب را در منی باشد و می تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب، یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند. و بهتر برای کسی که نصف اول شب را در منی مانده و بعد بیرون رفته این است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

(۴۰۷): چند طائفه از وجوب بیتوته در منی مستثنی هستند:

۱ - مریض و پرستارش، و یا کسی که بر جان و مال خود در آنجا بترسد.

۲ - کسی که در مکه تمام شب مشغول عبادت بوده و به جز حاجت ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر کار دیگری نداشته است.

۳ - کسی که طواف نموده و آن قسمت از شب را که در مکه

مانده مشغول عبادت بوده، سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدنیین گذشته باشد، میتواند در راه بیتوته نماید، و لازم نیست خود را به منی برساند.

(۴۰۸): کسی که بیتوته منی را عمدا ترک کند، برای هر شب باید يك گوسفند كفاره بدهد. همچنین اگر بیتوته در منی را فراموش کند یا حکم را نداند یا عذر داشته، باید يك گوسفند كفاره بدهد، بنابر احتیاط لازم.

اما بر کسی که به خاطر عبادت در مکه، بیتوته را ترك نموده كفاره نیست. و نیز کسی که بعد از طواف و سعی به سوی منی رهسپار شده ولی بر اثر راه بندان، پیش از فجر به منی نرسیده واجب نیست كفاره بدهد.

(۴۰۹): کسی که قبل از غروب روز دوازدهم از منی کوچ کرده و بعد از این که شب شد برای کاری به منی برگشت، واجب نیست شب سیزدهم را در منی بیتوته کند.

۱۳ - رمی جمرات

سیزدهم از واجبات حج تمتع رمی جمرات سه گانه (جمره اولی، جمره وسطی، جمره عقبه) است. رمی در روز یازدهم و دوازدهم واجب است. و هر گاه شب سیزدهم در منی بیتوته کند،

رمی روز سیزدهم نیز واجب خواهد شد، بنابر احتیاط لازم. رمی جمرات باید به مباشرت خود شخص انجام شود. و نایب گرفتن بدون این که خودش عذری داشته باشد جایز نیست.

(۴۱۰): در رمی واجب است اول جمره اولی را رمی کند، سپس وسطی، و در آخر جمره عقبه را. و چنانچه بر خلاف این ترتیب عمل شود واجب است به طوری که ترتیب حاصل شود دوباره رمی کند، گرچه مخالفت از روی ندانستن حکم یا فراموشی باشد. ولی اگر بعد از این که جمره سابق را چهار ریگ زد، فراموش کرد و به جمره بعدی رفت واجب نیست رمی را تماما اعاده کند، بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمره قبلی بزند کفایت میکند.

(۴۱۱): واجباتی که در رمی جمره عقبه در اعمال روز عید قربان ذکر شد در جمرات سه گانه نیز واجب است.

(۴۱۲): رمی جمرات باید در روز انجام شود. و کسی که در روز نتواند رمی کند جایز است رمی را شب آن روز انجام دهد، مانند پیر مرد و زن و بچه وضعیف که بر جان خود از ازدحام مترسند، و غلام و چوپان و بدهکاری که مترسد گرفتار شود، و هر کس که بر جان و مال و ناموس و آبروی خود بترسد.

(۴۱۳): کسی که رمی روز یازدهم را فراموش کند واجب است

روز دوازدهم آن را قضاء نماید. و کسی که رمی روز دوازدهم را فراموش کند واجب است روز سیزدهم قضاء نماید. و احتیاط لازم این است که بین اداء همان روز و قضاء روز قبل فاصله بیندازد و قضاء روز قبل را پیش از اداء همان روز بجا آورد، و قضاء روز قبل طرف صبح و اداء همان روز هنگام زوال باشد.

(۴۱۴): کسی که رمی را فراموش کرد و بعد از کوچ به مکه یادش آمد واجب است به منی برگشته و رمی نماید. و چنانچه رمی دو یا سه روز را فراموش کرده باشد احتیاط لازم این است که بین وظیفه هر روز و روز دیگر يك ساعت فاصله بیندازد. و چنانچه بعد از خروج از مکه یادش آمد واجب نیست به منی برگردد، بلکه در سال بعد خودش یا نایش آن را قضاء نماید.

(۴۱۵): بیماری که امید ندارد تا مغرب خوب شود باید برای رمی نایب بگیرد، و چنانچه اتفاقا قبل از غروب آفتاب حالش خوب شد خودش نیز باید رمی کند، بنابر احتیاط لازم. و هم چنین است اگر شب بهبودی یافت، پس خودش نیز باید رمی کند.

(۴۱۶): ترك رمی هر چند عمدی باشد موجب بطلان حج نمیشود، و واجب است در سال بعد قضاء آن را شخصا یا به توسط نایب بجا آورد، بنابر احتیاط لازم.

احکام مصدود

(۴۱۷): مصدود کسی را گویند که پس از محرم شدن برای عمره یا حج از انجام اعمال آن جلوگیری و منع شود.

(۴۱۸): مصدود از عمره در جای خود به قصد بیرون آمدن از احرام قربانی کرده و از احرام در می آید، و احتیاط واجب این که حلق یا تقصیر را هم انجام دهد.

(۴۱۹): مصدود از حج چنانچه از موقف عرفات و مشعر یا از خصوص مشعر مصدود باشد، وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است. و احتیاط واجب این است که علاوه بر قربانی حلق یا تقصیر نیز بنماید.

و اگر بعد از موقوفین و اعمال منی، از طواف و سعی مصدود باشد، اگر نتواند نایب بگیرد وظیفه اش قربانی در محل صد است. و اگر بتواند نایب بگیرد باید هم قربانی کند و هم برای سعی و طواف نایب بگیرد، بنا بر احتیاط لازم.

و چنانچه فقط از اعمال منی مصدود باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت اگر بتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد حجتش صحیح است، و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده سپس بقیه مناسک را بجا آورد. و اگر نتواند نایب بگیرد باید پول

قربانی را نزد کسی بگذارد که بجای او قربانی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده، و برای بجا آوردن بقیه اعمال به مکه برود و پس از انجام اعمال آنجا (سعی و طواف) تمام چیزهایی که با احرام بر او حرام شده حلال میشود حتی زن، و حجش صحیح است، و باید در سال بعد بنا بر احتیاط لازم رمی را اعاده نماید. (۴۲۰): در صورتی که مصدود از سالهای قبل مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند واجب است در سال بعد حج نماید، هر چند قربانی را که ذکر شد انجام دهد.

(۴۲۱): اگر جلوگیری شود از کسی که میخواهد به منی برگردد تا بقیه اعمال حج خود (بیتوته و رمی) را انجام دهد، حجش تمام است. و چنانچه میتواند همان سال برای رمی نایب بگیرد، و گرنه سال بعد، بنا بر احتیاط لازم. و حکم مصدود بر او جاری نیست.

(۴۲۲): قربانی موارد بالا، چه گاو باشد چه شتر و چه گوسفند، فرقی ندارد. و در صورت عدم تمکن از قربانی، بنا بر احتیاط لازم بدل آن را که روزه است - به ترتیبی که گذشت - انجام دهد.

(۴۲۳): کسی که حج خود را به تفصیلی که گذشت باطل کند و بعد مصدود شود حکم صد بر او جاری میشود، ولی باید علاوه بر قربانی کفاره افساد حج را نیز بدهد.

(۴۲۴): کسی که قربانی را همراه خود برده و مصدود شده، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری بر او واجب نیست. احکام محصور

(۴۲۵): محصور کسی را گویند که پس از محرم شدن در اثر بیماری نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد.

(۴۲۶): کسی که در عمره مفرده محصور شده باید يك قربانی بفرستد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در وقت معین قربانی نمایند، و خود در آن وقت از احرام خارج نشود. و می تواند در همان جا که هست به قصد بیرون آمدن از احرام قربانی نماید و از احرام بیرون آید. و بر چنین شخصی بعد از قربانی - چه خودش قربانی کند و چه بفرستد و دیگری برای او قربانی کند - تمام محرمات احرام حلال میشود، به جز زن که بر او حلال نمیشود، مگر بعد از آن که خوب شود یا عذرش بر طرف شود و عمره مفرده را بجا آورد.

و محصور در عمره تمتع نیز باید به همین ترتیب عمل کند، با این فرق که با قربانی زن هم بر این شخص حلال میشود. و هم چنین است وظیفه کسی که در حج محصور شده، ولی بنا بر احتیاط لازم زن بر او حلال نیست تا آن که طواف حج و سعی

و طواف نساء را در حج یا عمره مفرده بجا آورد.
و اگر در وقتی محصور بوده که دو موقف عرفات و مشعر از او فوت شده و خود در مکه یا در راه به سوی دو موقف بوده، حجش را با نیت به عمره مفرده تبدیل کند، و باید طواف و سعی نماید یا طواف داده شود یا کسی بجای او طواف نماید. و هم چنین سعی و طواف نساء را خود یا با کمک دیگری یا نایش بجا آورده و به تقصیر از احرام خارج مشود. و تمام محرّمات احرام حتی زن بر او حلال مشود.

(۴۲۷): هر گاه محصور شد و قربانی خود را فرستاد، و بعد از آن مرضش سبک تر شد، چنانچه گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد کرد واجب است خود را برساند. و چنانچه هر دو موقف یا فقط موقف مشعر را درک نمود حج را درک نموده. و اگر هیچ یک از موقفین را درک نکند چنانچه قربانی اش کشته نشده حجش را با نیت به عمره مفرده تبدیل کند، و اگر کشته شده باشد از احرام بیرون آمده است و تمام محرّمات بر او حلال شده مگر زن. و بنابر احتیاط واجب باید طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد تا زن نیز بر او حلال شود.
(۴۲۸): هر گاه فقط از مناسک و واجبات منی محصور شود،

حکم محصور بر او جاری نمیشود، بلکه باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد و خود حلق یا تقصیر نماید و به مکه برود و مناسکش را بجا آورد. و چنانچه نایب پیدا نکرد پول قربانی را نزد شخصی امین امانت مگذارد که بجای او قربانی کند و خود حلق یا تقصیر نموده و به مکه رفته و اعمال مکه را بجا آورد. و احتیاط لازم این است که رمی را در سال بعد شخصا یا نایبش انجام دهد.

و هر گاه بعد از درك و قوفین و اعمال منی، از رفتن به مکه و بجا آوردن مناسکش محصور شود، واجب است برای انجام مناسک مکه نایب بگیرد. و پس از عمل نایب تمام محرمات احرام حتی زن بر او حلال میشود.

(۴۲۹): هر گاه محرم محصور شد و قربانی خود را فرستاد، ولی تا قربانی بجای خود برسد سر او از گرما اذیت میشود جایز است خودش گوسفندی کشته یا سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را اطعام نماید (به هر کدام دو مد طعام بدهد)، و حلق نماید.

(۴۳۰): اگر استطاعت محصور تا سال بعد باقی بماند یا از سالهای پیش حج بر او واجب بوده، به فرستادن قربانی و در آمدن از احرام، حج از او ساقط نمیشود، و باید در سال بعد حج نماید.

(۴۳۱): هر گاه شخص محصور نه قربانی دارد و نه قیمت باید به

ترتیبی که گذشت ده روز روزه بگیرد. یعنی سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن.

(۴۳۲): مستحب است هنگامی که مسخواهد نیت احرام کند بر

خدا شرط کند که هر جا نتواند اعمال را ادامه دهد از احرام بیرونش بیاورد، هر چند بیرون آمدن از احرام متوقف بر این نیست، زیرا هر جا که نتوانست و عذر یا مانعی پیدا کرد، خود به خود از احرام بیرون خواهد آمد، چه این شرط را کرده یا نکرده باشد.

(۴۳۳): کسی که نتواند حج خود را ادامه دهد به خاطر پیش آمدن مانعی غیر از صد و حصر، احتیاط واجب این است که در جای خود قربانی نماید و از احرام خارج شود.

والحمد لله رب العالمین

اللهم أمانتي أديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة

اللهم ارزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام ما أبقيتني في يسر منك وسعة رزق ولا تخلني من تلك المواقف الكريمة والمشاهد الشريفة وزيارة قبر نبيك صلواتك عليه وآله وفي جميع حوائج الدنيا والاخرة فكن لي